

سال اول، شماره سوم - رجب- شعبان ۱۴۳۵هـ ق، ثور - جوزا ۱۳۹۳هـ ش

شیران گوانتانامو، مقدم تان گل آذین باد!



چرا امریکا میخواهد اشغال افغانستان را تمدید کند؟

مصاحبه با رئیس کمیسیون اقتصادی و مالی امارت اسلامی افغانستان

فرمان الهی

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ سورة حم السجده ٣٣

ترجمه:

و کیست خوش گفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: من از مسلمانانم.

فرمان نبوی

عَنْ سَهْلِ بن سعد، رضي اللَّه عنْه، أنَّ النبي صَلّى اللهُ عَلَيْهِ وسَلَّم قَالَ لِعَلي، رضي اللَّه عنْه: فو اللَّهِ لأَنْ يهْدِيَ اللَّه بِكَ رجُلاً واحِداً خَيْرٌ لكَ من حُمْرِ النَّعم» متفقٌ عليهِ.

شرح پشتی:

عکس اول از زنجیر و زولانه های محبس جهنمی گوانتانامو که الحمدلله بعضی از شخصیت های سرکرده، اصیل و فداکار امارت از آن رهایی یافتند.

عکس دوم از هلیکوپتری نیروهای اشغالگر امریکایی در حال سقوط بر روی زمین است.





دو ماهه

حقیقت

علمی فرهنگی جهادی

سال اول، شماره سوم، رجب -شعبان ۱۴۳۵هـ ق، ثور-جوزا ۱۳۹۳هـ ش

آنچه در این شماره میخوانید:

◆صاحب امتیاز :

کمیسیون امور فرهنگی،
امارت اسلامی افغانستان

◆مدیر مسؤل:

❖احمد تنویر

◆معاون :

❖عبدالله شهید

◆هیئت تحریر:

❖حسن مبشر ❖ جمال زرنجی

❖سعید بدخشانی ❖ سید سعید

❖سعادت کامران ❖ سمیع الله زرمتی

◆دیزاین :

❖زلمی افغان

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com

تذکر:

جز سرمقاله دیگر محتویات مجله انعکاس دهندهء افکار و نظریات نویسندگان است.

سرمقاله

چرا امریکا می خواهد اشغال افغانستان را تمدید کند؟

از بدو تهاجم نامیمون امریکا در سال ۲۰۰۱م بر وطن عزیز افغانستان، روشن بود که قصد دولتمردان آن کشور از لشکرکشی عظیم به سرزمین افغانستان و خاورمیانه چیست؛ دولتمردان امریکایی جنگ خود را جنگ صلیب علیه اسلام عنوان کردند و بر ضد نظام مستقل امارت اسلامی افغانستان، دنیا را جمع نموده و به گمان غلط خود از طریق حمله به افغانستان، زمینه تجاوز به کشورهای همجوار و رقبای دیرینه اش را در سطح کشورهای خاورمیانه مساعد ساختند و در ضمن تخریب بنیادهای اعتقادی مسلمانان، قصد به تاراج بردن سرمایه های هنگفت و خدادادی ملت های مسلمان را در سر داشتند.

در طول سیزده سال گذشته امریکا و کشورهای هم پیمانش در جنگ افغانستان تلاش و کوشش فراوان نمودند تا اهداف و پلان های شوم خود را در سرزمین افغانستان به پایه تکمیل برسانند و بالاخره پس از هزینه کردن آنهمه سرمایه های هنگفت مالی و جانی خیلی آرزو داشتند که در نهایت پیروز جنگ افغانستان بشوند و رویاهای خود در افغانستان را به واقعیت تبدیل بسازند؛ اما که خوشبختانه نه اینکه امریکا و متحدین بین المللی اش در افغانستان به پیروزی لازم دست نیافتند بلکه بدتر از آنچه که انتظار داشتند با عواقب بسیار ناگوار کننده جنگ افغانستان مواجه شدند، و آنچه که از بحران ها و چالش های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی بر سر امریکا و متحدینش آمدند اساس همه، ریشه در جنگ افغانستان داشته و جنگ افغانستان هزینه های سرسام آوری را بر دست غرب متجاوز گذاشت.

استراتیژی جنگ و سیاست های سران امریکا در قبال جنگ افغانستان همواره در حال تغییر و دستخوش بوده و دولتمردان آن کشور، چون هیچ دلیل قانونی بر ادامه تجاوز شوم خود در افغانستان نداشتند مدام موضوعات مختلفی را در باره جواز جنگ افغانستان ارایه کرده اند؛ چنانکه گاهی جنگ افغانستان را جنگ صلیب بر اسلام خواندند اما وقتی با پیامدهای این مقوله آشنا گردیدند فورا سخن شان را تعویض کرده و جنگ علیه تروریزم بین المللی را مطرح کردند که این عنوان نیز به ضرر امریکا انجامید چونکه وقتی دنیا وحشی گری های عساکر امریکایی را در افغانستان شنیده و یا به چشم سر مشاهده کردند بدرستی فهمیدند که تروریزم واقعی خود امریکایی ها هستند و نه آنانی که از حیثیت و خاک خود دفاع می کنند و بی دلیل هموطنان شان توسط اشغالگران به خاک و خون کشیده می شوند به همین قِسم نام ها و عنوان های دیگری که امریکا در طول سالهای اشغال و تجاوز خود در افغانستان طرح کردند از حقیقت و واقعیت بدور بوده و جز روسیاهی و رسوایی و افشای ماهیت اصلی اشغالگران، چیزی دیگر عاید امریکا و متحدین بین المللی اش نگردانید.

از همین جهت امریکا فکر می کند که پلان های عملی نشده و برنامه های غیرمکمل آن که در سیزده سال گذشته نهایی نشده شاید با تمدید اشغال و خریدن فرصت و زمان بیشتر، بتواند تکمیل و نهایی کنند؛ در حالیکه اشتباه کامل امریکا همین جاست و در عین حال نتیجه جنگ افغانستان را به خوبی می داند که آخرش شکست است اما بازهم از سر جهل و تکبر اصرار برماندن بیشتر می کند و خود را فریب می دهد و گمان می برد که گذشت زمان، آن را برنده نهایی جنگ افغانستان می گرداند؛ در حالیکه هرچه زمان حضور اشغالگران در افغانستان طولانی تر شود به همان مراتب، زیان و ضررهای امریکا و همچنین شکست و افتضاحات امریکا نیز بیشتر می شود؛ پس بهتر است سران کاخ سفید به جای پاک کردن صورت مسئله، حقیقت جنگ افغانستان را پذیرفته و ضمن تجدید نظر در سیاست های شان، به خاتمه جنگ بیشتر توجه کنند تا تمدید آن.

آغاز پیروزمندانه

عملیات خیبر

سمیع الله زرمتی

کارشناس مسایل سیاسی و عضو هیئت تحریر مجله حقیقت

قسمی که انتظار میرفت ،آغاز عملیات بهاری امسال بتاریخ ۱۸ برج ثور سال ۱۳۹۳هجری شمسی طی ابلاغیه رسمی از جانب شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان اعلام شد، در اعلامیه صادر شده درین مورد راجع به زمان آغاز عملیات آمده بود: این عملیات بهاری به نام " خیبر " در سطح تمام کشور در روز دوشنبهٔ آینده تاریخ ۱۳ رجب المرجب سال ۱۴۳۵ هجری قمری مصادف با ۲۲ ماه ثور سال ۱۳۹۳ هجری شمسی که برابر است با ۱۲ ماه می سال ۲۰۱۴ میلادی در ساعت ۵صبح با نعره های الله اکبر آغاز می گردد. ان شاء الله

ساعت پنج صبح به وقت کابل روز بیست و دوم ماه ثور عملیات خیبر درپی زمزمه های کفر شکن الله اکبر با شلیک نمودن چندمیزایل به تاسیسات اشغالگران واقع در میدان هوایی کابل آغاز گردید، همین فیرهای هدفمند سرآغاز تسلسل حملات و فتوحات پیاپی بودند که تا همین روز در سراسر کشور جریان دارند .

روز اول عملیات خیبر، میدان هوایی بگرام در ولایت پروان، میدان هوایی شیندند درغرب افغانستان ،مقام ولایت در شهر غزنی ودر سرتاسر کشور چندین مراکز حساس دشمن هدف حملات مجاهدین قرار گرفتند که تمامی این حملات تلفات سنگین در صف دشمن را به همراه داشتند.

یکی از عملیات موفق روز اول عملیات استشهادی دست جمعی به ریاست عدلیه ولایت ننگرهار بود، درین عملیات چندتا فداییان سربکف امارت اسلامی به منسوبین دشمن هجوم آوردند، ریاست عدلیه ولایت ننگرهار تحت تصرف خود در آوردند وازهمین سنگر بر تاسیسات و مراکزحساس دشمن حملات راکتی آغاز کردند، این عملیات که تا پایان روز ادامه داشت، سرانجام به شهادت سه تن مجاهدین استشهادی و هلاکت بیست تن از منسوبین بلند رتبه دشمن به پایان رسید.

بنا بر راپورهای مجاهدین از سرتاسر کشور در روز آغازین عملیات خیبر مجاهدین توانستند بیش از 231 حملات گوناگون بر مراکز و قرارگاهای دشمن انجام دهند،سخنگوی وزارت دفاع دشمن (ظاهرعظیمی) بر صفحه رسمی خود در شبکه اجتماعی تویتر اعتراف کرد، که درهمین روز در بیست ویک ولایات افغانستان صدها حملات از جانب مجاهدین صورت گرفته، با آنکه دشمن از تلفات خود چیزی نگفت اما مطبوعات آزاد و شاهدان عینی از تلفات سنگین دشمن در تمام ولایات افغانستان خبر دادند .

روز دوم عملیات خیبر همانند روز اول همراه با فتوحات و حملات پیروزمندانه مجاهدین بود، از دهها عملیات روز دوم میتوان عملیاتی در غزنی و زابل یاد آوری کرد در روز دوم مجاهدین امارت اسلامی در قره باغ ولایت غزنی بر پوسته های دشمن عملیات وسیع آغاز کردند،درین عملیات سرتاسری در مناطق قلعه نعیم ، قبرغه ، خونیان و خالو خیل چندین پوسته اربکیها بدست مجاهدین فتح گردید، دهها تن از افراد دشمن به قتل رسیده ، سلاح های شان در دست مجاهدین غنیمت افتادند ،در همین روز در شهر قلات مرکز ولایت زابل نزدیک قومندانی امنیه برعساکر دشمن انفجار مهیب رخ داد که در نتیجه اش 27 تن پولیس و عساکر دشمن هلاک و زخمی شدند، منسوبین دشمن در ولایت زابل گفتند مواد انفجاری در یک موتر جاسازی شده بود که باعث زخمی شدن بیش از شانزده تن پولیس و منسوبین دولتی شدند.

بتاریخ بیست و چهار ثور، روزسوم عملیات خیبر ،مجاهدین توانستنددر منطقه کارته نو شهر کابل یک موتر نظامی اردوی مزدور به واسطه بمب چسپکی از بین برد، در این رویداد چندتا منسوبین اردو کشته و زخمی گردیدند، عملیات متذکره از جهتی مهم بود که دشمن با استفاده از تمام امکانات کوشش میکند تا شهر کابل را از عملیات مجاهدین نگه دارد، اما مجاهدین سربکف همیشه توانسته اند با استفاده از تاکتیک های مختلف از کمربندها و موانع امنیتی دشمن عبور نموده خود را بقلب شهر برسانند و دشمن را در امن ترین نقاط شهر تحت ضربات غافلگیرانه در آورند .

روز سوم عملیات یک تن از مجاهدین که خود را در صف دشمن جاسازی نموده بود، در ولسوالی مارجه ولایت هلمند بر عساکر دشمن حمله نمود، درین حمله ناگهانه تمام اربکیهای موجود در پوسته کشته شدند و مجاهد نامبرده توانست تا با یک عراده موتر رینجر و چند میل اسلحه سبک وسنگین به صفوف مجاهد خود را برساند، مجاهدین امارت اسلامی ازین مجاهد سربکف به حیث یک قهرمان میدان جهاد استقبال نمودند، از سوی دیگر در همین روز در ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار چهار تن مجاهدین فدایی به قومندانی پولیس سرحدی حمله نمودند که جنگ تا چندین ساعت جریان داشت درین حمله علاوه به دو تن از قومندانان پولیس بنامهای تورجان و نثار پهلوان زیاده از بیست تن پولیس و نیروهای سرحدی کشته شدند.

در همین زمینه یکی از فتوحات اولیه و قابل الذکر عملیات خیبر فتوحات پیاپی در ولایت بدخشان بود، که به سطح کشور و جهان خبر ساز شدند و حتی مطبوعات جهان درباره آن تبصره کردند، مجاهدین دلیر ولایت بدخشان توانستند بتاریخ بیستم رجب المرجب در نتیجه هجوم وسیع ولسوالی یمگان ولایت بدخشان فتح نمایند و این منطقه استراتیژیک بطور کلی در تصرف خود درآورند .

در عملیات ولسوالی یمگان شانزده تن از عساکر دشمن کشته و پنج تن دیگر در حین معرکه در دست مجاهدین اسیر افتادند درین عملیات یک تانک، شش عراده موتر رینجر و مقداری زیادی از اسلحه و مهمات از دشمن به طور غنیمت بدست آمد یک روز بعد از فتح ولسوالی یمگان مجاهدین توانستند 27 تن دیگر از عساکر دشمن که از محل جنگ فرار کرده وبه یک مغاره پناه برده بودند به حیث اسراء همراه با سلاح های شان بدست آورند.

در روزهای اولیه عملیات خیبر یکی از حملات هدفمند مجاهدین حمله فدایی بر قومندان جاجو یکی از قومندانان ظالم و وحشی صفت دشمن در قندهار بود، که در نتیجه حمله این قومندان ظالم بهلاکت رسید و مردم رنج دیده شهر قندهار از ظلم و آسیب شان ایمن گشتند، قومندان جاجو که دستیار و فرد اول جنرال رازق قومندان امنیه قندهار بود از چند سال بدینسو در شهر قندهار حکمروایی میکرد و بظلم و قساوت در برابر مجاهدین شهرت زیادی داشت، قومندان جاجو نه تنها در برابر مجاهدین اسیر از ظلم بیشتری استفاده میکرد بلکه مردم عادی هم از ظلم و ضرر ایشان در امان نبودند .

ضرب المثل است که میگویند سالی که نکو است از بهارش پیدا است ، از چند نمونه فوق الذکر معلوم شد که آغاز عملیات خیبر پیروز مندانه و از نگاه کمیت عملیات برتر از توقعات بود در چند هفته گذشته ما شاهد تسلسل فتوحات و حملات کوبنده مجاهدین در سرتاسر افغانستان هستیم همین آغاز پیروزمندانه دلیل است بر کامیابی عملیات خیبر واز دربار باری تعالی امید داریم تا آخرین روز این عملیات را حاوی از فتوحات و بشارات نگه دارد .

مجاهدین امارت اسلامی درحالی از فتوحات و دستاوردها در میدان نبرد استقبال میکنند، که در مجال سیاست و دیپلوماسی هم امارت اسلامی پیروزی های چشمگیری ازان خود کرده است، چند روز پیش دیپلوماتهای امارت اسلامی در قطر توانستند در پی مذاکرات منتج، پنج تن از مجاهدین سرکرده امارت اسلامی از زندان بدنام گوانتانامو آزاد سازند، امارت اسلامی، حکومت امریکا را مجبور ساخت تا به طور استثنایی قانون خود را زیرپا کرده حاضر به تبادل اسراء نظامی شوند،درین تبادله پنج تن از افراد رده اول امارت اسلامی هریک ملا نورالله نوری رییس تنظیمه زون شمال و والی بلخ، ملا خیرالله خیرخوا وزیرداخله سابق و والی ولایت هرات ،مولوی محمدنبی عمری یک تن از قومندانان برجسته امارت اسلامی درزونی جنوب شرق ، ملا محمدفاضل لوی درستیز قوای مسلح امارت اسلامی و ملا عبدالحق وثیق معاون ریاست عمومی استخبارات امارت اسلامی از چنگ دشمنان رها شدند .

این پیروزی دیپلوماتیک به سطح جهان به حیث یک دستآورد بی سابقه امارت اسلامی تلقی گردید و از مبصرین رسانه ای تا متخصصین امور سیاسی همه اظهار داشتند که مجاهدین امارت به این اقدام توانسته اند همزمان در عرصه های سیاسی نظامی و تبلیغاتی دستآورد بسا بزرگی ازآن خود کنند.

زعیم امارت اسلامی افغانستان ملامحمد عمر مجاهد حفظه الله در رابطه به همین پیروزی کم سابقه دریک پیام خصوصی گفت الحمدلله ثم الحمدلله که به برکت قربانی های بی مثال مجاهدین وتلاش های مدبرانۀ دفتر سیاسی امارت اسلامی ، پنج تن از مقامات بلند رتبۀ جهادی از زندان گوانتانامو با نصرت الله جل جلاله بطور سالم آزاد گردیدند.

این کامیابی بزرگ و فتح آشکار از تمام مجاهدین به درگاه رب منان سجدۀ شکر را می طلبد که به قربانی های ملت مجاهد اثر را مرتب نمود و نجات را برای مجاهدین ما از چنگال دشمن نصیب گردانید.

در راه آزادی مجاهدین مهم مذکور، تکالیف تمام مجاهدین، شورای رهبری امارت اسلامی ، مجاهدین دستگیر کننده و نگاه دارندۀ زندانی امریکایی بریگدال و امرای جهادی و تمام ملت که در این موفقیت کلان سهیم بوده اند ، سعی و تلاش تمام این عزیزان قابل ستایش است و از الله تعالی جل جلاله برای شان توفیقات مزید را خواهانم)

نظر به حقایق متذکره میتوانیم بگویم که آغاز امسال بفضل الله والمنه از هر لحاظ برای جهاد و مجاهدین خوب و برتر از توقعات بود ، ما شاهدیم که به فضل و نصرت خداوند متعال جل جلاله تمام توقعات و امیال دشمنان اسلام بیجا و بی مورد ثابت شدند سال 2014 میلادی که دشمنان آن را بحیث سال پیروزی خود می پنداشتند و تبلیغ میکردند بالعکس به حیث سال پیروزی مجاهدین ثابت شد .

از خداوند متعال خواهانیم امسال را تا آخرین روزش سالی پر از فتح وظفر علیه کفروطاغوت جاری داشته باشد و آروزو های جهادی ملت مار ا به منزل مقصود برساند .

و ماذالک علی الله بعزیز.

پیام مبارکی عالیقدر امیر المؤمنین در مورد آزادی رهبران جهادی از زندان گوانتانامو

بابت آزادی ۵ تن از رهبران مهم جهادی امارت اسلامی از زندان گوانتانامو، به تمام ملت مسلمان افغان، مجاهدین سربکف و خانواده و خویشاوندان زندانیان مذکور بمناسبت این فتح بزرگ از ته دل مبارکی می گویم.

الحمدلله ثم الحمدلله که به برکت قربانی های بی مثال مجاهدین وتلاش های مدبرانۀ دفتر سیاسی امارت اسلامی ، پنج تن از مقامات بلند رتبۀ جهادی از زندان گوانتانامو با نصرت الله جل جلاله بطور سالم آزاد گردیدند.

این کامیابی بزرگ و فتح آشکار از تمام مجاهدین به درگاه رب منان سجدۀ شکر را می طلبد که به قربانی های ملت مجاهد اثر را مرتب نمود و نجات را برای مجاهدین ما از چنگال دشمن نصیب گردانید.

در راه آزادی مجاهدین مهم مذکور، تکالیف تمام مجاهدین، شورای رهبری امارت اسلامی ، مجاهدین دستگیر کننده و نگاه دارندۀ زندانی امریکایی بریگدال و امرای جهادی و تمام ملت که در این موفقیت کلان سهیم بوده اند ، سعی و تلاش تمام این عزیزان قابل ستایش است و از الله تعالی جل جلاله برای شان توفیقات مزید را خواهانم.

باید بگویم که در این مورد از کشور قطر و از امیر آن جناب شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی نیز تشکر می کنم که در آزاد نمودن رهبران مذکور تلاش های مخلصانه ، پا درمیانی و میزبانی نمودند؛ از الله متعال جل جلاله برای آنان در دنیا عوض و در آخرت اجر و پاداش را خواهانم.

الله تعالی همانند این مجاهدین عزیز ، تمام هموطنان مظلوم و زندانی ما را که بخاطر آزادی کشور و در راه خدمت به دین شان زندانی اند، ازاد نماید .

این کامیابی بزرگ، به ما نوید آزادی تمام کشور را می دهد و ما را به این امر بیش از پیش مطمئن می سازد که ان شاء الله کشتی مملو از آرمان های ملت مجاهد افغان دیگر به ساحل کامیابی نزدیک شده است . ان شاءالله وما ذلک علی الله بعزیز

خادم اسلام ملا محمد عمر مجاهد

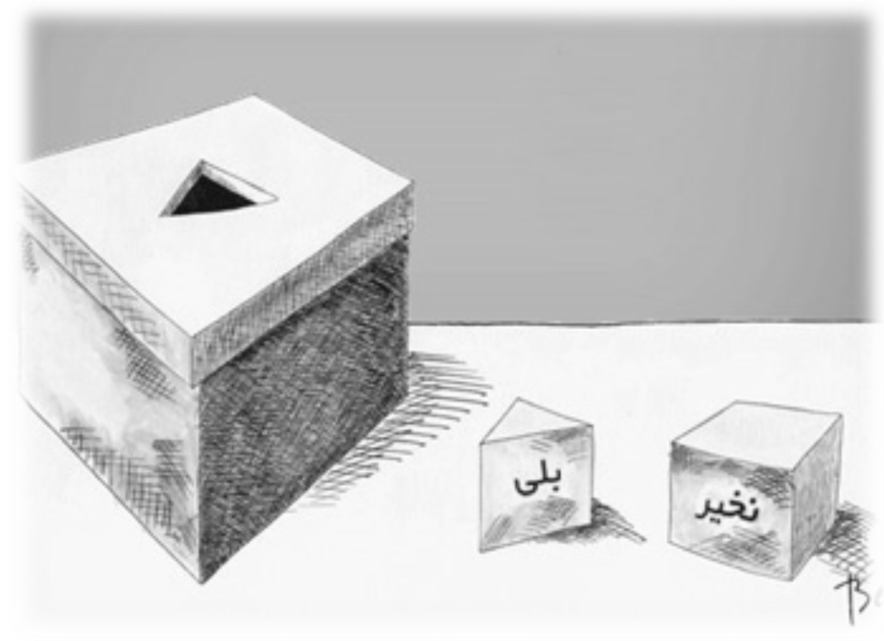
۱۴۳۵/۸/۳هـ ق

۱۳۹۳/۳/۱۱ هـ،ش

۲۰۱۴ /۱/٦م

مشروعیت
په اشغال شوې خاوره کې د ټاکنو

میوند سادات



دافغانستان په لر اوبر کي چي یرغلګري لښکري دورځي او شپې د خلګو پر کورونو چاپې وهي ،بمونه اوراکټونه پرې اوروي ،ولسي خلګ بندیانوي اوشکنجه کوي ،په اصطلاح ټولټاکني کوم قانوني مجوز لري ؟ او پام وړ لاداچي دکومي معلومي جغرافیوي خطې تر۵۰ سلنه ډیره خاوره باندي چي دیرغلګرو اودهغوی دګوډاګي رژیم مخالفین (مجاهدین) حاکم وي انتخابات مشروعیت لري ؟ !.

پوښتنه داده چي: دافغانستان څوسلنه خلګ پر غربي ډوله ټاکنوباور لري ؟،هغوی چي ټاکنو ته خوشبینه دي په باامنه توګه ټاکنیزو مرکزوته تللای شي ؟، که ټاکنیزو مرکزو ته په تللو وتوانیږي دزور واکانو دګوتڅنډني له امله دخپلي خوښي صندوقونو ته رایې اچولای شي ؟، بالاخره که پورته ټولي ذکر شوي پروسې سمي پر مخ ولاړې شي ددې تضمین څوک ورکولای شي چي په ټاکنو کي به درغلی نه کیږي؟؟!!. که مځکنیو واقعیتونوته ځیر شواودافغانستان حاکم وضعیت په منصفانه نظر تحلیل شي نو بې له شکه چي دپورته یادو شووپوښتنو ځواب منفي دی .

هو ! دافغان ولس اکثریت خو داشغال په سیوري کي پر ټاکنوهیڅ باور هم نه لري، ولوکه په هر نوم اوعنوان مطرح شي ، ځکه دوی ویني چي په اصطلاح چارواکي دیرغلګرو په مخ کي خوله هم نشي چولولی ،بلکي همدغه چارواکي لادیرغلګرو دخوشحالی په خاطر خپل خلګ نیسي اوشکنجه کوي.

همدا اوس چي دبګرام زندان چاري ظاهرادکرزي رژیم ته سپارل شوي په همدغه بګرام کي داسي پټ زندان شته چي افغانان پکي شکنجه کیږي ، دهیوادپه ټولوهغو ځایونوکي چي دیرغلګرو اډې پکي شته هلته دوی داسي محبسونه لري چي افغانان پکي ترشکنجواوتعذیبونو لاندي دي .

کوم خلګ چي دټاکنو سره مخالفت نه لري هغوی بیا پر دوو برخوتقسمیږي ، څه هغه خلګ دي چي په تېرو انتخاباتي دورو کي یې رایې استعمال کړې ،خو کوم مثبت تغیر یې تر سترګو نشو، نواوس په دې نظر دي چي رایې یې بدلون نشي راوستلی ،که خپلي رایې وکاروي بیا به هم هماغه زور واکان اوملیونران مزې اوچړچې کوي عام هیوادوال به یوې ګولۍ ډوډۍ پیداکولو پسې لالهانده وي .

هغه کسان چي په اصطلاح ټاکنو کي برخي اخیستلو ته لیوال دي زیاتره یې دولتي کار کونکي ،دجنګسالارانو ملګري او ډیر کم کسان به داسي هم وي چي درسنیو پر درواغجنو راپورونو او دنوماندانو پرغوږو شعارونو غولیدلي وي .همدغه خلګ چي ټاکنو باندي باور لري ، دوی به بیا ښایي تر نیمایي ډیر دمجاهدینو دګواښونو او بریدونو له ډاره لکه په تېرو ټاکنو کي د ټاکنو مرکزونو ته د تللو زړه ونه کړي ،ځکه داخبره اوس ډیره مشهوره شوې او منل شوې ده چي مجاهدین چي څه وایې په عملي ډګر کي یې ډیر ژر پلي کوي ،دتېرو انتخاباتو پرمهال دجلال اباد ،کابل ، کونړ، خوست ،کندهار، هرات ،فاریاب ، بدخشان ،هلمند ،لوګر ،غزني او.....ولایتونو هیښونکي بریدونه یې څرګند مثالونه دي .نو دوهم ځلي انتخابات به دتېرو هغو په پرتله دمجاهدینو دلاډیرو بریدونو، ننګونو او دکاندیدانو او حکومتي چارواکو د درغلیو سره مخ شي.

دانتخاباتو په نوم تیري ټاکني او اوسنۍ غورځي پر ځي دیرغلګرو او دهغوی دګوډاګي رژیم له لوري ددنیاوالو او افغانانو دتېر ایستني یوه نمایشي پروژه ده ، ځکه په افغانستان کي دانتخاباتو لپاره په هیڅ ډول داسي زمینه نه ده مساعده چي خلګ په خپله اراده دخپلي خوښي کاندید ته رایه ورکړي ،دتیرو ټاکنو ! ! مثالونه مو په مخ کي دي چي ددرغلیو حساب یې داړونده کمیسیونونو ترتوان بهرو.

پورته ذکر شوو واقعیتونو ته په پام دا یومنل شوی حقیقت دی چي په حاکم وضعیت کي به ټاکني دتېرو دوروپه شان دافغانستان په سیاسي ، اقتصادي ،امنیتي ،صنعتي اوزراعتي سکتور کي کوم مثبت تغیر او تحول رانه ولي . دکیدونکو ټاکنو ګټه به یوازي اویوازي یرغلګرو ځواکونو ،دکابل رژیم جنګسالارانو او دوه تابعت لرونکو غرب ځپلو ته رسیږي ؛ نه افغان مظلوم ولس ته.

شروع اینگونه تصور، از زمان افلاطون وارسطو میباشد، این اصطلاح نیزساخته آنان است، آنها این

بقیه صفحه (۱۵)

مفکوره را اظهار داشتند که حق حکومت نمودن ازکسانی است که صلاحیت علمی داشته باشند.

پس گفته میتوانیم که آنها تصوراشرافیت علم رابه میان آوردند؛ اما این تصورکه به اساس علم کسي حاکم گردد، هیچگاه عملی نگردید، فقط یک تخیل وفرضیه ویک آرزو بوده که هیچ زمان حکومت به اساس خالص علمی انتخاب وتعین نگردید.

قابل یادآوری است که، مطلب ازحکومت اشراف، اینست که طبقه ای دارای اوصاف خاص حاکم شده میتواند؛ اما این اصطلاح درآن صورت هم مورد استعمال دارد که، اگرچنین طبقه مستقیماً حاکم نباشد، اما بالای حکومت اثر و رسوخ داشته باشد که درمعنی وحقیقت این طبقه ممتاز حاکم شناخته شود، اگر ظاهراً دیگران حاکم باشند؛ اما نسبت رسوخ خود، درحقیقت آنهاحاکم باشند در این صورت حکومت نیزحکوت اشرافی گفته میشود.

درذیل این مفهوم، امروز لفظ بیروکراسی زیاداستعمال می شود، مطلب آن اینست که درظاهرهرکه حکمران باشد، اما مامورین حکومت آنقدر اثر و رسوخ داشته باشند که درمعاملات مهم، هیچ فیصله بدون رضایت آنها شده نمیتواند، آنان اگرهرگونه بخواهند، حاکمان راکنترول کرده میتوانند وطبق خواست خود فیصله کرده میتوانندغ معنی بیرواست، مامورین حکومت، ومعنی کراسی، حاکمیت میباشد ومقصد ازبیروکراسي اینست که، اصل حاکمیت دردست مامورین حکومت میباشد که ترجمه آن افسرشاهی ونوکرشاهی شده میتواند .

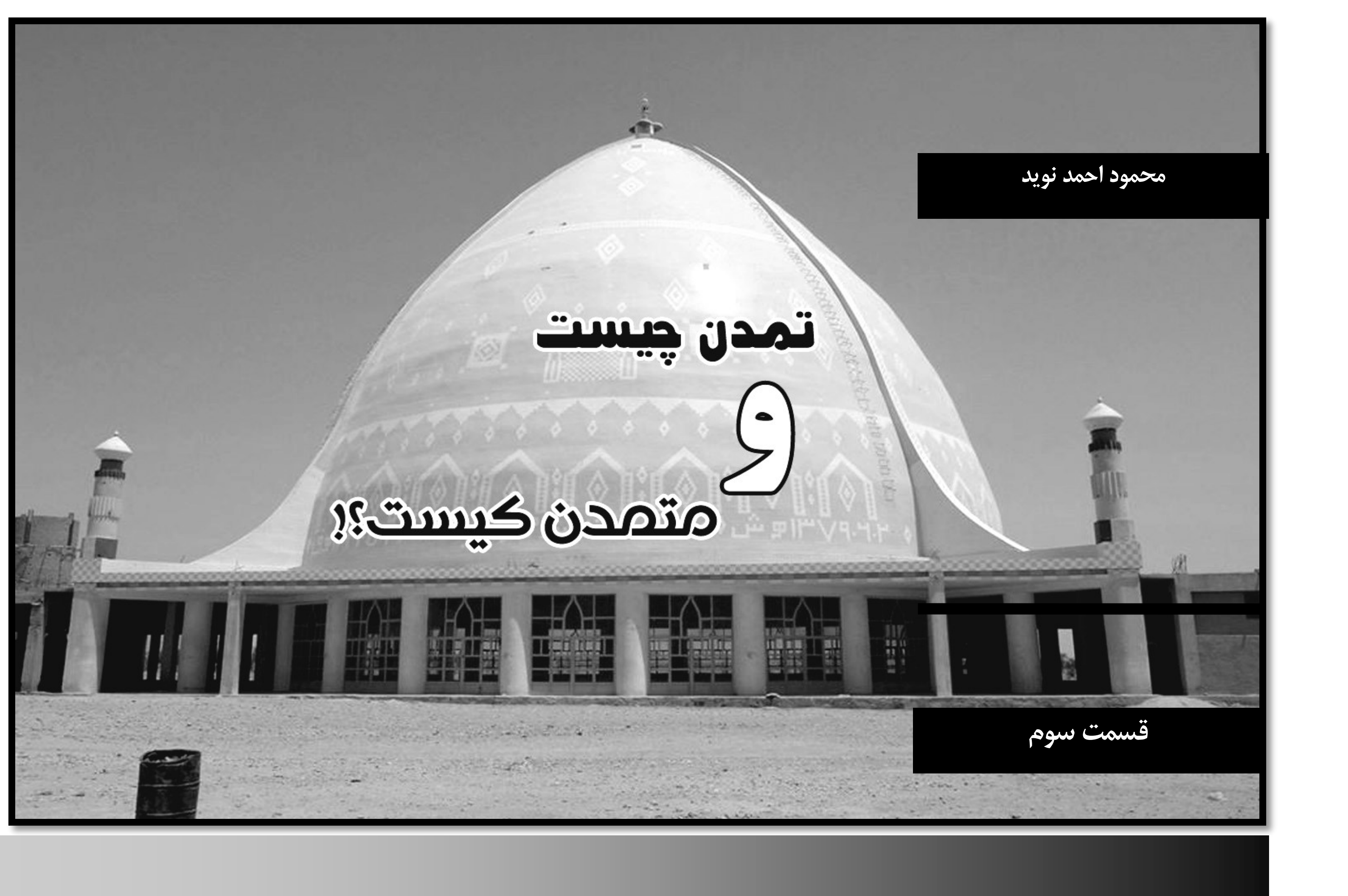
قبلاً یادآوری گردید که درنظام اشرافی، حکومت کردن حق طبقه خاص میباشد حالا از لحاظ تعیین این طبقه، نظام اشرافی داراي انواع مختلف میباشد.

یک قسم آن، اشرافی علمی بوده که تصورآن را افلاطون وارسطو ابراز داشتند، اما آن درحد یک آرزو ماند وهیچگاه جامه عمل نپوشید.

اشرافی نسلی (نسبي- Racial Aristocracy):

قسم دوم حکومت اشرافی را اشرافی نسبی میگویند، مطلب آن اینست که یک نسل و یا قبیله را تعین می نماید که، فقط افراد این قبیله اهلیت حکومت کردن را دارد، هرچند حکمرانانی که می آیند از آن قبیله می آیند، دربسا اقوام، این کارمعمول است خصوصاً درتمدنهای هند، این گونه تصور وجود داشت که حکومت کردن را حق برهمن ، راجپوت یا نسل کشتری میدانست ...

این سلسله ادامه دارد.



... اما نباید فراموش کرد که گوهر اسلام بر اساس پاکی ها و جذب فطرت ها و استعدادهای سالم گذاشته شده است و همواره با وجود کمی و کاستی های فراوان در برهه ی از تاریخ در خلال روند رو به رشد و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی بازهم هرگز از اصل تمدن اسلامی چیزی کاسته نشده است و اساس تمدن اسلامی که ریشه در تاریخ دارد هیچگاهی از شکوفایی و بالندگی شایسته شان و منزلت خود، دور نشده است و هر زمانی که بشریت پویا به آثار ارزشمند تمدن اسلامی در گوشه و کنار جهان هستی نگریسته جز تحسین و شاباش چیزی نگفته و از هنرنمایی های پرسلیقه و سراسر عشق و مهر مسلمانان در آثار باستانی از تعجب و شگفتی انگشت به دهان مانده است.

در لابلای صفحات زرین تاریخ می خوانیم که اخلاق و معاشرت مسلمین در توسعه و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در جهان، نقش به سزایی داشته است؛ یعنی مسلمانان در برهه ای از تاریخ با تاسی کامل از قرآن شریف و عمل به سنت های نورانی نبی مکرم اسلام - صلی الله علیه و سلم - با ارایه اخلاق زیبا و معاشرت پاکیزه با جامعه بشری ابتداء، قبل از ترویج فرهنگ، عنعنات و تمدن غنی اسلامی، سعی نموده اند دنیا را شرمنده اخلاق اسلامی و حسن معاشرت شان بنمایند؛ آنها با رویکرد این تعامل زیبا در دل و قلب بشریت جا باز نموده و قبل از آموزش تمدن اسلامی قلب های مردم را بسوی زیبایی و جذابیت های اخلاقی فرا خواندند؛ آنگاه با فطرت سالم و اعتماد به نفس کامل در مسیر شکوفایی استعداد ها و تمدن بشریت در چوکات شریعت مقدس اسلام گام برداشتند و خیلی زود به عناصر برجسته و استثنایی تبدیل شدند که در همه چیز بر دیگر اقوام و ملیت هاف جوامع و فرهنگ ها، فائق آمده و باعث عزت اسلام و سربلندی مسلمین در ادوار مختلف تاریخ گشتند.

همانطور که قبلا نیز اشاره شد در باره کلمه تمدن مقوله های زیادی تعریف می شود اما مهمترین شاخصه های تمدن : علم، صنعت، اخلاق، فرهنگ اجتماعی و ... می باشند که ما مختصرا این موضاعات را از نگاه اسلام، به بحث و بررسی می گیریم اما پیش از ورود به موضوع باید به این حقیقت اذعان کرد که متمدن ترین قوم، مخصوصا بعد از ظهور دین مقدس اسلام، مسلمانان می باشند که به تمام جوانب زندگی بشری توجه و عنایت خاص نموده است، اسلام چنان دین با تمدنی است که برای همه امور زندگی انسان صاحب برنامه و پلان است، دین اسلام احیاگر ارزشهای انسانی بوده که انسانها با تمسک به آن به پیشرفت و تمدن حقیقی رسیدند؛ می شود گفت که همه آداب زیبای اخلاقی که اسلام پیروانش را به تمسک و عمل بدانها، توصیه نموده در نقش آفرینی یک جامعه متمدن قوی بشری موثر واقع شده است،

در زمانی که دنیا با جهل، زندگی جاهلانه را سپری می کرد اسلام آمد و قویا توصیه به علم آموزی نمود؛ در تمدن پویای بشری که علم حرف اول را می زند خوشبختانه علم اموزی چنان جایگاه مهمی دارد که حتی نخستین کلمات دین مبین اسلام با اقراء، نخستین کلام الله جل جلاله در قرآن شریف، شروع می شوند که این خود بیانگر منزلت علم در آئین مقدس مسلمانان است و آموختن تعلیم یکی از مفاخر ارزشی تمدن غنی اسلامی می باشد؛ در دین اسلام قبل از خوردن و آشامیدن (که اسباب مهم حیات بشری اند) به اقراء (یعنی: خواندن) توصیه شده است، و با "کل و اشرب" (بخور و بنوش) دین اسلام آغاز نشد؛ و این نشان می دهد که در دین اسلام علم از چه جایگاه خاص و برتری برخوردار است.

در قرآن شریف و احادیث گهر بار نبوی - علی صاحبها الصلواه و السلام - در باره فضایل علم نصوصی بسیار زیادی آمده است و مثل خورشید می درخشد و علمای کرام و دانشمندان قدیم و معاصر در این باره، کتابهای گرانسنگ نوشته ودر جهت تشویق و تاکید به تعلیم ، توصیه فراوان انجام گرفته است؛ بدون شک به همین دلیل بوده است که جامعه مسلمانان در بخش بزرگی از تاریخ، پیشرفت های چشمگیر و خیرکننده ای داشته اند و مخصوصا در زمان خلفای عباسی دوران شکوفایی تمدن اسلامی به اوج خود رسیده بود تا جاییکه به برکت علم و کوشش فراوان دانشمندان بزرگ آن زمان، و همچنین توجه و عنایت خاص حاکمان وقت، و ارزش قائل شدن به مقوله علم و تمدن، مسلمانان در کل دنیا حرف نخست را می زدند و تمام شرق و غرب از انوار علوم و مهارت خاص مسلمانان در فنون، بهره مند گردیدند و بسیاری از اروپاییان، شاگردان مکتب دانشمندان بزرگ اسلام بودند و مسلمانان و تمدن فاخرشان به برکت توجه به علم جایگاه نخست را در سطح جهان داشتند.

به قول شاعر و متفکر بزرگ مشرق زمین علامه محمد اقبال لاهوری - رحمه الله - :

یاد ایامی که سیف روزگار - با توانا دستی ما بود یار

تخم دین در کشت دلها کاشتیم - پرده از رخسار حق برداشتیم

ناخن ما عقده ی دنیا گشاد - بخت این خاک از سجود ما گشاد

جام ما هم زیب محفل بوده است - سینه ی ما صاحب دل بوده است

عصر نو از جلوه ها آراسته - از غبار پای ما برخاسته

کشت حق سیراب گشت از خون ما - حق پرستان جهان ممنون ما

عالم از ما صاحب تکبیر شد - از گل ما کعبه ها تعمیر شد

حرف اقرأ حق بما تعلیم کرد - رزق خویش از دست ما تقسیم کرد

علامه اقبال رحمه الله در ادامه همین اشعار، حسرت و افسوس آن روزهای رویایی که مسلمانان با علم و تمدن شان دنیا را تحت تسخیر خودشان قرار داده بودند را خورده و با قلبی آکنده از غم چنین می سراید:

گرچه رفت از دست ما تاج و نگین

ما گدایان را بچشم کم مبین

در نگاه تو زیان کاریم ما

کهنه پنداریم ما ، خواریم ما

اعتبار از لااله داریم ما

هر دو عالم را نگه داریم ما

از غم امروز و فردا رسته ایم

با کسی عهد محبت بسته ایم

در دل حق سر مکنونیم ما

وارث موسی و هارونیم ما

مهر و مه روشن ز تاب ما هنوز

برقها دارد سحاب ما هنوز

ذات ما آئینهٔ ذات حق است

هستی مسلم ز آیات حق است

پیشرفت و تمدن مسلمانان در قسمت مسائل علمی را کسی انکار کرده نمی تواند و جهان اسلام در تاریخ خود چنان دانشمندانی را به بشریت معرفی می کند که نظیرشان در ادیان دیگر یافته نمی شوند؛ علماء و دانشمندان مسلمانان به بسط و توسعه علم، توجه خاص نموده و همواره حاکمان وقت را ترغیب می کردند که در راه توسعه علوم، از همه امکانات وقت بشر در همان عصر و زمان، استفاده لازم نمایند و خودشان با اخلاص و بدون هیچ چشم داشتی به مسائل مادی در ترقی و توسعه تمدن علمی بشر پیشتاز بودند.

بجاست در اینجا به روایت تاریخ اسلامی به ذکر نمونه هایی از تمدن علمی مسلمانان به پردازیم تا بیشتر با متمدن بودن مسلمنانان آشنا بگردیم؛ مسلمانان در طول تاریخ در حوزه های مختلف علمی دست آوردهای فاخر و قابل ملاحظه ای داشتند که در حوزه شکوفا شدن علوم نقش برجسته ای را ایفاء نمودند؛ از مهمترین علومی که در حوزه تمدن اسلامی شکوفا شد می توان به علوم ذیل اشاره کرد:

ریاضیات

در صدر اسلام اعراب چندان علاقه ای به تعلیم حساب نشان نمی دادند اما وقتی شهرنشینی توسعه یافت و به علم حساب جهت امور مالی ضرورت شد کم کم اعداد هندی و عدد صفر وارد عرصه ریاضیات مسلمانان گردیده و شکوفایی این علم آغاز شد.

در تاریخ اسلامی می خوانیم : "احمدبن عبدالله مروزی ملقب به حبش حاسب از ریاضی دانان بنام جهان اسلام بود که علم مثلثات مسطحه و کروی را وارد مرحله شگرفی نمود. وی در محاسبات مثلثات کروی نشان می دهد که سینوس، کسینوس و تانژانت و کتانژانت را می شناسد و به درستی از آن بهره می گیرد. .

از دیگر اندیشمندان رشته ریاضیات ابوعبدالله محمد بن موسی خوارزمی است که از برجسته ترین دانشمندان و بزرگترین عالمان عصر خود در زمینه ریاضیات، نجوم و تاریخ و جغرافیا بوده است. بیشترین شهرت خوارزمی به سبب نگارش کتاب الجبر و المقابله است که در قرون وسطی نزد اروپاییان از اهمیت خاصی برخوردار بود و پایه مطالعات اروپا در این علم گشت. واژه الگوریتم به معنی فن حساب یا محاسبه از نام خوارزمی گرفته شده و وارد زبان اروپایی گشته است.

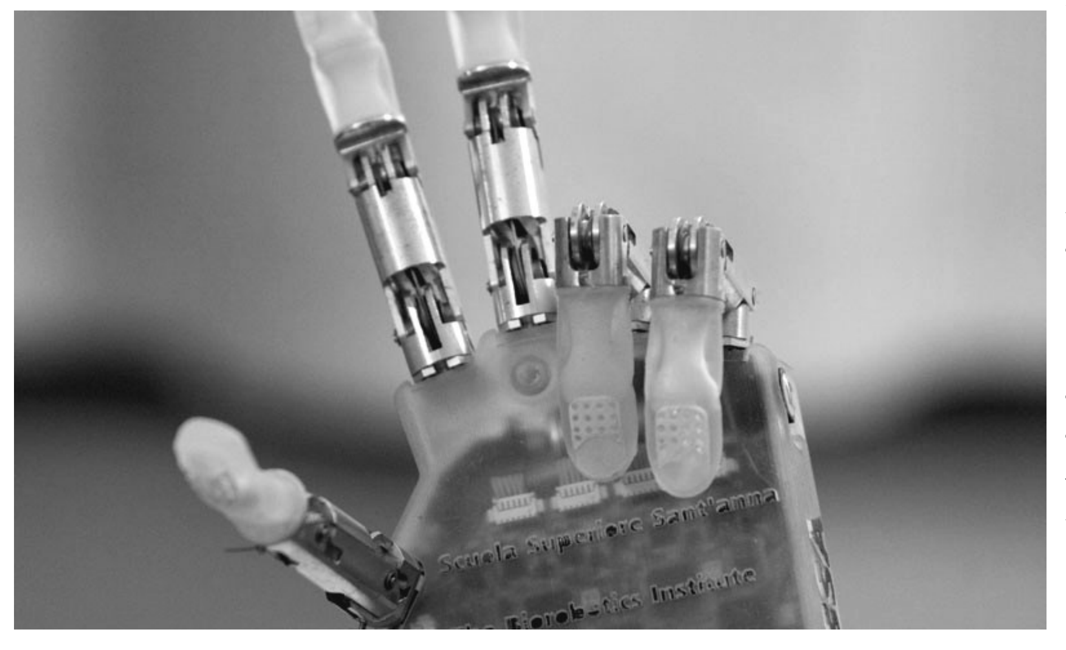
از دیگر دانشمندان برجسته ریاضیات جهان اسلام در عصر شکوفایی علوم ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی، موسی بن شاکر، ابوالحسن ثابت بن قره بن زهرون حرانی، ابونصر محمدبن طرخان فارابی معروف به ابونصر فارابی، ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیامی نیشابوری معروف به عمرخیام و ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن معروف به خواجه نصیرالدین و محمود طبیب کاشانی هستند کاشانی ریاضی دانی بود که عدد (پی) را حساب کرد.

دانشمندان مذکور را می توان جریان های علم سازی در حوزه دانش ریاضی در جهان اسلام خواند."

فیزیك و مكانیك

یکی دیگر از علومی که مورد توجه و عنایت خاص مسلمانان قرار گرفت علم مکانیك بود که به ان علم الحیل نیز گفته می شد؛ یعنی دانش ابزارهای شگردساز که دنباله سنت خاورمیانه و مدیترانه بوده است.

به روایت تاریخ اسلامی: "از جمله نخستین مکانیك دانان مسلمان



موسی بن شاکر است که در کتاب الحیل او یك صد دستگاه شرح داده شده اند که بیشتر آنها به صورت خودکار و با استفاده از خواص مکانیکی سیالات کار می کنند.از دیگر دانشمندان مکانیك دان مسلمان بدیع الزمان ابوالعزبن اسماعیل بن رزاز الجزری است .کارهای جزری حلقه ای از زنجیره ابداعات و اختراعات انجینران مسلمان و انجینران پیش از آنان از تمدن های پیش از اسلام است.

کتاب الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعه الحیل بهترین نوشتار درباره ابزارهای مکانیکی هیدرولیکی در سده های دیرینه و میانه است. در سال ۱۹۷۶ سه دستگاه از ماشین های جزری را برای جشنواره جهان اسلام در لندن ساختند که شامل تلمبه، یکی از وسائل خون گیری و ساعت آبی بزرگی بود.

از مهمترین دستاوردهای دانشمندان اسلامی در حوزه مکانیك در تبادل بین اسلام و غرب آشنا ساختن اروپا با باروت و سلاح آتشین است." ...

ادامه دارد

چرا جنایت کاران تاریخی

حامیان اصلی

اشغالگران اند؟

فاروق فاریابی

بعد ازاشغال افغانستان توسط هیولای وحشی صفت غرب توده ازافراد واحزابی که درقتل، کشتار، جنایات ومظالم ملت، تاریخ چندین ساله داشتند، تجاوزاشغالگران آمریکائی وناتورا خوش آمدید گفته وبرای پیشی گرفتن یکی ازدیگری درجهت بدست آوردن آبرو واعتبار درنزد خونخوران جهانی هرگونه اعمال زشت وضدانسانی متجاوزین را تأئید نموده وبرای دریافت پول ومقام ازامضاء هرگونه توافقنامه وقرارداد دربدل فروش دین، ووطن وناموس کشور وملت دریغ نورزیدند.

دنیای متجاوزکفری که برای ادامه اشغال خویش نیاز به شرکت وتأئید آنهاداشت، وعده هرنوع منصب، مقام وزندگی اروپائی وآمریکائی بعد اززمان اشغال را برایشان سپرده وآنهاراهمانند یک روبات وماشین درخدمت گرفت.

یکی ازاین قراردادهای ننگین وشرم آورتاریخی امضاءتوافقنامه بنام (پیمان استراتژیکی) است که هریک ازکاندیدای نام نهاد ریاست جمهوری وعده نمودندکه درصورت قبول شدن درنزد باداران شان بصفت رئیس جمهور، نخستین کاری که انجام میدهند امضاءهمین پیمان است.

اینها نمونه ها ومثالهای زنده ازتعداد محدودی ازاجیران وغلامان حلقه بگوشی هستند که میخواهند خواسته و دیدگاه مزدورگرایانه خودرابرقاطبه ملت تحمیل کرده وبا دردست گرفتن قدرت دولتی وحمایت ّباداران خارجی به تاریخ پشین خویش که همانا کشتارهای دسته جمعی وغارت اموال مردم وتجاوزبرناموس ملت است، بپردازند.

اما این رابدانندکه جهادمردم افغانستان علیه اشغالگران خونخوار که حکومت مزدورکرزی را روی کارآورده وبعدازین مزدوردیگری جاگزین آن خواهد ساخت، صاف وساده ازاراده تک تک ملت مسلمان سرچشمه گرفته است.

مظالم شبانه روزی اشغالگران در13سال گذشته که درنتیجه آن ده هاهزارتن بشمول زنان، کودکان، سالخوردگان، جوانان این وطن شهید گردیده ولی ازقیام، مقابله ومقاتله این مردم بامتجاوزین وغلامان آنها کاسته نشده بلکه باگذشت هرروز، ماه وسال فزونتر ووسیع تر میگردد، دلیل آشکاربراین است که جهاد کنونی علیه اشغالگران ومزدوران شان همانند جهادعلیه روس وانگلیس جهاد دینی ومردمی که نشأت یافته ازهمه ملت های افغان زمین است.

بنابراعتراف ناتو؛ مجاهدین هرساله نسبت به سال گذشته ازلحاظ نیروی محاربوی، حمایت مردمی وامکانات مادی سه برابرقوی میگردند، درک وتأئید این حقایق، مزدوران داخلی واشغالگران را ازادامه اشغال درافغانستان نا امید ساخته ودریک اقدام عجولانه وضد قوانین اسلامی وانسانی درنتیجه نا امیدی، شروع به ترورعلماء دینی وشخصیت های افغانی که همگرائی با فکرمزدورگرائی آنهانداشته اند، نموده که نسخه بدل برنامه های حزب کمونیست دیروزی زمان شوروی است.

منافع متضاد سیاستمداران امپریال، جنرالان، ستراتیژست ها وافسران ازیک طرف وسکنه ملکی ومقاومت ازطرف دیگرفاصله وسیعی بین حق وباطل را آشکارمیکند.

پیروزی های متجاوزین اشغالگر طی 13سال علاوه برمظالم قتل، کشتار وجنایات بشری وبی حرمتی به دین، قرآن وفرهنگ مسلمان افغانستان عبارت اند از: ایجاد دولت دست نشانده ومزدور، شوراهای گوناگون، نهادهای مدنی غرب گرا، ترویج دین وآئین یهودیت وعیسویت درلباس ان جی او ها، سازمانهای استخباراتی وملیشه های اربکی وپایگاه های نظامی، ایجاد ونیرومندی گروپ های جنایت کارومتعصب قومی وامثال اینها.

اما پیروزی اشغالگران درافغانستان یک خیال واهی وپوچ بوده وخواهدبود. بازهم یگانه راه برون رفت ازین بحران پیچیده تحمیل شده، همانا جهاد مسلحانه؛ وحدت وهمبستگی تمام نیروهای ملی، وطن دوست وترقی خواه مردم است وبس.

بیائید باهم یکجا و یکسو و همپیمان شویم واین طلسم شوم سیاه استعمارکهن ونوین که بشان غول وهیبت شب های تاربرسرزمین ما پا و پر گسترانیده است؛ درهم شکنیم.

ودراخیرپیام مابه کسانی که ازنام اسلام استفاده نموده وبه خاطرترقی وپیشرفت طاغوتان ازرازهای مسلمانان جاسوسی مینمایند، علماء گمراه ومفتیان دالری که خود را درظاهرمسلمان جلوه میدهند، درمقابل مبلغ ناچیز واندک دررسانه های کفری علیه مسلمانان ومجاهدین توطئه ها را براه میندازند، وظلم های گوناگون رابالای مسلمانان روامیدانند؛ بیادداشته باشند، الله متعال سوال می نماید.

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: {من اعان ظالمابباطل لیَدحض بباطله حقا فقدبرئ من ذمة الله عزّوجل، وذمة رسوله }

ترجمه: {کسی که ظالم را درکارباطل کمک می کند، تا ازطریق باطل حق را ازبین ببرد، پس ازذمه الله متعال ورسول الله صلی الله علیه وسلم دوری جسته است.

پس حالات کسانیکه به خاطراسیرکردن مسلمانان وبه شهادت رساندن آنها وازبین بردن عفت شان، به یهود ونصاری وهمکاران خاین شان کمک وهمکاری می نمایند چگونه باشد؟!

چقدرجوانان امت اسلام ومجاهدین به سبب فتوی همچوعلماء سوء به دها سال زندان؛ حبس، وحتی به دارآویخته شدند

این جنایت کاران تاریخ باسردمداران غربی خویش خواستند که جلوفدائیان اسلام رابگیرند، اما برعکس به برکت خون آن شهداء، صفوف فولادین فدائیان اسلام به مراتب بیشتر و قوی تر شدند.

والسلام

قسمت سوم

اسلام و نظریات سیاسی

نویسنده:
مفتی محمد تقی عثمانی

مترجم:
عبدالله گل ریان

نظامهای مختلف سیاسی

موضوع دومی که تعارف آن مطلوب است، بدون درنظرداشت نظریات فلسفیانه سیاسی، نظامهای عملی ایکه دردنیا قایم گردیده ،میباشد؛ مثلاً: حکومت شخصی باشد یا اجتماعی، برای آن کدام خصوصیات ضروری است ؟ چگونه موجود میگردد؟ طریقه کارآن چطور میباشد؟

اساسات بینادی ایکه درنظام مي آید، نظام سیاسی (Political system) نامیده میشود؛ تاعصرحاضر، نظامهای سیاسی که دردنیا مشهوراست،به سه کته گوری بزرگ تقسیم شده می تواند:

بادشاهی ،اشرافیت وجمهوریت .

این نظامها دارای اقسام مختلف میباشد، شناسایی این نظامهای سه گانه، بطور مختصر ضروري به نظرمیرسد.

۱- بادشاهی: ممکن درتاریخ بشریت نظامیکه برای عرصه طولاني نافذاست، نظام سیاسي بادشاهي باشد که ازشروع، صورت های مختلف ان تاحالا نافذ وجاري است و درمدت طولانی تاریخ دخالت دارد. دربیان،بادشاهي یک لفظ است که معنی آن اینست که رئیس حکومت (دولت) رابادشاه میگوید، او بطور شخصی حکومت مینماید وحکومتش حکومت شخصی میباشد؛ اما دارای اشکال مختلف بوده که دراعصار مختلف و ممالک مختلف بطور مختلف دیده شده است، یک قسم نمیباشد به عبارت دیگر،بادشاهی دارای اقسام زیاد است.

الف - پادشاهی مطلق العنان:

خصوصیت اساسی آن اینست که درآن بادشاه پابند کدام قانون نمیباشد، بلکه زبان اوقانون است. چیزیکه او می گوید، قانون است. درجریان احکام، پابند کدام شورای نیزنبوده ،اگرباکسی مشوره مینماید، صواب دید خودش است واگرمشوره ننماید کسی از او درآن سوال نمی نماید، خودش قانون میسازد، خودش حکومت مي نماید وخودش دعاوي رافیصله می نماید، فیصله اوفیصله نهایی قضایی است. اگردعوای دفتری باشد یانظامی، فیصله نهایی از او است؛ مثلاً امروز درقوانین نظام می آید که سزای کدام جرم، کدام است، اندازه آن تاچه حداست؟ اما پادشاه مطلق العنان، پابند هیچ قانونی نیست، هرچه گوید همان قانون است و این راذبادشاهی مطلق العنان گویند؛ درچنین نظام حکومت، افرادی چون فرعون ونمرود پیدا میشود که تا حد خدایی دعوای میکنند.

ب - بادشاهی شورایی:

قسم دوم پادشاهی شواريی میباشد؛ مطلب آن اینست که، اگرچه پادشاه قانون میسازد فیصله مي نماید، اما باخود یک شورای دارد که در اجراء قوانین واحکام و در دیگر معاملات ملکی، با آنها مشوره می نماید. این شورای نیز دارای اشکال گوناگون میباشد، کسی نام آن را شوری((councilگذاشته ،کسي سنيټ (سنا) وکسي آن را پارلمان یا شورای ملي مینامد.

همین گونه نوعیت شورای نیزفرق میکند، دربعضی جاها پادشاه ازشورای مشوره میگیرد؛ اماپابند به تعمیل آن نمیباشد، اگرخلاف آن عمل نماید، کسي اوراملامت کرده نمیتواند؛ اما دربعضی جاها بادشاه پابند مشوره شوری میباشد.اگرانها مشوره دهند یا کدام قرارداد رامنظور نمایند،پادشاه مجبوراست طبق آن عمل نماید.

ج - پادشاهی مذهبي:

قسم سوم پادشاهي، شکل مذهبی آن میباشد، درین گونه نظام پادشاهي سرچشمه ومنبع اقتدار واختیارپادشاهی مذهب است؛ یعنی حکمران بطور وطریقه مذهبی تعین میگردد وپیشوای مذهبی نامزدی او را تائید مینماید، این چنین پادشاه درنظام حکومت تابع پیشوایان دینی میباشد؛ یعني پادشاه تابع دین، طبق تشریح پیشواي دینی میباشد، این پادشاهی مذهبی مدت مدیدی درمسیحیان رایج بود وشروع آن تقریباً سه صد سال بعد از میلاد مسیح رونق یافت، پیراون عیسی علیه السلام حدود سه صدسال تحت فرمانروایی مخالفین خود زندگی کردند، آنها کدام مرکزیت نداشتند و تبلیغ سرّی می نمودند، درین سه صد سال، دین مسیح علیه السلام شکار انحرافات گردید، ورنه پیروان عیسي علیه السلام موحد بوده وعیسي علیه السلام را فقط رسول خداوند میپنداشتند؛ اماعناصر یهودی داخل مسیحیت گردیده وپولس(saint Paul) داخل آن انحرافاتی رابه میان آورد. عقیده تثلیث، کفاره وغیره را شامل دین اسمانی نمود، تا اصل دین ازمردم گم گردیده، ختم شده ویا تعلیمات کمی ازآن باقی ماند، این مذهب جدیدی که پولس ایجاد نمود، دین عیسایی شناخته شدف سه صد سال بعد ازصعود عیسی علیه السلام به آسمانها، پادشاه روم، قسطنطین که اورا قسطنطین اعظم نیز گویند، دین عیسایت را قبول نمود، دینیکه ساخته وپرداخته پولس بود، قبل از آن مردم روم بت پرست بودند، این قسطنطین کسی است که شهرقسطنطیه (استنبول امروزي) را بناء نمود که پاتیخت حکومت مسیحی گردید، بعد از اینکه قسطنطین اول دین مسیحي راقبول نمود، حکومت مسیحیان آغاز گردید، دراین اوان پیشوای دینی اتناسیوس بود که قسطنطین را بصفت پادشاه تائید نمود و در روم پادشاهی مذهبی به وجود آمد.

خصوصیت پادشاهی دینی این بود که پیشوای کلیسا، که پاپ گفته میشد ، درامور مذهبی صاحب فیصله نهایی بوده و درمسائل خالص سیاسی پادشاه دارای صلاحت فیصله بود؛ اما ازاینکه این اختیار نیز نزد پاپ بود که کدام مسائل مذهبي استف پادشاه در فیصله های خودنیز تاحدی تابع سربراه کلیسا بود، اگرصاحب کلیسا گاهي میگفت که این کارشود، پادشاه به اجراء آن مجبور بود.

چون دوشمشیر دریک غلاف گذاشته نمیشود ، به همین خاطر حدود اختیارات پاپ وپادشاه درتاریخ روم، یک مسئله مصیبت زا گردید، ازنیرو بین آنها مشاجرات به وجود میآمد، این سلسله ی کشمکش قدرت، تازمانی به درازا کشید که حکومت پاپ در واتیکان بصورت جدا، ولی زیر اثرحکومت سکیولربه میان آمد.

د - پادشاهی قانونی: مطلب ازپادشاهی قانونی اینست که پادشاه پابند قانون باشد، قسمی نباشد که چیزی اززبانش برآید جای قانون را بگیرد؛ هرقسم بخواهد حکم نماید،هرچه خواهد عمل نماید، بلکه اقداماتش درچوکات قانون باید باشد، پادشاه درمحدوده قانون کار و اقدامی کرده می تواند، این قسم پادشاهی قانونی نیز در دوره های مختلف رایج بوده ومیباشد، دریونان بود، درروم زمانی پادشاه پابند قانون بود، خصوصاً بعد ازقرون وسطی، پادشاه معمولاً پابند قانون میبود.

یک نوع پادشاهی قانونی (مشروطه) آنست که امروزجزء نظام پارلمانی میباشد، مانند پادشاهي بریتانیاف حالا پادشاه بریتانیا ملکه الیزابت میباشد و درآنجا نظام پادشاهی قانونی است؛ اماپادشاهي فقط برای نام، کدام صلاحیت ندارد، صلاحیت واختیارات مربوط کابینه وپارلمان میباشد، فقط برای نام پادشاهی دارد.

دیدیدیم که پادشاهی یک مسلک کلی میباشد، ازمطلق العنانی گرفته تاپادشاهی برای نام ؛ یعني پادشاه شخصی است که زبانش قانون میباشد واین هم پادشاه است که هیچ اختیارندارد، هردو پادشاهی است.

خلاصه اینکه چندین نوع پادشاهی وجود دارد، از زمانیکه شر و شور و تبلیغات جمهوریت بلند گردید، ازهمان وقت لفظ پادشاهی ونام ملوکیت بدنام گردید، نتیجه نام بدی اش این شد که آن را شرمطلق پنداشتند ومیگفتند : پادشاه همیشه درغلطی بوده ، خرابی نموده و.....ازین رو درنظر بعضی ها، این ادعا معقول جلوه گرگردید که دراسلام پادشاهی نیست و...

این دراصل، اثراین تبلیغات است که جمهوریت برپا نمود ورنه پادشاهی یک عنوان است وتحت این عنوان خوب هم شده می تواند بد هم، تحت این عنوان پادشاهی مفید ومناسب هم شده می تواند، بد وغلط هم.

اگربه قرآن کریم نظراندازیم، می بینیم که خداوند طالوت را مَلِک یعنی پادشاه یاد نموده و از آن بطورِ احسان یاداوري شده است، فرموده است که من بالای شما احسان نمودم که او را پادشاه فرستاده ام. درجائیکه ازاحسانات بالای اسرائیل یادآوری می نماید، میفرماید: وجعلکم ملوکا .
– خداوند شماراپادشاهان گردانیده است

همچنین داود وسلیمان علیهما السلام را پادشاه نموده بود.

حالا مردم جمهوریت پسند، چون با چنین آیات روبرو میشوند، حیله وبهانه میی آورند ، تاویل وتوجیه مي نمایند که درینجا مطلب ازملک وپادشاه فلان است و دراسلام ملکوکیت وپادشاهی نیست؛ اما درحقیقت باید گفت که ملوکیت وپادشاهی، سلطنت یابه هرنامی که باشد، سخن اساسي درآن، راجع به اختیار و صلاحیت آن است واینکه او تحت کدام اصول حکمروایی می نماید؟ اگراو درست باشد،هرچه میخواهید ، بنام پادشاهی، ملوکیت یاخلافت یاهرنامی که باشد یاد نمائید، فرق نمیکند و بدگفته نمیتوانیم.



این سخن باید ذهن نشین گردد که تصورما ازملوکیت یا پادشاهی این است که آن شرمطلق میباشد،این از اثر تبلیغات منفی مفکرین عصری ومادرن میباشد؛ ورنه، پادشاهی درذات ولفظ خود، خوب ویا بد نمیباشد؛ صحیح هم میشود باشد،غلط هم شده میتواند، خوب هم شده مي تواند و بد هم ، اسلام درین باره مانع وحائل نمیباشد که اسم آن پادشاه، خلیفه، سلطان یا صدرگذاشته شود، دراسم آن کدام فرق نمیباشد سخن اصولی درینجا است که او تحت کدام اصول، قواعد و نظام حکومت میکند.

تفصیل این بحث درآینده خواهد آمد، ان شاءالله.

۲- نظام اشرافی (اشرافیت - Aristocracy:) نظام دوم حکومتی، نظام اشرافی میباشد، لفظ اشرافی،اشرافیه یا اشرافیت از ریشه اشراف است که به معنی مردم شریف میباشد، یعنی کسانیکه درجامعه کدام عظمت ومقام داشته باشند.

خلاصه این نظام، اینست که حکومت کردن کارهرانسان نیست ونه حق هرانسان شده میتواند، بلکه حکومت نمودن حق بعضی افراد نخبه میباشد که دارای حسب ونسب خاص بوده ویا دارای اوصاف مخصوص باشند، که آن را طبقه اشرافی گویند، طبقه اشراف حق دارد که حکومت نماید ، حکومت کردن کارهر کهتر و مهتر نمیباشد، بلکه آن حق طبقه خاص است که ازآن به اشراف تعبیرمیگردد.

آنانیکه حق وصلاحیت حکومت کردن را دارد، کدام طبقه است ؟

تعیین آن را مردم مختلف به طروق مختلف می نمایند.

بعضی گویند: مردمیکه ازحیث نسب وحسب ممتازاند، طبقه اشراف میباشد.

بعضي گویند: کسانیکه ازنگاه مذهب ممتازاند،اشراف اند.

بعضي به این باوراند: اشخاصیکه دارای صلاحیتها و اوصاف خاص اند؛ مثلاً: بسیار دلیر وهوشیار اند، ازجمله اشراف میباشند که لایق حکومت کردن اند.

مردم درتعبیراشراف اختلاف دارند، ازتعبیرات مختلف، دربین اشراف نیزحلقات مختلف به وجود آمده است؛ اما تصورهمه آنان اینست که حکومت کردن کارهرکس نمیباشد، بلکه طبقه مخصوص باید حکمران باشد وهمه مردم ازآنها باید اطاعت نمایند.

بقیه در صفحه (۷)



شیران گوانتانامو !

مقدم تان گل آذین باد!

وفا سجستانی

با دیدن اعلامیه آزادی اسیران و به تعبیر بهتر " شیران گوانتانامو " در صفحۀ رسمی انترنتی امارت اسلامی در لحظات اول احساس کردم شاید در خواب باشم، چه خواب خوش و لذت بخشی که هیچ گاه نمی خواستم از آن بیدار شوم .... اما پس از لحظاتی وقتی تمام اعلامیه را به دقت مطالعه کردم نه با جسم بلکه با روح و روانم الله قادر و توانا را سجده شکر کردم ، براستی که الله تعالی قادر مطلق و توانای بی همتاست ، خداوندی که بندگان مستضعف خود را اگرچه به حکمت خویش در آزمایش نگاه دارد اما آخر و عاقبت و انجام کار بدون شک به نفع متقین است (و العاقبة للمتقین)…..

امروز در مجاهدین امارت اسلامی روح و حیات تازه جهادی دمیده شد، عملیات بهاری جدید " خیبر " میمون و مبارک ثابت شد، دشمن مواجه شکست و مجاهدین گویا به سرمنزل فتح قریب تر شدند….

امریکای مستکبر که مجاهدین بی بضاعت اما سرشار از قوت ایمان را در مصاف با عساکر مستکبر و قوت آنچنانی خویش هیچ و نابود تصور می کرد، امروز در مقابل ارادۀ خداوندی و مجاهدین امارت اسلامی ذلیل تر از هر روز دیگری است، خداوند متعال امروز کرشمه ای از قدرت لایزالی خویش را برای جهانیان به نمایش گذاشت، بوریا نشینان و فدائیان دین او امروز همه تن خاشع و خاضع و معترف الوهیت و احسانات او تعالی اند ، چشم ها اشکبار نه بخاطر مصیبت بلکه بخاطر نعمتی که دل ها برداشت خوشی آن را ندارند…..

شکی نیست که با قدوم این قهرمانان و آزاد شدن این شیران از قفس روباه صفتان زمان، روح جهادی همچون قدرتی معجزه آسا وجود مجاهدین امارت اسلامی را در سرتاسر وطن عزیز مملو از نشاط و انگیزه خواهد کرد، نشاطی که همانند گردبادی به عملیات بهاری " خیبر " مصداقیت تمام معنا خواهد بخشید، طوری که قلعه های مستحکم دشمنان همانند " قلعه ناعم " بار دیگر فتح خواهد شد و آن روز است که مومنان به نصرت و یاری الله جل جلاله مسرور خواهند گردید.

جناب عالیقدر امیر المؤمنین حفظه الله تعالی ، آزادی این شیران اسلام و آزادگان افغان را تعبیر به فتح آشکار نموده بود که یقینا چنین است، فتحی که دل های مؤمنان را خوش و دل های منافقین را مجروح و دل های کافران را پژمرده کرد.

بازگشت این عزیزان و رهبران گرانقدر جهاد و فداکاری در جریان عملیات بهاری " خیبر " همان خوشحالی را تداعی می کند که در روز فتح خیبر با بازگشت حضرت جعفر بن ابی طالب رضی الله تعالی عنه و مؤمنان همراه از حبشه به دل پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحاب گرانقدر چیره گشته بود …. آه ! چه مشابه است خوشی این خیبر با خوشی آن خیبر…..

امروز کجایند اجیرانی که جهاد مبارک ملت سلحشور افغان را به دیگران نسبت می دهند ! در چه فکری اند که این فتح مبین و این کامیابی سترگ را به کدام طرف نسبت دهند و برای آن چه تاویل و نسبت خرافی در نظر بگیرند ؟!

از همینجا و از همین طریق به این قهرمانان از ته دل و وجود خوش آمدید می گوییم، عزیزانی که با آمدن شان سینه ها یخ ، دل ها منور ، جان ها با طراوت ، بیابان وجود سیراب باران فیض الهی ، سنگرهای جهاد پرجوش تر ، دوستان خوشحالتر و دشمنان مایوس تر گردیدند .

پس خوش آمدید ای شیران گوانتانامو ! مقدم تان گل آذین باد ….

آب زنید راه را هین که نگار میرسد	مژده دهید باغ را بوی بهار میرسد
راه دهید یار را آن مه ده چهار را	کز رخ نوربخش او نور نثار میرسد
چاک شدست آسمان غلغله‌ایست در جهان	عنبر و مشک میدمد سنجق یار میرسد
رونق باغ میرسد چشم و چراغ میرسد	غم به کناره میرود مه به کنار میرسد



مصاحبه با رئیس کمیسیون امور مالی و اقتصادی امارت اسلامی افغانستان

خوانندگان محترم !

امارت اسلامی افغانستان بحیث یک نظام فعال بر تقریبا هشتاد فیصد خاک افغانستان حاکمیت و کنترول دارد، در کنار ادارات نظامی و ملکی دیگر ، یکی از مهمترین ادارات آن کمیسیون امور اقتصادی و مالی است، که در تشکیلات امارت اسلامی همانند وزارت مالیه یا بانک مرکزی ، تمام امور مالی و اقتصادی را کنترول می کند، برای معلومات بیشتر شما، در مورد کارکردها، امورات و تشکیلات این اداره ، و در سلسلهء مصاحبه ها با رؤسائ کمیسیون ها اینبار مصاحبه ای را با محترم ملا ابواحمد مسئول و رئیس کمیسیون مذکور انجام داده ایم که توجه شما را به خواندنش جلب می کنیم.

حبیب مجاهد :

قبل از همه برایتان خوش امدید میگویم، اگر در شروع مصاحبه خود را به خوانندگان ما معرفی کنید، خرسند خواهیم شد؟

أبواحمد:

اسمم ملا أبواحمد است ، باشندهء ولایت قندهار هستم ، از زمان تاسیس امارت اسلامی تا به امروز خدمات مختلفی را انجام داده ام که هم اکنون بحیث مسئول کمیسیون امور مالی و اقتصادی امارت اسلامی در خدمت شما هستم.

حبیب مجاهد:

اگر درمورد چگونگی فعالیت های کمیسیون امور مالی و اقتصادی معلومات دهید، خوشحال خواهیم شد؟

أبواحمد :

کمیسیون امور مالی و اقتصادی در تشکیلات امارت اسلامی ، مسئول تمام امور مالی است، این کمیسیون همچنین مسئولیت جمع آوری کمک ها، اعانه ها و دیگر عواید را بر عهده دارد، و هم از این طریق به تمام ادارات و ارگانهای امارت اسلامی پول میدهد تا مطابق ضرورتهای خویش مصرف کنند.

کمیسیون امور مالی به شکل ماهوار بر اساس مقررات تعیین شدهء خویش به تمام کمیسیون ها بودیجه می دهد، و در پایان همان ماه راپور کامل با تمام جزئیات در مورد چگونگی مصارف ماه قبل را از تمام کمیسیون ها میخواهد، و اصول ما در این مورد چنین است که باید دلیل مصرف و مشخصات کامل هر ، یک افغانی ذکر گردد، تا بدین ترتیب از گم شدن و اختلاس پول جلوگیری شود، هنگامی که از جانب کمیسیون ها راپور مصارف پول ماه گذشته تحویل گردد، بعد از ان مصارف و بودیجهء ماه آینده برایشان پرداخت میشود، و در این بخش مکانیزم شفاف و مشخص شده باعث شده است که صد فیصد شفافیت در امارت اسلامی نافذ گردد. لله الحمد امارت اسلامی همانگونه که در زمان حاکمیت کامل قبلی خود، دارای کارنامهء شفافیت بود هم اکنون نیز در روشنائی وفاداری و تعهد به همان اصول و فرامین ، امور مالی خود را با شفافیت عالی تنظیم میکند.

حبیب مجاهد:
شما در مورد تشکیلات و کمیسیون های امارت اسلامی گفتید، اگر در مورد ارگانهای مصرفی امارت اسلامی برایمان بگوئید؟

أبو احمد :

هم اکنون کمیسیون های عالی امارت اسلامی به شکل ذیل است که البته هر کدام دارای تشکیلات مختلف و وسیع است:

محاکم امارت اسلامی،

کمیسیون نظامی،

کمیسیون امور فرهنگی،

کمیسیون تعلیم و تربیه،

کمیسیون دعوت و ارشاد،

کمیسیون صحت،

ادارهء جلوگیری از تلفات ملکی،

کمیسیون امور اسراء ،

ادارهء امور شهداء ، ایتام و معلولین،

کمیسیون امور سیاسی

و کمیسیون امور موسسات.

اگر در مورد کار و فعالیت های این کمیسیون ها بگویم، مثلا کمیسیون امور صحت مسئولیت زخمی ها، افراد معلول و فلج و علاج زندانی های رها شده را بر عهده دارد، برایتان بهتر معلوم است که تعداد زخمی ها و معلولین جنگ افغانستان بسیار زیاد است، و هرساله هزارتن به ان افزوده میشود، براساس معلومات کمیسیون صحت مصرف میانگین و متوسط علاج هر فرد زخمی، معلول و یا فلج بالغ بر دوصد افغانی میشود، که معادل ان بیشتر از چهل هزار دالر است، در این میان زخمی ها و مریضانی نیز هستند که مصرف انها شاید چند برابر ارقام ذکر شده باشد، کمیسیون امور اسراء با تمام زندانی های محابس کمک مالی میکند، و برایتان آشکار است که دها هزار تن از هموطنان مسلمان ما بدون کدام جرم در زندان ها بسر میبرند، امارت اسلامی افغانستان بحیث یک حرکت اسلامی و مسئول متعهد کمک و همکاری با زندانی های مسلمان به اندازهء توان خود را وظیفهء اسلامی خود میداند، برای همین منظور ادارهء مستقلی بنام کمیسیون امور اسراء ایجاد و تاسیس گردیده است که با زندانی های مظلوم در بخش علاج و مصارف روزانه کمک می کند.

کمیسیون امور شهداء، ایتام و معلولین بعد از تجاوز و اشغال امریکا ، لیست کامل را با مشخصات تمام ایتام در 34 ولایات افغانستان جمع آوری کرده و با انها کمک می نماید، همچنین با افراد فلج شده و معلول نیز کمک صورت میگیرد، افرادی معیوبی که توان کار کردن را ندارند و دو پا یا دو دست و یا هم هر دو چشم را از دست داده اند، اینگونه افراد در جامعهء ما بسیار هستند و اکنون مسئولیت خرچ و مصارف خانواده و فرزندان بر دوششان است، و بدون کمک امارت اسلامی کدام مدرک و عاید دیگری ندارند، همچنین علاوه بر کمک نقدی با ایتام ، برای انها از سوی کمیسیون معارف دارالایتام نیز ایجاد گردیده است تا برای این قشر بی سرپرست تعلیمات دینی فراهم گردیده تا آیندهء شان روشن شوند، همچنین کمیسیون دعوت و ارشاد و جلب و جذب مسئولیت ارشاد و رهنمودهای افرادی را بر عهده دارند که در صفوف و همکاری با کفار ایستاده اند، این کمیسیون کوشش میکند که تمام این افراد فریب خورده را از صفوف دشمن جدا سازد، کمیسیون جلوگیری از تلفات ملکی نیز تمام تلاش خود را به خرج میدهد، تا مردم ملکی و بی دفاع را از اذیت و ازار نجات دهد، در هنگام وقوع تلفات ملکی این کمیسیون با خانواده های متاثر کمکهای مالی و نقدی انجام میدهد، همچنین کمیسیونهای دیگر هر کدام در بخش های مشخصهء خود خدماتی را انجام میدهند و مصارف زیادی دارند.



همانگونه که اکمال مالی کمیسیونهای متذکره برعهدهء کمیسیون امور اقتصادی است، با توجه به موارد متذکره گفته میتوانیم که کمیسیون اقتصادی بالواسطه کمک کننده و متکفل هزاران تن از مجاهدین، مهاجرین، بیوه زنان، یتیمان، معلولین، زخمی ها، محبوسین، معیوبین ملت مظلوم است که اکثریت امرار معاششان بر همین کمک ها وابسطه است.

حبیب مجاهد:

همانگونه که شما نیز به ان شاره کردید، براستی هم امارت اسلامی از طریق کمیسیون اقتصادی و بواسطهء کمیسیون های دیگر با هزاران تن از یتمیان، معیوبین، و دیگر مسلمانان مظلوم کمک می کنند، همهء مسلمانان با هم برادر و اعضای یک وجود و جسم و جان هستند، براساس تقاضای ایمانی نیز هر مسلمان باید درد و رنج مسلمان دیگر را از خود بداند، و به اندازهء توان خود در کم کردن و یاری رساندن به دیگران با انها کمک کند، بدون شک در داخل کشور، کشورهای همسایه و دیگر کشورهای مسلمان برادران مسلمان ما خود را در درد و غم ما شریک میدانند، و تلاش میکنند که با ملت مظلوم، یتیمان، بیوه زنان، معیوبین و زخمی ها کمک نمایند، اگر انها بخواهند از طریق امارت اسلامی با این مسلمانان مظلوم کمک و همکاری داشته باشند، چگونه میتوانند کمک های نقدی خود را به شما برسانندو از طریق شما بدست این مسلمانان مظلوم برسد؟

أبواحمد :

اگر مسلمانان و افراد اهل خیر میخواهند با برادران مومن ، محتاج و مستضعف خود کمک و همکاری کنند و در رفع و دفع احتیاجات انها خود را سهیم سازند، باید کمک ها ی خود را به کمیسیون امور اقتصادی و مالی امارت اسلامی بسپارند، تا به شکل شفاف و اصولی در جای مناسب ان مصرف گردد، برای این منظور برادران مسلمان ما در داخل کشور، کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان میتوانند با شماره های عمومی 0093777476287 – 0093705790096 تماس برقرار کنند، انها بعد از تماس با این شماره ها و رابطه با مقامات کمیسیون امور اقتصادی میتوانند کمک های خود را به انان بسپارند. همچنین از طریق ادرسهای ایمیل ذیل نیز میتوانند با ما در رابطه شوند: iea_donation@outlook.com وFinancecm.iea@gmail.com با مسئولین در مورد چگونگی ارسال و تحویل دادن کمک های خود گفتگو کنند.

همچنین برای آنجمله از برادرانی که در کشورهای دور دست همانند اروپا او امریکا زندگی می کنند، و از رابطه با ادرس های ایمیل فوق الذکر احساس خطر می کنند، میتوانند از طریق ویب سایت رسمی امارت اسلامی http://shahamat.info و در انجا در صفحهء مخصوص کمیسیون اقتصادی با ما رابطه بگیرند، این طریقه بسیار محفوظ است، زیرا تنها مسئولین ما اختیارات کامل استفاده از محتوای داخل صفحه را دارند، و افراد و اشخاص دیگر نمیتوانندابنگونه ایمیل ها را مطالعه کنند، انها میتوانند از این طریق با مسئولین کمیسیون اقتصادی در رابطه شوند و بصورت محفوظ و مطمئن زمینهء ارسال کمک های خود را فراهم سازند.

یک گفتنی که لازم میدانم انرا در اینجا بیان کنم اینست که دشمنان ما تبلیغات بسیاری کرده اند که گویا انها طروق کمک های مردمی به امارت اسلامی را مسدود کرده اند، و راه های ارسال پول به امارت اسلامی را کاملا بسته اند، باید در این مورد بگویم که این تنها یک تبلیغات پوچ دشمنان است و انها در زمینهء تبلیغات دروغین مهارت ها ووسایل فراوان دارند، همه به یاد دارند که انها در زمان آغاز تجاوز و اشغال نیز تبلیغ می نمود که توانائی رصد کردن و دیدن اجسام کوچک به اندازهء دو اینچی را نیز دارند، مگر بعدا ثابت گردید که مجاهدین با موتر های مملو از مواد منجره وارد مراکز و پایگاهای انان می گردند. پس باید متیقن باشیم که وقتی کسی از برادران مسلمان ما بخواهد با مجاهدین کمک کنند، خداوند جل جلاله راه های محفوظ را برایش آشکار میسازد، همانگونه که خداوند در کتاب آسمانی خود نیز وعده داده است که : (والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا – کسانی که در راه ما جهاد می کنند، ضرورا که ما راه ها را برایشان نشان میدهیم)، این وعده تنها به جهاد بالنفس داده نشده است بلکه شامل جهاد بالمال نیز می گردد،پس باید بگویم همانگونه که مجاهدین بالنفس در راه رضای خداوند با شجاعت و مردانگی با دشمن جهاد می کنند، برادران غنی و توانمند ما نیز میتوانند در این جهاد مقدس با مال و پول خود شرکت کنند و کدام ترس و دلهره ای در مورد نداشته باشند.

یک گفتنی که لازم میدانم انرا در اینجا بیان کنم اینست که دشمنان ما تبلیغات بسیاری کرده اند که گویا انها طروق کمک های مردمی به امارت اسلامی را مسدود کرده اند، و راه های ارسال پول به امارت اسلامی را کاملا بسته اند، باید در این مورد بگویم که این تنها یک تبلیغات پوچ دشمنان است و انها در زمینهء تبلیغات دروغین مهارت ها ووسایل فراوان دارند، همه به یاد دارند که انها در زمان آغاز تجاوز و اشغال نیز تبلیغ می نمود که توانائی رصد کردن و دیدن اجسام کوچک به اندازهء دو اینچی را نیز دارند، مگر بعدا ثابت گردید که مجاهدین با موتر های مملو از مواد منجره وارد مراکز و پایگاهای انان می گردند. پس باید متیقن باشیم که وقتی کسی از برادران مسلمان ما بخواهد با مجاهدین کمک کنند، خداوند جل جلاله راه های محفوظ را برایش آشکار میسازد، همانگونه که خداوند در کتاب آسمانی خود نیز وعده داده است که : (والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا – کسانی که در راه ما جهاد می کنند، ضرورا که ما راه ها را برایشان نشان میدهیم)، این وعده تنها به جهاد بالنفس داده نشده است بلکه شامل جهاد بالمال نیز می گردد،پس باید بگویم همانگونه که مجاهدین بالنفس در راه رضای خداوند با شجاعت و مردانگی با دشمن جهاد می کنند، برادران غنی و توانمند ما نیز میتوانند در این جهاد مقدس با مال و پول خود شرکت کنند و کدام ترس و دلهره ای در مورد نداشته باشند.

حبیب مجاهد :

محترم ابو احمد صاحب ! اگر برایمان بگوئید که امارت اسلامی از نگاه اقتصادی برکدام منابع تکیه دارد؟

أبواحمد :

این سئوال بسیار مهم است و اکثریت مردم از ما این سئوال را میکنند که امارت اسلامی چگونه میتواند همهء این مصارف را پرداخت کند، باید بگویم که امارت اسلامی اگر چه منابع آشکار مالی ندارد اما همکاری تمام امت اسلامی را با خود دارد، مسلمانان مظلوم دنیا که قرنها امید و ارزوی امارت اسلامی واقعی را داشتند، کمک و همکاری با امارت اسلامی را وجیبهء ایمانی خود میداند، و همین دلیل است که در داخل افغانستان ، کشورهای همسایه و در تمام گوشه و کنار جهان مسلمانان با ما کمک میکنند، ما مثالهای بسیار جالب و شنیدنی از کمک های مسلمانان را داریم که واقعا دلچسب است، که نمیخواهم بدلائل امنیتی و طولانی شدن موضوع از انها یادآوری کنم، اما در مجموع گفته میتوانم که از سوی تمام مسلمانان اهل خیر تمویل میشود، همانگونه که در داخل امارت اسلامی فضای اخلاص، قربانی و تقوی حکفرماست، و شفافیت کامل مالی وجود دارد، از اینرو کمک های جمع آوری شده به شکل بسیار درست و شفاف ان مصرف میشود و حتی یک افغانی نیز ضایع نمی گردد، ما میتوانیم با مصرف پولهای بسیار اندک، کارهای بسیار بزرگ و مهمی انجام دهیم.

حبیب مجاهد:

در اخیر اگر کدام پیامی برای عموم مسلمانان و خصوصا برای افراد ثروتمند و غنی داشته باشید میتوانید با شما شریک سازید؟

أبواحمد :

پیام من برای برادران مسلمانم اینست که این موقع و زمان را فرصت مناسبی برای اجرای مکلفیت دینی خود در حصول اجر و ثواب اخروی بدانند، در افغانستان جهاد بر علیه قدرتمندترین نیروی کفری و شیطانی یعنی آمریکا جریان دارد، و مجاهدین افغانستان در سطح جهان جزئ مجاهدین منظم، پاک و بدور از افراط و تفریط میباشند که تنها و تنها بخاطر اسلام قیام نموده اند و کفر و طاغوت را با شکست مواجه کرده اند، این یک فرصت برای مسلمانان است که در این کارنامهء بزرگ و موفقیت زرین تاریخ اسلامی خود را شریک سازند، اگر به جنگ کنونی جاری در افغانستان نظری بیندازیم این معرکه با غزوهء بدر در صدر اسلام مشابهت دارد، زیرا کفار بسیار قوی و مسلمانان نهایت ضعیف هستند، در حالت چنین ضعفی دفاع از اسلام و کمک با مجاهدین بسیار و بیشتر از حالات عادی اجر و ثواب دارد، همانگونه که شرکت کنندگان غزوهء بدر افضل تر از صحابهء کرام عادی بودند.

من از برادران مسلمان خود میخواهم که با انجام جهاد مالی در این اجر و ثواب عظیم سهم و حصه بگیرند، بغیر از سنگر و جهاد ، از دو جهاد برایمان بیوه زنان، یتیمان، معلولین و مهاجرین باقی مانده است که کفالت انها با کمک امارت اسلامی صورت می گیرد، این افراد مظلومترین قشر جامعه ء ما هستند، که بخاطر اسلام قربانی داده اند، اگر دیروز با قربانی های خود مسلمانان را از هیولای کمونیستی نجات دادند، امروز نیز ما مشاهده می کنیم که با شکست طاغوت امریکائی ، دشمن دیگر مسلمانان را به زانو در اوردند، کمک با این مستضعفین قهرمان امت اسلامی وجیبهء تک تک ماست، که باید به انها کمک کنیم و هیچگاه انان را فراموش نکنیم.

امید است که مسلمانان توانمند و مالدار ما که پولهای خود را در راه ها و طروق نادرست خرچ و مصرف می کنند ، باید از این مال و دارائی خود برای آخرت خود توشه جمع کنند و افتخار شرکت در جهاد جاری را کسب کنند.

بقیه صفحه ۴۷

بله خوا همدا اوس په رسنيو کې داسې اټکلونه خپريږي چې برګډال کيدای شي مسلمان شوی وي او يا له دې وروسته مسلمان شي ځکه تجربو ښودلې چې کوم کفار له مجاهدينو سره بنديان پاته شوي نو دربنتينو مسلمانانو له چلند څخه يي داسلام حقانيت درک کړی دی او په پای کي يي په اسلام عقيده راسخه شوي ده چې واضح مثال يي د انګريزي ژورناليستي ايوان ريډلي دی چې له مجاهدينو سره څه وخت حبس په کې ستر انقلاب راوست تردې چې لندن ته له تللو وروسته مسلمان شوه په ځان يي مريم نوم کيښود او اوس په غرب کې ديوې لويې دعوتګرې په حيث د اسلام خدمت کوي.

امريکايان ويريږي چې بو برګډال هم د ايوان ريډلي کردار ترسره نه کړي نوځکه يي دداسې څه د مخنيوي لپاره نوموړی په جرمني کې په يوه پټ ځای کي توقيف کړی ترڅو ورته خپله فکر له سره پيچکاري کړي.



نگاهی به

زندگی جهادی

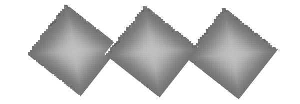
شهید قهرمان

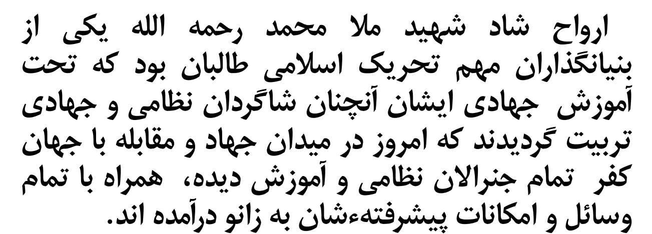
ملا محمد اخند

شاهد غزنیوال

مترجم:

حسن مبشر





ارواح شاد شهید ملا محمد رحمه الله یکی از بنیانگذاران مهم تحریک اسلامی طالبان بود که تحت آموزش جهادی ایشان آنچنان شاگردان نظامی و جهادی تربیت گردیدند که امروز در میدان جهاد و مقابله با جهان کفر تمام جنرالان نظامی و آموزش دیده، همراه با تمام وسائل و امکانات پیشرفته‌ءشان به زانو درآمده اند.

با موفقیت های نظامی هریک از محاذهای عملیاتی و کارنامه های جهادی این قهرمانان میدان جهاد ، نام و یاد شهید ملامحمد بیشتر و بیشتر زنده می گردد و شاگردان مدرسهء جهادی ایشان به نام و وجود او فخر می کنند.

شهید ملا محمد رحمه الله از جملهء بنیان گذاران تحریک اسلامی طالبان ، چنان شخصیتی بود که در مقابل تجاوز قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی ، در سطح زون جنوب غرب کشور شهرت جهادی داشت و بعدا با استفاده از همین شهرت در هنگام تاسیس تحریک اسلامی طالبان در قیام بر علیه مفسدین رول بارزی ایفاء نمود. شخصیت متمایز جهادی و مبارزات خستگی ناپذیر برخلاف تجاوزگران شوروی و مزدوران و مفسدین آنها ، این شخصیت را مستحق میسازد که کارنامه های جهادی اش در اوراق زرین تاریخ افغان زمین با کلمات زرین ثبت گردد تا نسل آیندهء ما از آن مستفید گردیده و در میادین جهاد و مقابله از آن استفاده نمایند.

شناخت:

قهرمان شهید ملا محمد رحمه الله 50 سال پیش از امروز در سال 1382 در قریهء منار ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار در خانوادهء علمی و روحانی مرحوم مولوی عبدالواحد دیده به این دنیای فانی گشود. نامبرده تعلیمات علمی خویش را از کاکای گرانقدر خود مولوی نورمحمد آغاز کرد و توانست که در مدت بسیار کوتاهی دروس خود را تا دورهء متوسطه برساند.

جهاد ومبارزاتش :

شهید ملامحمد رحمه الله در زمان تجاوز شوروی در مدرسه مشغول فراگیری دروس دینی بود، و علی الرغم اینکه از لحاظ عمرش کم سن و سال بود ولی غیرت و ضمیرش اجازه نمیداد که خود به فراگیری دروس مشغول بوده و کشور در اشغال تجاوزگران باشد.

از این جهت دروسش را نیمه تمام گذاشته و برای جهاد و مقاومت به جبههء قومندان مشهور جهادی شهید لالا ملنگ رحمه الله در منطقه رفت.

شهید ملامحمد در مدت کوتاهی حیثیت یک قومندان ماهر جهادی را از آن خود کرد، و مجاهدین دیگر در هنگام اجرای پروگرامهای جهادی خود مشوره ها و رهنمودهای ایشان را با دقت و توجه کامل گوش میدادند.

نامبرده فعالیتهای جهادی خود علیه نیروهای تجاوزگر روسی را در مناطق مالجات، خوشاب، پاشمول و چهارباغ ولایت قندهار آغاز نمود و در این مناطق برای جلوگیری از فعالیتهای نظامی نیروهای دشمن ، کمربند اولیهء عملیاتی حلقوی ایجاد کرد.

اداره و تنظیم خط مقدم جنگ در مقابل دشمن به عهدهء خود ایشان بود و این تکتیک نظامی در محاصرهء نیروهای دشمن و جلوگیری از تحرکات نظامی آنها رول بسیار اساسی داشت.

نامبرده توانست بوسیلهء همین تکتیک نظامی برای بار نخست ولسوالی مشهور بابا صاحب در ولایت قندهار را فتح و تمام وسایل موجود نظامی دشمن را به غنیمت بگیرد.

حاجی رحمت الله یکتن از دوستان همیشگی و نزدیک شهید ملا محمد در مورد لیاقت و توانائی نظامی ایشان چنین میگوید:

یکبار در نزدیک شهر قندهار برای گزمهء پیادهء نظامی قوتهای شوروی کمین گرفتیم، این گزمه توسط سه عراده واسطهء زره پوش انجام میشد، مجاهدین به قومندانی ملا محمد بصورت ناگهانی بر گزمهء دشمن حمله کردند که در نتیجه دو زره پوش تخریب شدند و سومی موفق به فرار گردیده و بعد از طی مسافتی توقف کرد و سه تن عسکر از آن پیاده شده و در کنار سرک نشستند، نامبرده به تعقیب آنها رفت . عساکر که فکر نمی کردند، کسی در تعقیبشان باشد سلاح های کله کوف خود را کنار خود گذاشته بودند و ملا محمد با حملهء ناگهانی و آواز تکبیر بر آنها حمله ور گردید و هر سه تن را در جا به هلاکت رساند و سلاح های کله کوف آنها را غنیمت کرد.

مشهورترین جبههء مقاومت در زون جنوب غرب بر خلاف تجاوزگران شوروی ، جبههء شهید لالا ملنگ بود که در سطح زون مجاهدین مشهوری همانند ملا بورجان، ملا محمد حسن رحمانی، حاجی لالا، قومندان عبدالرازق از جمله مجاهدین قوی این جبهه بودند، در این میان شهید ملامحمد نیز از جملهء این مجاهدین بود که صاحب اخلاقی شایسته، مهارت عسکری عالی، شجاعت جهادی و تقوی بود.

رول شهید ملا محمد در تاسیس تحریک اسلامی طالبان:

بعد از سقوط رژیم کمونیستی در افغانستان ، جنگ های تنظیمی در تمام کشور آغاز گردید، این جنگ های خانمانسوز داخلی، تمام آرزوها و آرمانهای ملت مجاهد افغان که برای رسیدن به آن یک و نیم میلیون شهید قربانی کردند ، را با خاک یکسان کرد.

این وضعیت مصیبت بار برای هیچ افغان مسلمان و کشور دوست قابل تحمل نبود، و همان بود که برای تغییر و محو آن از جانب رهبر امارت اسلامی افغانستان ملا محمد عمر مجاهد بنیاد و اساس تحریک اسلامی طالبان گذاشته شد.

یکی دیگر از بنیانگذاران اولیهء این تحریک اسلامی ، شهید ملا محمد بود که در نتیجهء قربانی های بیشمار و موفقیت های تکتیکی نظامی ایشان در ولایات جنوب غرب کشور ، راه موفقیت و پیشرفت برای تحریک اسلامی گشوده شد.

حاجی لالا، یکی دیگر از دوستان نزدیک شهید ملا محمد، رول ایشان در تاسیس تحریک را چنین بیان می کند:

بعد از سقوط رژیم مزدور نجیب در کابل ، ما در تشکیل یک گروه صد نفره ء مجاهدین به کابل رفتیم و در آنجا با ارواح شاد مولوی محمد یونس خالص صاحب شخصیت مشهور جهاد افغانستان ملاقات کردیم. مولوی محمد یونس خالص رحمه الله که در هنگام تجاوز و اشغال شوروی ها رهبر تنظیم جهادی بنام حزب اسلامی بود و جبههء ما نیز مربوط همین تنظیم بود، برای ما حیثیت راهنما و عالم جهادی قابل قدری داشت. ما از ایشان در مورد پروگرامهای آینده و بعد از سقوط نظام کمونیستی خواهان مشوره شدیم، که نامبرده در جواب چنین گفت:

تنها با سقوط نظام کمونیستی اهداف جهاد بدست نمی آید و نه هم آرزوها و آرمانهای مجاهدین حصول گردیده است، شما تمام وسایل و امکانات خود را محفوظ نگه دارید و در حمایت هیچکس از گروه ها در جنگ های تنظیمی شرکت نکنید! شما این پیام من را در زون جنوب غرب به تمام مجاهدین مربوط به تنظیم برسانید و برایشان بگوئید اهدافی که بخاطر آن جهاد مقدس خود را شروع کرده ایم تاکنون حصول نگردیده است. شما تلاش کنید که تشکیلات جهادی و جبهات عسکری خود را همچنان محفوظ نگه داریدو از شرکت در جنگهای تنظیمی و حزبی بدور باشید.

حاجی لالا می افزاید: هنگامی که دوباره از کابل به قندهار مواصلت کردیم و رهنمودها و توصیه های مرحوم خالص بابا را به شهید ملا محمد بازگو کردیم، نامبرده در همان هنگام تمام مجاهدین خود را جمع نمود و هدایات و توصیه های رهبر جهاد خود محترم خالص بابا را برای ایشان تشریح کردو بعد از آن تمام وسایط و وسایل جبههء خود را جمع آوری کرده و وظیفهء مراقبت و نگه داری آن هارا به تعداد مشخصی از افرادش سپرد. و در کنار آن برای فراگیری علوم دینی و آموزش مجاهدین استاد ماهر به علوم دینی را در جبهه مقرر کرد و تمام مجاهدین را به فراگیری علوم دینی مکلف کرد، تا جائیکهء در مدت کوتاهی این جبهه ، به یک مدرسهء دینی تبدیل گردید، در این مدرسه بر اساس رهنمودهای شهید ملا محمد تعالیم دینی و آموزشهای عسکری داده میشد و به تربیهء فکری آنها توجهء خاص صورت میگرفت.

همهء این فعالیتها در حالی انجام میشد که تمام کشور و تنظیم ها در جنگ های داخلی مشغول بودند و فساد، دزدی ، چور و چپاول و بی امنیتی به اوج خود رسیده بود.

تعدادی از مجاهدین مخلص که جهاد در مقابل تجاوز و اشغال شوروی را برای رسیدن به صلح و ثبات و حاکمیت اسلامی انجام داده بودند با دیدن وضعیت اسفناک و درد آور جاری در کشور بسیار ناراحت و غمگین بودند، هرکس به امید نجات از این وضعیت مصیبت بار در انتظار روزنهء امیدی نشسته بود، که از جانب ملا محمد عمر مجاهد برای نجات ملت و کشور، تحریک اسلامی طالبان تاسیس گردیده و از گوشه و کنار کشور مجاهدین مخلص و حقیقی برای نجات ملی با این قافلهء یکجا گردیدند.

شهید ملا محمد که از دوستان نزدیک جهادی مقام رهبری تحریک بود و از قبل نیز در انتظار چنین تحریکی برای محو و از میان برداشتن ظلم و فساد بوداز جملهء نخستین قومندانان جهادی بود که با تحریک یکجا گردیده و تمام امکانات و وسایط دست داشته را همراه با مجاهدین تربیه شدهء خویش را در صفوف تحریک مدغم نمود.

مجاهدین تربیه شدهء شهید ملا محمد از جملهء اولین افرادی بودند که در کنار اخلاق نیک و تجارب جهادی خویش و با استفاده از تاکتیک ها نظامی توانستند در مدت کوتاهی تمام مناطق در زون جنوب غرب کشور را از وجود مفسدین و تنظیم های جنگ سالار پاک کرده و در آنجا فضای صلح و امنیت را با اجرای نظام شرعی بوجود آورند.

مقام رهبری تحریک طالبان در نتیجهء سابقهء جهادی، مهارت نظامی شهید ملا محمد، ایشان را به حیث قومندان عمومی نظامی تحریک تعیین کرد و مسئولیت تمام امور عسکری را به ایشان محول نمود.

دستآوردهای نظامی شهید ملا محمد بعد از تاسیس تحریک:

بعد از اینکه شهر قندهار بتاریخ 5/11/1994 به تصرف طالبان در آمد، شهید ملا محمد بحیث مسئول عمومی نظامی ، برای تصرف و تصفیهء ولایات همجوار قندهار یک پلان نظامی را طرح و با اجرای آن توانست در مدت کوتاهی ولایات هلمند، فراه، نیمروز و اروزگان را یکی پس از دیگری از وجود جنگ سالاران تصفیه کند.

نامبرده در نتیجهء این عملیات تصفیوی در نتیجهء یک جنگ سنگین در منطقهء سنجیلان ولسوالی دلارام ولایت فـــراه توانست ، 1300 تن از نیروهای نظامی مخالفین را اسیر نماید، که بعد از مدت کوتاهی همهء آنها آزاد گردیده و به سایر افراد و همقطاران خود ملحق شدند و ایشان طالبان را به برخورد نیک و اسلامی با اسیران توصیه کردند.

در اواخر سلسلهء عملیاتهای تصفیوی ، توسط انفجار ماین جاسازی شده از سوی مخالفان به شدت زخمی گردید و پلان تصفیهء ولایت هرات که ایشان آغاز کرده بود، نیمه تمام ماند.

شهید ملامحمد بطورکامل بهبود نیافته بود که دوباره به خط مقدم جنگ رفته و مسئولیت جنگ بر ضد مخالفین را به عهده گرفت و با توجهء به مهارت خاص نظامی خویش توانست که خط مقدم جبهات جنگ را تا ولایت هرات برساند.

بعضی از خصوصیات زندگی جهادی شهید ملامحمد :

عقیدهء ایمانی مستحکم و ماحول دینی، چیزی است که در میان مسلمانان چنین افرادی را برای جهاد و قربانی آماده می کند که در نتیجهء فداکاری ها و زحمات جهادی آنها در راه الله ، ملت مسلمان بتواند در صلح و امنیت و بدور از یوغ استعمار زندگی آرامی داشته باشد.

این قهرمانان جهادی در راه مبارزه و جهاد یک سلسله خصوصیات و امتیازات خاصی در زندگی خود دارند که ارواح شاد شهید ملا محمد نیز از این امتیازات بهره مند بود.

در اینجا ما میخواهیم بصورت اختصار به بعضی از خصوصیات زندگی جهادی شهید نامبرده اشاره کنیم:

۱ــ تقوا و ترس از الله تعالی، یکی از امتیازات خاص شهید ملا محمد بود، این خصوصیت در ایشان زمانی بهتر محسوس می گردید که شب هنگام و در تاریکی با الله راز و نیاز میکرد ویا هم قرآن کریم را تلاوت میکرد.

2ـ شجاعت و دلاوری در هنگام رویاروی با دشمن و شفقت و عطوفت بر برادران مجاهد از جمله اوصاف شائسته ای بودند که ایشان را در کنار مسئولین جهادی دیگر به عنوان یک شخصیت متمایز مشهور کرده بود.

3. احترام خاص و بی اندازه به علماء کرام داشته و در انجام هرکاری از آنها مشوره می گرفت.

4- حلم ،حیاء وایثار را بسیار می پسندید و در خانه، جبهه و مدرسه با تمام دوستان خود از اخلاق اسلامی کار می گرفت.

5ـ در تمام حالات و واقعات زندگی یکسان بود، نه در هنگام مواجه شدن با مشکلات و نه در هنگام خرسندی و فتوحات با کدام نگرانی و یا هم سردرگمی مواجه نمیشد.

6ـ روش و وضعیت زندگی اش بسیار ساده بود، از عیش ونوش و هوسرانی متنفر بود و ریا و تظاهر را دوست نداشت، از استعمال پول بیت المال دوری می کرد و تا آخرین لحظات زندگی خویش از بیت المال برای کارهای شخصی خویش هیچگونه استفاده ننمود.

7_ خود را از هرگونه معاصی ، پاک نگه داشته بود و غیبت هیچکس را نمی کرد و نه هم از کسی مستقیما توصیف می کرد.

8ـ به امورات جهادی بسیار متوجه بود، مشغلهء زندگی و اوقات فراغتش فراگیری تاکتیک های نظامی و دیگر وسایل عسکری بود و در این راه شوق بسیاری داشت که یکی از دوستانش حاجی لالا چنین میگوید:

مرحوم ملامحمدشوق زیادی به هرنوع سلاح داشت، سلاح خود را تنها در هنگام ادائ نماز از شانه اش برمیداشت و دیگر در هرحالت آنرا با خود حمل میکرد، در سال 1990 هنگامی که مجاهدین در جنگ ولایت زابل سلاح ها و مهمات زیادی را از کمونیست ها به غنیمت گرفتند، اکثریت مجاهدین جبهات دیگر، سلاحهای غنیمت شده که سهم آنها بود را فروختند ، اما ملا محمد بر عکس آنها علاوه بر حفظ و نگهداری سلاح های سهم خود، تلاش میکرد تا سلاح های دیگران را نیز بخرد، و این در حالی بود که مجاهدین جبههء ما از نگاه اقتصادی در تنگنا بودند.

نامبرده میگوید: شهید ملا محمد از جملهء این غنائم، دو توپ دی سی روسی را با قیمت بالائی خریداری کرد و بعدا یک صاحب منصب عالی رتبه را نیز در جبههء خود مقرر کرد تا مجاهدین را در استفاده از این توپ ها ترینگ و آموزش دهد.

وبالأخره شهادت ای‌شان:

بعد از یک عمر طولانی جهاد و فداکاری ، بالاخره این مسئول مهربان، غازی قهرمان و مجاهد خستگی ناپذیر در راه رسیدن به آرمان همیشگی خویش در نتیجهء یک درگیری رودر رو با دشمن / / 1994 در منطقهء ولسوالی دلارام به شهادت رسید و روح خستهء خود را به امید حاکمیت یک نظام شرعی در کشور به مالک حقیقی خویش تسلیم نمود.

خوانندگان محترم!

ما در اینجا به ذکر همین اندازه از کارنامه های جهادی این مرد تاریخی، مجاهد قهرمان شهید ملا محمد بسنده می کنیم، زیرا تشریح و نگارش مفصل تمام واقعات زندگی جهادی ایشان از حوصلهء این مضمون مختصر بیرون است. ما بخاطر نسلهای آیندهء خویش میخواهیم تا با ثبت و نشر مستندات سوانح زندگی این قهرمانان جهادی به آنها معلومات را محفوظ نگه داریم و دیگر رهروان راه ایشان در روشنائی و تعقیب مسیر جهادی ایشان در هنگام مقابله با تجاوزگران امریکائی از آن استفاده کنند.

والسلام








قسمت دوم

... پس از آنکه جسد شهید ملا عبدالله جان رحمه الله را در قبرستان شهدای قندهار به حجله سپردیم چند وقتی را در اطاق مجاهدین بلوچ در حال فراگیری دروس ابتدایی نظامی سپری کردیم و در این مدت دوستان ما را به بازار شهر قندهار بردند و با یکی از دوستان با مجاهدین مهاجر عرب نیز ملاقات کردیم و پس از آن از مسئولین خواستیم که ما را به کمر بند و خط مقدم جنگ بفرستند .

این درست زمانی بود که بسیاری از مجاهدین از جمله برادر بنده در شمال کشور در محاصره افراد اتحاد شمال قرار داشتند .

بخوبی به یاد دارم که مسئول اطاق در آن وقت شهید حافظ سعدالله رحمه الله بود، ایشان در جواب مطالبه ما گفتند که مشوره ما این است که تا کنون حالات واضح نیست و شما هم تجربه کافی جنگی ندارید بهتر این است تا آن وقتی که حالات واضح می شود شما به معسکر بروید و تعلیمات نظامی را فرا بگیرید و هر وقت حالات واضح شد بعدا تصمیم بگیرید .

با دوستان به مشورت نشستیم و پس از بحث و تبادل نظر به این نتیجه رسیدیم که به معسکر برویم و تا واضح شدن حالات تعلیمات نظامی را فرا بگیریم .

لذا مسئولین اطاق ما را توسط یک موتر از شهر قندهار به ولسوالی دیشو ولایت هلمند فرستادند .

موتر ما از شهر قندهار به شهر لشکرگاه و از آنجا از وسط بیابان و بی راهه و از میان ریگستان به ولسوالی دیشو رفتیم .

شاید به این خاطر بیراهه را انتخاب کردند چون مخالفین جیره خوار در تلاش بودند تا امنیت مناطق مرزی را مختل کنند و ولسوالی دیشو نیز مرز طولانی با کشور همسایه پاکستان داشت و نزدیک مرز ایران بود .

بالآخره پس از دو روز سفر طاقت فرسا به ولسوالی دیشو و به معسکر مجاهدین در کوه مشهور ملک نزدیک بازار شهرک رباط رسیدیم .

در معسکر کوه ملک بسیاری از مجاهدین نو وارد را دیدیم که برای فراگیری تعلیمات نظامی به آنجا بودند و بیشترین شان را طلبه های نوجوان مدارس دینی تشکیل می دادند .



در معسکر فضای بسیار معنوی و نورانی حاکم بود، بطوری که اکثر افراد پایبند نماز تهجد و اوراد و وظایف بودند و در دعا ها چنان گریه و زاری می کردند که یاد اسلاف امت از آن تازه می شد .

امیر ما در این معسکر مولوی سعید رحمه الله بودند، ایشان جوانی بسیار نرم خو، پای بند تهجد و اعمال مستحب و مسنون و انسان خدمت گذاری بودند و چنان خوش اخلاق بودند که همیشه دوست داشتیم با ایشان مجلس و گفتگو کنیم و از تجربیات شان کسب فیض نماییم.

به هر حال تعلیم گروه ما نیز آغاز شد و اساتید توجه خصوصی به ما داشتند ؛ چنانچه بعد از نماز صبح ورزش آغاز می گردید که تا پس از طلوع آفتاب ادامه داشت و پس از آن ناشتاه بود که آن هم چیزی نبود جزء نان خشک و چای و سپس دروس تخنیکی سلاح و بعد از نماز ظهر نیز ترغیب جهاد و سپس دروس ادامه داشت تا هنگام نماز عصر.

به هر حال تعلیم نظامی ما ادامه داشت، روزی یکی از اساتید معسکر چند تن از طلبه های مجاهدین را بشمول بنده در یک موتر لیندکروزر سوار نمود و به سوی ریگستان حرکت کردیم،و در میانه راه استاد به ما گفت که می رویم استقبال مولوی محمود امیر مجاهدین ریگستان ، بسیار خوشحال شدم چون نام گرامی ایشان را شنیده بودم اما تا کنون ایشان را ندیده بودم.

به هر حال پس از سفر در طول ریگستان یک لحظه با چند موتر از جانب مقابل مواجه شدیم و تا کنون ما خود را حرکت نداده بودیم که افراد مسلح ما را در محاصره خود گرفتند ....

اینجا بود که استاد با زبان پشتو گفت که مجاهدین طالبان هستیم و سپس افراد مسلح نیز سلاح های شان را به زمین گرفتند ، اینها در حقیقت افراد همراه مولوی محمود بودند که از سرعت عمل شان بسیار متعجب و متحیر شده بودم.

در حقیقت طول مسیر ریگستان نا امن بود و این درست زمانی بود که شهر مزار شریف نیز سقوط کرده بود و دشمن کابل را نیز گرفته بود .

اینجا بود که هیئت همراه مولوی محمود باز گشتند و دو موتر ایشان و موتر سوم، موتر ما بود، بسوی معسکر براه افتادیم .

در میان افراد به همه به دقت نگاه کردم اما نتوانستم تشخیص بدهم که مولوی محمود کدام است .

به هر حال هنگام نماز شام به معسکر رسیدیم که در معسکر تمام مجاهین در دو صف به استقبال مولوی محمود و همراهان شان ایستاده بودند و با نعره های فلک شگاف تکبیر از ایشان استقبال نمودند .

ایشان شب را که غالبا ماه رمضان بود در معسکر سپری نمودند و به گفته بعضی از دوستان ایشان فقط افطاری تناول فرمودند و چیزی نخوردند، دوستان هر قدر اصرار کردند بی فایده بود .

بعد از پاسی از شب ایشان بلند شده و مشغول نماز و گریه و زاری و کمک از الله تعالی شدند و اینجا بود که دوستان فهمیدند که جناب مولوی صاحب بخاطر غمی که در دل از محاصره شدن مجاهدین در قندوز و سقوط و سپس تسلیمی مجاهدین داشتند نتوانستند که با وجود روزه نان تناول بفرمایند .

روز بعد پس از نماز صبح یکی از مجاهدین برای بنده پیغام آوردند که مولوی صاحب شما را خواسته است، رفتم دفتر اساتید در معسکر دیدم جمعی غفیری از مجاهدین نشسته اند ، بنده نیز سلام مسنون عرض نموده و در یک گوشه نشستم .

طولی نکشید که یکی از اهل مجلس که در لباس بسیار ساده طرف بنده متوجه شد و از احوال خانواده و برادرانم جویا شد، اینجا بود که فهمیده بودم همین انسان بظاهر بسیار ساده پوش مولوی محمود هستند .

بالآخره پس از جویا شدن حالات خانواده، از من در مورد تعلیمات نظامی پرسیدند و سپس بنده را تشویق نمودند که در فراگیری علوم نظامی تلاش و کوشش نمایم .

با گذشت روزها تعلیمات نظامی ما وسعت پیدا می کرد و شهرها یکی بعد دیگری به دست دشمن سقوط می کرد و بالآخره تا جایی رسید که دشمن به اطراف شهر قندهار و نزدیک میدان هوایی رسیده بود، اینجا بود که به مسئولین معسکر خبر رسید که اشغالگران خارجی در ریگستان برای حمله به معسکر در حال آمادگی هستند، مسئولین معسکر نیز تصمیم گرفتند که برای حفاظت مجاهدین ، تمام معسکر را به مناطق دیگر انتقال دهند و تصمیم بر مقاومت و جنگ با اشغالگران در ریگستان گرفته شد .

بخوبی به یاد دارم که گروهی از مجاهدین را که بنده نیز در میان شان بودم به کوه ساملی نزدیک برابچه انتقال دادند و در حال انتقال دادن وسایل نظامی و افراد دیگر از معسکر بودند که بعد از ظهر یکی از روزها اساتید را در مخابره اطلاع دادند که بالای معسکر کوه ملک حملۀ زمینی آغاز شده است .

مجاهدین در کوه ساملی در حال آمادگی برای کمک رساندن به مجاهدین در کوه ملک بودند که خبر رسید، بمباردمان شدید طیاره های جیت و بی 52 نیز آغاز شده است .

پس از دو روز مجاهدین بر گشتند و اطلاع دادند که مجاهدین معسکر کوه ملک بهمراه امیر شان مولوی سعید رحمه الله پس از جنگ بسیار سختی ، هنگامی که تمام مرمی ها و مهمات شان تمام شده بود، از طرف دشمن هدف بمب های شیمیایی و گاز دار قرار گرفته و سپس بشهادت رسیده اند . انالله و انا الیه راجعون

عاشقان شهادت

بقلم داود مهاجر

در میدان جهاد عجیب صحنه هایی که از چشمان شما عبور نمیکند!

کسانی را می بینی که در کمال زیبایی و جوانی اند اما عاشق چیزی شده اند که دیگران ، از آن با صرف تمام دارایی و هر بهایی دیگر ، فرار میکنند ومی کوشند تا زنده بمانند.

اینجا کسانی اند که عاشق مرگ اند!!!

عاشق کشته شدن!!!

عاشق تکه تکه شدن!!

عجیب نیست....!؟

بسیار جای تعجب است.... اما ایمان و انقلاب درون کاری می کند که هیچ چیزی دیگر چنان قدرتی ندارد و این کاروان فدائی فقط سخن از انقلابی بزرگ و عمیق در درون قلب است که کوردلان را تصور آن نیز مشکل می آید.

آری الله متعال مالک دلهاست و قلب انسان در بین دو انگشت بلاکیف آن ذات یکتاست، آن را طوری که بخواهد می گرداند.

فدائیان را شاید اکثر مردم در اخبار و یا از سر زبانها شنیده با شند اما آیا فکر کرده اند با چه قیمتی است که دنبال مرگ با این دلاوری و شوق افتاده اند؟!

مردم مصارف می کنند تا زنده بمانند اما اینها خود هزینه می کنند تا ماشین بزرگتری برای شان تدارک دیده شود تا مواد منفجره بیشتری را با خود برده و به قرار گاه دشمن بکوبند .

اینجا دیگر جای عقل بشری نیست...

اینجا دیگر قیاس را مجالی نیست...

اینجا باید به قدرت خداوندی بیشتر توجه کرد....

آری این کاروان با تبلیغ درست شدنی نیست. این کاروان ، فقط نصرت الهی است که برای مسلمانان مظلوم فرستاده شده است تا حق مظلومان را از ظالمان بگیرند.

برای درهم شکستن دبدبه فیل سواران ابابیل ارسال شده است تا از خانه او دفاع کنند.

این کاروان ، عاشقان مرگ اند.

مرگی که رضای الله متعال را برای آنها جلب می کند....

مرگی که درهای جنات نعیم را برای آنها باز می کند.....

مرگی که بخشش تمام گناهان آنها را تضمین کرده است...

مرگی که به اندازه گزیدن مورچه ای هم درد آور نبوده و بلکه چنان شیرین است که شهداء اسلام در روز قیامت نیز تمنای چندین بارزنده شدن و رفتن به دنیا و بار بار چنین کشته شدنی را می کنند.

پیامبر اسلام علیه افضل التحیات والسلام می فرمایند: الموت تحفة المومن ...... بدون تردید مرگ هدیه ای برای مرد مومن است.

چه کسی مرگ را هدیه می داند ؟.... آری کسی که در پشت پرده های مرگ دیدار الله متعال را یقین داشته باشد..... کسی که درهای بهشت را برای خود باز گمان کرده و باور داشته باشد.

و در جایی دیگر میفرمایند: الدنیا سجن المومن و جنة الکافر.... دنیا زندانی برای مومن و بهشتی برای کافر است.

آری! در حقیقت این دنیا زندانی برای مومن است و خلاصی از زندان آرزوی هر مرد عاقلی است پس آرزوی مرگ برای این بندگان مخلص عین حقیقت است که ما از آن بی خبر و یا نا واقفیم زیرا درهای بهشت را در زیر سایه همین بم ها می بینند!

الله متعال هریکی از من وشما را شهادت نصیب کند و شوق وصال دوست.

آمیـــــــــــن!

صحابه کرام معجزه‌ای از نوع بشر

ابو عبدالله مسلم زاده

معجزه یعنی امری خارق العاده که با سحر و شعبده بازیها تفاوت کامل دارد و مخصوص پیامبران است؛ سحر و شعبده بازی اصل و حقیقت یک چیز را تبدیل نکرده و فقط در چشم بینندگان صورت آن چیز مبدل می گردد؛ چنانچه قرآن کریم در بیان داستان حضرت موسی علیه السلام و جادوگران فرعون چنین میفرماید: (قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (الأعراف :۱۱٦) چشمهای مردم را جادو کردند زمانی که ریسمان های شان در انظار مردم به مارهایی تبدیل شد؛ اما عصای حضرت موسی حقیقتا به امر اَلله متعال به اژدهای بزرگ تغییر شکل داد و همین امر بود که جادوگران را متوجه ساخت کار موسی علیه السلام جادو وسحر نیست و بلکه حقیقت است پس ایمان آوردند.

و از سنتهای الهی بوده است که هر پیامبری را به منطقه و نقطه ای از این کره خاکی فرستاده است، همراه با آیات و احکام ، معجزاتی نیز به او داده است تا دلیلی بر حقانیت او باشد و تا مردم درک کنند او از جانب الله جل جلاله فرستاده شده است و این معجزات نیز برابر با نیاز همان زمان و منطقه بود.

پیامبر بزرگ اسلام علیه افضل التحیات والسلام نیز دارای معجزات متعددی بوده است و بزرگ ترین معجزه اش قرآن کریم است ؛ چون در آن زمان، ادبیات بالاترین سخن را در میان عرب می داد ؛ خداوند متعال نیز بالاترین و بهترین ادبیات را در کلام خود نازل فرمود و آنهارا به مبارزه طلبید تا آیتی یا سوره ای مثل آن بیاورند (وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُواْ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ) هریکی از ادیبان و شاعران عرب و قریش مبهوت مانده بودند، فردی امی و ناخوان چطور همچنین کلامی بلیغ و رسا را می آورد و کوشیدند اما مانندش را نتوانستند بیاورند.

این امت چون آخرین امت بوده و تا قیامت وجود دارد؛ لذا می توان گفت، خداوند متعال معجزه ای دیگر غیر از قرآن را نیز برای مایان باقی گذاشته است که انسانهای بعدی از آوردن مثل آن عاجز اند و هرگز مانند آن را نمی توانند بیاورند.

آری، یکی دیگر از معجزات بزرگ پیامبر اسلام علیه افضل التحیات والسلام را می توان در نوع تربیت جامعه ای کامل و سالم، یارانی جان فدا و عامل حتی به کوچک ترین دستوراتش بیان نمود. درمدت 23 سال دعوت و جهاد، چنین کسانی را از نوع بشر به دنیا عرضه کرد که تمام زندگی خو د را از مال و جان گرفته تا ترک وطن و احباب، در راستای اهداف بلند او قربانی کردند.

یارانی که الله متعال در همین دنیا از آنها اعلام رضایت نمود. (وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهاجِرينَ وَ الْأَنْصارِ وَالَّذين اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسانٍ رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرى تَحْتَهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَداً ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظيم .) التوبة / 100.

(پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ)

آنانی که الله متعال ایمان شان را معیارایمان ملتهای بعدی اعلام کرد. فَإِنْ آمَنُواْ بِمِثْلِ مَا آمَنتُم بِهِ فَقَدِ اهْتَدَواْ وَّإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ (البقره/137)

پس اگر ایمان بیاورند بمانند آنچه شما ایمان آورده اید پس بدرستیکه هدایت یافته اند و اگر روی بگردانند پس همانا آنها در مقام مخالفت و دشمنی هستند. کسانی که با مرتکب شدن کوچکترین گناه، خود را به دادگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم عرضه می کردند و خواهان اجرای حدود الهی بر خود میشدند. مردانی که عاشق کشته شدن در راه او بودند و لحظه ای ماندن در دنیا را حیات طویل می گفتند.

زنانی که جگر گوشه های خود را قصدا به وسط معرکه می فرستادند تا فردای عزت را بیافرینند. جوانانی که بخاطر عدم شرکت در صف قتال دوشادوش پیامبر، جانهای خود را مجازات می کردند و به ستونهای مسجد بسته و دست از تمام لذایذ می کشیدند تا توبه شان پذیرفته شود. ووو........

بدرستی این معجزه ایست که بشریت از آوردن چنین تربیت یافته گانی عاجز است و هیچگاه نخواهند توانست چنین شاگردان و فدائیانی را تربیت نمود و باید به صداقت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم اعتراف نمایند که او بالاترین و قوی ترین مربی از نوع بشر است.

آری، فتوحات عصر خلفای راشدین تا مرزهای ایران وروم - دو ابرقدرت آن زمان - و به زانو درآوردن همه قدرتهای موجود در آن زمان، قوی ترین شاهد بر این مدعای ماست که انکار آن ممکن نبوده و نخواهد بود.

و اما ادعای آن عده از افراد، بر ارتداد همه ی صحابه کرام رضی الله عنهم بجزاز چند اشخاص انگشت شمار، بر چه امری دلالت دارد؟ !!! قوت مربی یا ضعفش ..... ثانیا عصر درخشان اوج اسلام و فتوحات دوره های خلفای راشدین را چه گونه توجیه میکنند و این معجزه تاریخ را که از روز روشن هم واضح تر است چگونه می خواهند انکارکنند؟!!!

در تاریخ بشریت از حواریون حضرت عیسی گرفته تا پیروان هر دین، مذهب و شخصیتی که در دنیا وجود داشته، نمی توان شخصیتهایی چون ادنی ترین صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم یافت.

نمونه های بارزی از شخصیات مختلف، کهنسال، جوان،نوجوان و کودک، زن و پیر زن، بینا و نابینا ، عرب و عجم، سیاه و سفید همه و همه را در راستای فداکاریهای بیشمار و پیروی کامل از مرشد توانای خویش می توان مشاهده نمود؛ و این موضوع ، خود مجال خود را می خواهد.

خداوند متعال صراحتا در کلام پاک خود ایمان صحابه کرام را معیار قبولیت ایمان بعدی ها قرار داده است و تا قیامت معیار باقی خواهد ماند. زیرا آنان، هرسخنی، فعلی و یا صفتی را از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم دریافت می کردند، در اسرع زمان آن را در وجود خود پیاده کرده و به تبلیغ آن می پرداختند.

آنها نمونه مجسمی از اسلام بودند؛ تا به چیزی عمل نمی کردند از آن نمی گذشتند؛ آنها زندگی خود را وقف اعلای کلمة الله کرده بودند و سیرت پاکشان در کتب تاریخ ، و قبرهای پراکنده ی شان در اکناف این گیتی، گواهی صادق بر این مدعاست.

سرزمینهای مفتوحه و اسلامی امروز، حاصل زحمتهای شبانه روز آنان و آغشته با قطرات خون بدنشان است که با اراده های محکم خود آنها را فتح کردند و با اخلاق کریمانه خود دلهارا بدست آوردند.

آری، اسلام ما نتیجه دعوت و جهاد همان تاریخ نویسان جان برکف است، و ملتهای بعدی نه اینکه آن سر زمینها را نتوانستند گسترش بدهند - مگر عده ای معدود از پیروان راستین شان- بلکه از حفظ دستاوردهای آنان نیز عاجز ماندند و هر روز شاهدیم چگونه سرزمینهای فتح شده آن روز ، یکی پس از دیگری در تسلط دشمنان کینه توز آن روز می افتند و این خود دلیلی بزرگ بر همت و صفای قلب صحابه کرام است که همه چیز خود را قربان دین خدا کردند و با ایمان واقعی و اعمال صحیح خود نصرتهای الهی را بسوی میادین جنگ جلب کردند؛ با تعداد اندک در مقابل نیروهای بی شمار می رفتند و فاتحانه برمیگشتند.

آنانی که بر صحابه کرام رضی الله عنهم خورده می گیرند باید بدانند که معجزه ای را دارند انکار می کنند که نشانه ی مستقیم این تیر شخص پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم ست.

و ترازوی را دارند می شکنند که محک اعمال بوده و باید با آن ایمان خود را بسنجند.

و واقعیتی را نمی بینند که عیان تر از روشنی خورشید است.

به امید روزی که همه مردم به واقعیتها پی ببرند و اتحاد و یکپارچگی عالم اسلام را چون چتری سایه افکند.

وماعلینا الا البلاغ المبین

والحمدلله رب العالمین

حکومتها و حکمروایان

شیرزاد افغان

تشکیل حکومت ضرورتی اجتماعی وامری ناگزیر برای ملت ها وتمدنهاست.همچنین زندگی اجتماعی در جهان متمدّن بدون وجود نظام های حکومتی متصور نمی شود.

حکومت درعین ضرورت،یکی ازنعمت های بزرگ خداوندی نیزهست؛خداوندجل جلاله از زبان موسی علیه السلام،برای بنی اسرایل در مقام امتنان ویادآوری نعمت چنین خطاب می کند:"واذقال موسی لقومه یا قوم اذکروا نعمت الله علیکم اذجعل فیکم أنبیاء وجعلکم ملوکاً وآتاکم مالم یؤت أحداً من العالمین"(مائیده:20) (یاد کنید وقتی را که موسی به قوم خود گفت:ای قوم من،نعمت خداوند را برخود یادکنید،چون درمیان شما پیامبران قرارداد وشما را حاکم وفرمان روا ساخت،وچیزی به شما داد که به هیچ کسی ازجهانیان نداده بود) . ازآیه کریمه چنین معلوم می شود که حکومت یکی از بزرگترین نعمت های اجتماعی است که به یک قوم ویک ملت عنایت می شود.

حکومت واختیارات حکومت داری درعین نعمت بودن،یکی از امانت های مهم الهی نیزاست که به حکام وفرمانروایان سپرده میشود.خداوند توانا هنگامیکه این امانت را به دست عده ای می سپارد آن ها را امتحان میکند که چگونه ازاین امانت استفاده وپاسداری می کند لذا فرمودند: "ثم جعلناکم خلائف فی الارض من بعدهم لننظرکیف تعملون"(یونس:14) (آنگاه شمارا پس ازآنان درزمین جانشین(وحاکم)قراردادیم تا بنگریم چگونه عمل می کنید).

از مهمترین وظایف حکام که ادیان سماوی وعقول بشری برآن اجماع دارند،اقامه عدل وانصاف وبرقراری مساوات وامنیت وخدمت به کشوروملت است.پروردگار به پیامبرش داود -علیه السلام - بعداز این که به ایشان حکومت وخلافت بخشید،چنین فرمود:"یا داودُ إنا جعلناک خلیفةً فی الارض فاحکم بین النّاس بالحق ولاتتبع الهوی فیُضّلک عن سبیل الله"(ص:26) (ای داود،ما تورا در زمین فرمانروا ساختیم،پس به حق درمیان مردم حکم کن وازخواهش(نفس)پیروی مکن که آن تورا از راه خدا گمراه می کند.بی گمان آنان که از راه خدا گمراه می شوند،به سزای آن که روز حساب را فراموش کردند،عذاب سخت درپیش دارند". نه تنها تاریخ اسلام بلکه تاریخ بشر برای این مطلب گواه است که هرگاه حکم فرمایان ودولت مردان،حکومت را امانت الهی ومسؤلیتی عظیم تلقی کرده واقامه عدل وانصاف وتأمین امنیت ورفاه عمومی را در سرلوحه اقدامات وبرنامه های خویش قرارداده ودر خدمت به ملت ها از هیچ کوششی دریغ نکردند،سربلند ومحبوب شدند وملت ها باجان ودل گرویده آنان شده وبقاء وعزت شان را خواستارشدند ودر وفاداری وخیرخواهی نسبت به آنان دریغ نورزیده وهرنوع فداکاری دراین خصوص را برای خود سعادت پنداشتند.

بلی!آن وقت که ملت ومردم از حکام، اُمرا ودولت مردان شان عدل وانصاف ببینند ودر امرتشکیل حکومت وشکل گیری ساختارهای آن مشارکت آزادانه وعزت مندانه بیابند واطمینان حاصل کنند که برای شنیدن خواسته ها ومطالبش گوش شنوایی درحاکمیت وجود دارد وبه مشکلات شان رسیدگی می شود وبه هیچ بهانه ای مورد تبعیض وبی عدالتی قرار نمی گیرند،نتیجه این میشودکه این قسم نظام حکومتی در سطح بین المللی وجهانی نیزعزت واعتبار می یابد ودشمنان آن، کمتر ودوستانشان بیشترخواهند شد وکسی به سرزمین وسرمایه های مادی ومعنوی شان طمع نخواهد کرد وچنین حکومتهای به استحکام ونیروی شگفت انگیزدست می یابند والگووالهام بخش دیگرملت ها ودولت ها قرارگرفته ودر تاریخ ضرب المثل می شوند.

اما اُمرا وحکام که به جای عدل وداد،ظلم وتبعیض را پیشه می کنند،وبه جای تأمین امنیت ورفاه عمومی،با اتخاذ سیاست های غلط به تضییع حقوق مدنی وسرمایه های ملی وانسانی می پردازند،وبا دوری ازنظام شورایی ومردمی،قدرت را در انحصار یک طبقه ویا قوم وجناح قرارمی دهند،وبه جای گوش دادن به انتقادات ونصایح خیرخواهان ورسیدگی به داد خواهی مظلومان،دهان آنها را می بندند وصداها را در گلوخفه می کنند،ونه تنها زندان های را از منتقدان ومخالفان، پرمی کنند، بلکه کل کشور را به زندانی بزرگ برای ملت خود تبدیل می کنند،لذا چنین حکام هم درمیان مردم خود منفوراند وهم امنیت وآرامش را ازخود ودیگران سلب می کنند،این دولت مردان بجای الگوگرفتن ازسیره انبیاء واولیا وشیوه زمامداری خلفاء راشدین وحکام عدالت گستر وپای بندی به اصول اخلاقی،درواقع به توصیه های افرادی چون ماکیاولی،فلیسوف وسیاستمدار ایتالیایی، عمل می کنند که می گفت: "باید حاکم وزمامدار،بی رحمی را یکی ازسلاح هایی بداندکه ملت را متحدومطیع می سازد.حفظ ایمان اگرچه بسیارپسندیده وقابل تحسین است،اما فریب،دوروی، شهادت دروغ،کذب وریا برای حفظ قدرت سیاسی لازم وموجّه است".

همین طرزتفکربود که جبّاران ومستبدانی را پرورش داد،کسانی که برای حفظ قدرت خویش بسی خون ها ریختند وانسان های بی شماری را به دیارمرگ فرستادند.به راستی که امروزنیزوجود چنین تفکری،بسیاری ازحاکمان ودولت مردان را برآن داشته تا برای بقای قدرت خویش دست به هرجنایتی بزنند وازقتل وزندان وگروگان گیری وتجاوزجنسی واعمال زوروخشونت وایجاد رعب و وحشت وانواع شکنجه های ضداسلامی وبشری باکی نداشته باشند.این ها حکامی هستندکه نخست ازآسمان برآنها لعنت ونفرین می بارد،سپس تنفرولعنت زمنیان نصیبشان می گردد ودعاها وفریادهای مظلومان ازهرسوعلیه آنان سرازیرمیشود،وسرانجام درچاه کردار زشت خویش سقوط میکنند طبق فرموده شاعری: بهرمظلومان همی کندندچاه / درچاه افتادند می گفتند آه.

گرچه تاریخ بشری واسلامی لبریز ازمثال های فراوان دراین مورداست، بسیاری ازحکام معاصرعرب،باداشتن عقلانیت انقلابی ودرحالی که ازآموزش وتربیت اسلامی برخوردارنبودند وتحت تأثیر اندیشه های غربی قرارداشتند،به قدرت وحکومت رسیدند.آنها پس ازفروکش کردن طوفان انقلاب گری،مساعی شان را برچندامرمتمرکزکردند،ازجمله:

۱- تعمیم غربزدگی وتضعیف احساسات اسلامی وغیرت دینی.

۲- مبارزه باجنبش های اسلامی وتنگ نمودن عرصه برفعالان دینی وایجاد محدودیت های سیاسی ومدنی.

۳- ارضای سردمداران شرقی وغربی وخوش خدمتی به آنان جهت ادامه حیات سیاسی واستمرارحاکمیت استبدادی شان.

این حکام ازاین که با کارهایشان ازاسلام وقرآن جدامی شوند وازمردم فاصله می گیرندوبه تاریخ وفرهنگ شان خیانت می کنند،باکی نداشتند.

آنها این واقعیت را نیزنادیده گرفتندکه روزی این ملت ها بیدارخواهندشد وسیاست های استبدادگرانه پایدارنخواهدماند،ونتیجه ظلم وفریب وتبعیض وبی عدالتی چیزی جزرسوایی وبدنامی وسقوط نخواهدبود.امروزکه بساط حاکمیت برخی ازاین دولت مردان مستبدوسرکوب گربرچیده شده،هیچ انسان واقع بین وخردمندی نه تنها ازآنان به نیکی یاد نمی کند،بلکه برآنان لعنت می فرستندوبا تنفرازآنان اظهاربرائت می نماید.واقعاً که عذاب آخرت ورسوای روزقیامت به مراتب بیشترودردناک ترخواهدبود: "کذلک العذاب ولعذاب الآخرت اکبرلوکانوایعلمون"(قلم:33)

(عذاب این چنین است،وبه راستی که عذاب آخرت بزرگ تراست،اگرمی دانستند" اکنون این سوال مطرح می شودکه چرا این حکام ودولت مردان ازگذشته درس نیاموختند وبه جای عبرت گرفتن ازسرنوشت حکام پیش ازخود،خود مایه عبرت آیندگان قرارگرفتند،ومتأسفانه هنوزکه هنوزاست بازهم عده ای دیگردنباله روهمان سیاست هاهستند؟

برای پاسخ به این سوال می توان به عوامل زیراشاره کرد:

۱- تزیّن شیطان:

شیطان برای آزمایش انسان ها آفریده شده ویکی ازکارهایش آن است که اعمال وکرداربدرا درنظرآدمی زیبا ومزین می نماید،چنان که درقرآن کریم آمده است: "وزین لهم الشیطان ماکانوایعملون"(انعام:43) (وشیطان عملکردشان را برای آنان بیاراست)

۲- جذّابیت جاه طلبی وتمامیت خواه:

رسول الله صلی الله علیه وسلم،می فرماید: دوگرگ گرسنه اگردرگله ورمه ای بی چوپانی رها شوند آن قدرخسارت وتباهی ببارنمی آورند که محبت ثروت وجاه طلبی در جامعه به بارمی آورد.

۳-غرور وتکبر:

غروروتکبر ازبدترین خصلت ها هست که به انسان اجازه نمی دهد نصیحت ناصحان را گوش کند وانتقاد منتقدان را بپذیرد.قرآن مجید حال کسانی را که به این بیماری روانی مبتلا هستند چنین توصف می کند:"واذا تولّی سعی فی الأرض لیفسدفیها ویهلک الحرث النّسل والله لایحب الفساد واذا قیل له اتّق الله أخذته العزّه بالإثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد"(بقره:205-206) (وچون توان یابد،درزمین بشتابد تا درآنجا فساد(وتباهی)کند وکشت ونسل را نابودسازد،وخداوند فساد را دوست نمی دارد.وچون به اوگفته شود:ازخداوند بترس! خود بزرگ بینی اورا به گناه می کشاند.پس جهنم اورا بس است وبه راستی بد آرامگاهی است)

۴-مشاوران سوء وسود جو :

مشاوران سوء وسود جو درپی آنند که حاکمان وزمامداران را ازواقعیت ها دورنگهدارند وحقایق را قسمی دیگری جلوه دهند وبا تعریف وتقدیس صاحبان قدرت،خود را به آنان نزدیک تر سازند.به راستی که درطول تاریخ چه جنایت های هولناکی ازدست این طبقه خائن صورت گرفته وچه بلاهای برسرمردم آمده است.

۵-دنیاپرستی وآخرت فراموشی:

خداوند متعال دنیا پرستان را این گونه توصیف می نماید:"إنّ الذین لایرجون لقائنا ورضوابالحیات الدنیا واطمأنوا بها والذین هم عن آیاتنا غافلون"(یونس:7) (آنان که به ملاقات ما امید ندارند وبه زندگانی دنیا خشنود گشته وبه آن اطمینان یافته اند وآنان که ازآیات ما غافل اند".

قرآن مجید درباره یکی از زورگویان وستمکاران تاریخ یعنی فرعون می فرماید: "واستکبرهو وجنوده فی الأرض بغیرالحق وظنّوا أنهم إلینا لایرجعون" (قصص:39) (او ولشکریانش در زمین به ناحق استکبارورزیدند وپنداشتند که آنان به سوی ما بازگردانده نمی شوند"

٦-عدم یقین به قانون مکافات وعوارض ستمگری

گرچه این دنیا دارالعمل است ودارالجزاء نیست وپاداش وکیفر، حساب وکتاب حقیقی در آخرت تحقق می یابد؛ اما، سنّت الهی چنین است که هرگاه ظلم وطغیان از حد بگذرد وحقوق انسان ها ضایع شود وآه مظلومان به آسمان برسد،عرش الهی به جنبش می آید. شاعری می فرماید: گرضعیفی در زمین خواهد امان/غُلغُله افتد درسپاه آسمان.

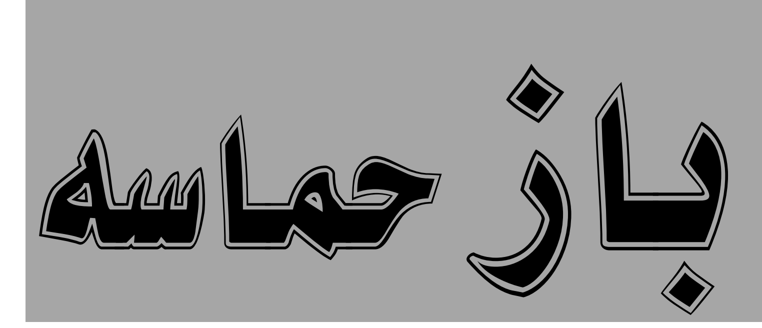
... و سرانجام آه ستمدیدگان به آتشی هولناک تبدیل شده کاخ ستمگران را خاکسترکرده وریشه آن ها را ازبیخ وبن برمی کند وتباه شان می گرداند: "فقطع دابرالقوم الذین ظلموا والحمدلله رب العالمین"(انعام:45)

(پس ریشه گروه ستمگاران برکنده شد، وستایش خدای راست، پروردگارجهانیان) .



محمود احمد نوید

اگاه مسایل سیاسی افغانستان و منطقه



خوشبختانه خبر فتح کامل ولسوالی یمگان ولایت بدخشان، به دست توانمند مجاهدین غیّور امارت اسلامی افغانستان به یکی از مهمترین خبرهای روز مطبوعات و رسانه های داخلی و بین المللی مبدل شد؛ خبری که هرچند به مذاق اشغالگران خارجی و اجیران داخلی شان خوش نیامد؛ اما برای فرزندان رشید جهاد و مقاومت و ملت مسلمان، شجاع و قهرمان صفت افغان، خبری بس فرح بخش و مسرت کننده بود و باز نام بدخشان را بر زبانها آورد!

هنوز شیرینی و خوشحالی خبر پیروزی بزرگ مجاهدین و حصول غنایم فراوان از لشکر شکست خورده شیطان در ولسوالی وردوج بدخشان که در حدود بیست روز پیش رخ داده بود کاملا از یاد نرفته که باز شیربچه های غیرت و شجاعت در ولایت بدخشان حماسه ی کم نظیر دیگری را خلق نموده و بر منار عزت و سربلندی افزودند و با تصرف کامل ولسوالی یمگان که از نظر استراتیژکی و موقعیت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، قدرتمند بودن خویش را به رخ همگان کشیدند!

سبحان الله! چقدر زیبا و لذت بخش بود آنگاه که پرچم سفید منقش به کلمه مقدسه "لااله الاالله محمد رسول الله" بر فراز ساختمان ولسوالی یمگان بدخشان به اهتزاز در آمد و پرچم اداره اجیر کابل که یاد آور رنج و درد، اشغال و ستم است با ذلت و حقارت سقوط، و بر زمین اُفتاد؛ آن زمان ناخواسته این آیه کریمه قرآن شریف : "وقل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا" مصداق یافت و یکبار دیگر کلمه حق که پرچم توحیدی مجاهدین غیور امارت اسلامی و نماد یکتا پرستی و حکومت عدل الهی و مشت کوبنده بر دهان استکبار و طاغوت است بر کلمه باطل بلند ایستاد و عزت اسلام و حقارت کفر و اشغال، اجیری و غلامی به نمایش گذاشته شد!!!

به نقل از سایت خبری "الاماره" طبق آخرین خبرها از ولسوالی یمگان ولایت بدخشان که (خبر آن) در بیشتر رسانه ها نیز انعکاس گسترده یافته است: " ... مجاهدین امارت اسلامی درسلسله عملیات بهاری "خیبر" موفق شدند که ولسوالی یمگان آن ولایت را کاملا فتح نمایند ... ولسوالی یاد شده ساعت 5 صبح سه شنبه (30/ثور/1393هش) هدف حمله سلاح های ثقیله وخفیفه قرارگرفت و تا ساعت 10 چاشت ادامه یافت که درنتیجه آن عساکر دشمن از ساختمان ولسوالی فرار کردند و ولسوالی کاملا فتح گردید وپرچم سفید امارت اسلامی بر فراز ساختمان ولسوالی ومناطق ماحول آن به اهتزاز درآمد ... خبر می افزاید که در جریان حمله 16 عسکردشمن کشته ،5 تن اسیر وشمار دیگر نیز زخمی شدند ... همچنین 6 عراده رینجر،1 تانگ زرهدار ومقادیری از سلاح های سبک وسنگین ومهمات مختلف النوع غنیمت گرفته شده و به محل امنی انتقال داده شده اند ... در این جنگ 3 تن از مجاهدین شهید شدند و1 تن دیگر زخمی گردیده است. انا لله واناالیه راجعون"

جالب اینجاست در حالیکه تعدادی از رسانه های مشهور، خبر سقوط ولسوالی یمگان بدست نیروهای مجاهدین را پذیرفته اند؛ اما هستند رسانه های که یا اخبار ضد و نقیض و دو پهلو پخش می کنند و یا اینکه همچنان بوق بی در و پیکر اداره اجیر قرار گرفته و دروغهای دشمنان وطنفروش را دیکته کرده و به اطلاع عموم می رسانند؛ این دسته از رسانه ها به زعم غلط خویش چنین می پندارند که شاید بتوان با تحریف و کتمان حقایق، بر ضعف و کاستی های اداره اجیر سرپوش گذاشت و برای مدتی هرچند کوتاه ملت را فریب داد؛ اما که کور خوانده اند و بر کوری چشم شان اینک ولسوالی یمگان در تصرف مجاهدین قرار دارد و آنگونه که این رسانه ها ادعا می کنند که جنگ همچنان بشدت جریان دارد به یقین که این خبرشان یک دروغی بیش نیست و هرگز روی سیاه شکست خورده های اداره اجیر، با دروغ های شاخدار رسانه های زرخرید سفید نمی شود!

الحمد لله عملیات بزرگ خیبر همانگونه که از اسم و تاریخش پیداست می رود تا امسال را بیش از هر زمانی دیگر پُردست آورد بسازد چرا که در عین حالی که خبر فتح ولسوالی یمگان مخابره شد از ولایت لوگر نیز خبر رسیده که یک پوسته مهم دشمن در ولسوالی چرخ، توسط مجاهدین قهرمان فتح و پرچم سفید امارت اسلامی در آنجا نیز به اهتزاز در آمده است؛ مطمئنا همزمان شدن این فعالیت های بزرگ آن هم در شرایطی که دشمن سخت در تشویش و نگرانی به سر می برد خود نشانگر علایم بزرگ پیروزی ها و فتوحات بیشتر در آینده نزدیک اند. ان شاء الله

بجاست که از صمیم قلب به شیران حماسه آفرین و مجاهدین پُرتلاش و قهرمان صفت بدخشان و مخصوصا آنهایی که در فتح کامل ولسوالی یمگان نقش مهم را ایفاء نموده و باز در بدخشان حماسه آفریدند و جانانه با غیرت و شهامت، شجاعت و رشادت رزمیدند و با موفقیت و پیروزی دست و پای اداره اجیر را در ولسوالی یاد شده قطع، و غلامان حلقه به گوش اشغالگران را محکوم به شکست ساختند؛ مانده نباشید بگوئیم!

... باید اعتراف نمود که واقعا در بهار آزادی جای شهدای گرانقدر خالی است و وظیفه خود بدانیم که بر روح و روان شهدای مجاهدین در فتح ولسوالی یمگان، درود و سلام بفرستیم و از الله جل جلاله عاجزانه استدعاء نمائیم که خون سرخ آن شهدای عالیقدر و تمام شهدای مجاهدین در سرتاسر افغانستان عزیز را به درگاه خویش قبول فرموده، و رضایت کامل خویش را نصیب شان فرماید؛ و همچنین زخمی های مجاهدین را شفای عاجل و کامل ارزانی نماید.

(آمین یارب العلمین!)

بقیه صفحه ۴۸

ملت مسلمان افغان هرگز نباید مایوس شوند و از آن ملت قهرمان انتظار می رود که بجای رای دادن به خاینین ملت ووطن فروشان، در پهلوی آزادگان وطن خود قرار بگیرند تا همه باهم در تلاش وجستجوی مرحمی شفاء بخش بر تمام زخم های شان باشند؛ و در همکاری با مجاهدین، هر چه زودتر این مرز بوم مرد آفرین را از لوث وجود صلیبی های ناپاک توأم با غلامان شان، پاک ساخته و زمینه نظام مبارک اسلامی را مساعد کنند.

الحمدلله مجاهدین امارت اسلامی با زیرکی و هوشیاری کامل نسبت به هر حیله و تمحل غربی ها آگاه بوده و در تلاش آزادسازی وطن می باشند؛ لهذا به همین خاطر و در جهت برچیدن جال های عنکبوتی غربی ها عملیات بهاری امسال را بنام عملیات خیبر اعلام نمودند وعملیات خیبر چنانچه از اسمش هویداست پاسخیست بر آخرین دست وپا زدن های آمریکا!

بلی این عملیات بهاری بهاریست که ان شاء الله توسط آن درخت های امن واخوت روییده خواهند شد و شکوفه های فتح وپیروزی مثل فتح خیبر لبخند خواهند زد وعطر وبوی گل های حریت، از دامنهٔ کوه های افغان زمین بمشام هر مسلمان کامل و انسان سلیم الحواس خواهد رسید!

به امید تحقق این آرزو

افغانستان در ماه می ۲۰۱۴ میلادی



ملاحظه:

در این نوشته تنها به رویدادها، تلفات و خساراتی اشاره صورت میگیرد که دشمن به آن اعتراف کرده است، تلفات و خسارات دقیق را میتوان در سایت الاماره و سایت های دیگر خبری مطالعه کرد.

ماه می ۲۰۱۴ میلادی همچو ماههای گذشته شامل رویدادهای تاریخی در کشور بوده است. در این ماه مجاهدین با تمام نیرومندی عملیات دلیرانه بر دشمنان داخلی و خارجی در مناطق خیلی حساس کشور انجام داده اند که طی آن دهها تن از آنان کشته و زخمی شدند.

تفصیلات مهمترین رویدادهای این ماه را میتوان در سطور ذیل مطالعه کرد.

تلفات دشمن اشغالگر:

دشمن اشغالگر در این ماه نیز همچو ماههای دیگر متحمل تلفات شد اما طبق معمول از افشای آمار حقیقی آن ابا ورزید. در جریان این ماه دشمن اشغالگر به کشته شدن تنها 4 تن از افراد خود اعتراف کرد که کمترین آمار کشته شدگان را در جریان ماههای گذشتهء این سال نشان میدهد. ماه می در سالهای گذشته از ماههای پرتلفات برای اشغالگران محسوب می گردید. در سال 2011 به اعتراف اشغالگران 56 تن از عساکر آنان در این ماه کشته شده بودند.

با اعتراف به این چهار تن، تعداد کشته شدگان در طول سال 2014 میلادی به 33 تن و در جریان سالهای اشغال به 3442 تن رسید که آمار حقیقی آن به مراتب بیشتر از آن است.

در مهمترین رویداد تلفات اشغالگران در این ماه، مطبوعات به روز جمعه 6 می خبر کشته شدن یک افسر بلندرتبهء امریکایی را دادند که به نقل از اسوشیتد پرس از قول منابع وزارت دفاع امریکا در ولایت هرات در یک رویارویی با مجاهدین زخم برداشته بود و در امریکا مرد. این شخص که سرجن میجر مارتن اربارپرارز نام داشت دو روز قبل از اعلان این خبر در یک شفاخانه در امریکا جان داد. میجر مارتن در افغانستان و عراق قوماندانی چندین عملیات ویژه را به دوش داشته است. وزارت دفاع امریکا مرگ این میجر 49 ساله را فاجعه یی برای اردوی این کشور خوانده است.

خسارات مالی دشمن اشغالگر:

دشمن خارجی با وجود فرار و جمع شدن در پایگاههای بزرگ به شکل همه روزه متحمل خسارات مالی می گردد. در هر ماه صدها موتر، تانک و طیاره دشمن تباه می گردد و وسایل نظامی دیگر دشمن نیز در حملات مجاهدین از بین می رود.

تفصیل این خسارات خیلی مشکل است اما در اینجا به بزرگترین خسارات در این ماه اشاره صورت می گیرد. به روز شنبه 3 می یک هلیکاپتر دشمن در ولسوالی سنگین ولایت هلمند مورد هدف مجاهدین قرار گرفته و سرنگون گردید. این طیاره بعد از هدف قرار گرفتن نشست اضطراری کرد که بعدا توسط هلیکاپترهای دیگر به پایگاه شوراب انتقال داده شد. تلفات ناشی از این سرنگونی در دست نیست.

به تعقیب این به روز پنجشنبه مورخهء 29 می اشغالگران خارجی از سرنگونی یک هلیکاپتر خود در ولسوالی معروف ولایت کندهار خبر دادند. این هلیکاپتر در حالی سرنگون شد که معاون امنیت این ولسوالی را که زخم برداشته بود جهت تداوی به مرکز اشغالگران انتقال می داد. در این حادثه در حدود پنج تن بشمول معاون امنیت و سه اشغالگر کشته شدند اما دشمن تنها به کشته شدن یکتن از افراد خود اعتراف کرد.

تلفات در صف دشمن داخلی:

همزمان با فرار اشغالگران و عقب نشینی به پایگاه های بزرگ تلفات در صف دشمن داخلی به شکل روزانه افزایش یافته است. تعداد زیادی از افراد پولیس و اردوی ملی به شکل روزانه کشته و زخمی می شوند اما آمار دقیق آنان در دست نیست و دشمن نیز به آن اعتراف نمی کند. در اینجا کوشش صورت گرفته شده است تا تلفات در رده های وسطی به سطح ولایات و مرکز جمع آوری گردد.

به سلسله همین تلفات به روز جمعه 3 می مدیر استخبارات ولسوالی معروف ولایت کندهار همراه با محافظ خویش طی انفجار ماین جابجا شده در کنار جاده کشته شد. در همین روز یک جنرال وزارت داخله و مشاور پیژنتون این وزارت در ساحه حوزه دوازدهم شهر کابل در اثر انفجار ماین چسپکی بر موترش کشته شد.

به تعقیب آن به روز شنبه ۷ مارچ قوماندان امنیهء ولسوالی بلچراغ ولایت فاریاب نیز در یک انفجار ماین جان خودرا از دست داد. به فردای آن ولسوالی گرزیوان این ولایت شاهد کشته شدن دو قوماندان پولیس و شش تن از افراد آن طی کمین مجاهدین گردید.

به روز دوشنبه 12 می بر اساس اعتراف اجیران در ولایت هلمند هشت تن از افراد موجود در پوسته شان به شکل مرموز کشته یافته شدند. گفته میشود که این افراد توسط فرد نفوذی مجاهدین در صف آنان کشته شده اند. دو روز بعد از این، حادثهء مشابهی در ولسوالی مارجه ولایت هلمند نیز رخ داد که طی آن سه تن از افراد موجود در یک پوستهء دشمن کشته یافت شدند. در همین روز ولایت هرات نیز شاهد کشته شدن یک افسر بلند رتبهء امنیت بود.

از سوی دیگر به روز سه شنبه مورخهء 13 می یک شخص نفوذی در صف دشمن یک قوماندان را همراه با سه اربکی دیگر در ولسوالی مارجه ولایت هلمند به قتل رسانیده و خود موفق به فرار شده است.

به روز چهارشنبه 14 می شهر کابل یکبار دیگر شاهد کشته شدن یک افسر اردوی اجیر در منطقه حوزهء هشتم امنیتی بود که بر اثر انفجار ماین بر موتر وی کشته شد.

به روز چهارشنبه 21 می یک قوماندان پولیس در ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار طی یک حمله استشهادی هلاک شد و ولسوال این ولسوالی شدیدا زخمی گردید. در همین روز مطبوعات در ولایت زابل و لغمان خبر کشده شدن ده اربکی و یک قوماندان را به نشر رسانیدند.

به روز جمعه موافق با 23 می آمر کشف پولیس ولایت جوزجان کشته شد و دو روز بعد از آن آمر حوزهء هشتم ولایت کندهار در یک حمله استشهادی کشته شد. جاجو از جمله پولیس های وحشی یی بود که در درندگی و حیوان صفتی خود شهرت داشت. چندی قبل وی در تجاوز بر یک خبرنگار خانم شهرت بیشتر حاصل کرد مگر ادارهء اجیر همیشه در مقابل جنایات وی نه تنها وی را جزا نمیداد بلکه مستحق مکافات می شمرد که بالاخره به تاریخ 25 می مجاهدین وی را به سزای اعمالش رسانیدند.

به تعقیب این رویداد به روز پنجشنبه 29 می مدیر امنیت ولسوالی آقچه ولایت شبرغان همراه با یک پولیس کشته شد. به فردای آن قوماندان محافظین وزیر معارف ادارهء اجیر نیز بعد از دستگیری کشته شد.

آزار، اذیت و تلفات مردم ملکی:

مردم بیچاره و مظلوم کشور همیشه مورد ظلم و ستم گوناگون افراد موجود در صف دشمن قرار گرفته اند.

رویدادهای آزار، اذیت و کشتار مردمی به دهها در ماه می رسد اما در پایان به بعضی از آنها اشاره صورت میگیرد.

به روز جمعه 2 می یک پولیس در ولایت کندز بر یک دختر ده ساله تجاوز جنسی کرده بود که دختر مذکور در حالت صحی وخیم در شفاخانه مرکزی این ولایت تحت علاج قرار داشت.

به روز چهارشنبه 14 می مردم ولایت خوست از موجودیت پولیس اجیر در لباس شخصی نگرانی خویش را ابراز کرده و آنان را مسئول آزار و اذیت مردمی می دانند. مگر از سوی دیگر مسئولین اجیر در این ولایت آنان را مسئولین امنیتی منطقه تلقی کرده اند.

به تعقیب آن به روز چهارشنه 21 می ولسوالی کامدیش ولایت نورستان شاهد بمباردمان اشغالگران بر یک مکتب بود که در نتیجه آن 5 تن از شاگردان این مکتب به شهادت رسیدند.

به روز شنبه مورخهء 31 می اجیران داخلی بالای خانه های مسکونی در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز هاوان شلیک کردند که در اثر آن سه طفل به شهادت رسید.

و در آخرین حادثهء آزار و اذیت مردمی به تاریخ 31 می عساکر نظم عامه بعد از آنکه تانک شان با ماین جابجا شده در سرک اصابت کرد مردم منطقه را مورد لت و کوب قرار داده و بالاخره دو تن را به شهادت رسانیدند. در آخر قرآن شریف را از خانه خارج کرده و با شلیک مرمی سوراخ سوراخ کردند.

در جریان ماه می اشغالگران و اجیران داخلی شان 48 تن از هموطنان بیگناه ما را شهید، 26 تن دیگر را زخمی و 23 تن دیگر را به اسارت برده اند. این علاوه بر آزار، اذیت، لت و کوب و چور و چپاول خانه های مردم بیچاره و مستضعف ما میباشد که تفصیل اینهمه را میتوان در راپور تلفات ملکی در سایت امارت اسلامی مطالعه کرد.



اختتام حملات خالد بن ولید و آغاز حملات خیبر:

به سلسله حملات موفق و پیروزمندانهء مجاهدین به روز پنجشنبه اول می مجاهدین امارت اسلامی به یکی از مستحکمترین اماکن دشمن حمله آور شده 15 عسکر را کشته و 12 تن دیگر را زخمی ساختند. این حمله فدایی که بر دروازهء اول ورودی ولایت پنجشیر انجام یافت دشمن را شدیدا نگران ساخته است. در این حمله علاوه بر تلفات ذکر شده سه عراده موتر دشمن نیز نابود گردیده است.

به روز یکشنبه 8 می امارت اسلامی بعد از اختتام عملیات پیروزمندانهء خالد بن ولید که طی آن هزاران تن از عساکر و افراد دشمن داخلی و خارجی کشته و زخمی شدند عملیات جدیدی را بنام خیبر اعلان کرد.

بر اساس راپورهای موثق در روز اول عملیات خیبر حد اقل 231 حملات کوچک و بزرگ بر مراکز و پایگاههای دشمن انجام یافت که طی آن تعداد زیادی از عساکر داخلی و خارجی کشته و زخمی شدند. علاوه بر این دشمن متحمل خسارات مالی شدید نیز گردید.

به سلسله حملات خیبر مجاهدین امارت اسلامی به روز چهارشنبه مورخهء 12 می حملات گسترده فدایی را بر ریاست عدلیه ولایت ننگرهار انجام دادند که ساعت ها ادامه یافت و در نتیجه آن حدود 20 تن از کارمندان این اداره کشته و زخمی شدند. در خبر آمده است که در اثر این حمله همهء اسناد این ریاست حریق گردیده است.

در همین روز میدان هوایی بگرام نیز مورد شلیک راکتی مجاهدین قرار گرفت که دشمن از ارائه تلفات و خسارات آن ابا ورزیده است.

به سلسله حملات خیبر مجاهدین امارت اسلامی یکبار دیگر به روز دوشنبه 26 می یک پایگاه مستحکم دشمنان داخلی را در ولسوالی جبل السراج ولایت پروان مورد حمله قرار دادند که طی آن دهها تن از افراد پولیس کشته و زخمی شده و در حدود 25 تانکر اکمالاتی اشغالگران حریق گردید. گفته میشود که این حمله چنان شدید بود که دشمن را خیلی نگران کرده بود و تا ساعت ها مخابره دشمن تقاضای ارسال افراد تازه نفس از قوماندانی امنیه ولایت می کرد.

نفوذ مجاهدین در صف دشمن و پیوستن به مجاهدین:

بر اثر نفوذ مجاهدین، تلاش های پیهم کمیسیون جلب و جذب امارت اسلامی و درک حقیقت افراد موجود در صف دشمن ماهانه دهها تن بعد از آنکه بر افراد موجود در صف ادارهء اجیر ضربات کوبنده وارد می کنند به صف مجاهدین می پیوندند. در ماه می نیز حدود 199 تن از این افراد بعد از درک حقیقت از گذشته های خود نادم شده و به صف مجاهدین پیوستند که به بعضی از این جریانات در پایان اشاره صورت می گیرد.

به روز شنبه 7 می بر اساس راپور مقام های اجیر در ولایت زابل حد اقل هشت تن از پولیس همراه با اسلحه و مهمات خویش از سنگر فرار کرده و به صف مجاهدین پیوستند.

از سوی دیگر به روز سه شنبه مورخهء 13 می یک شخص نفوذی در صف دشمن یک قوماندان را همراه با سه اربکی دیگر در ولسوالی مارجه ولایت هلمند به قتل رسانیده و خود موفق به فرار شده است.

به تعقیب این خبر به روز جمعه 16 می یک پولیس در ولسوالی ارغنداب ولایت کندهار قوماندان خویش را همراه با دو تن از افراد خانواده اش کشته و خود فرار کرده است.

در یکی از رویدادهای دیگر به روز دوشنبه 26 می دو سرباز پولیس در ولسوالی پادیخ ولایت لغمان مورد حمله افراد نفوذی در پوستهء شان قرار گرفته و کشته شدند. مقامات اجیر در این ولسوالی گفتند که اشخاص حمله کننده که چهار تن بودند بعد از کشتن این دو تن با اسلحه و مهمات خویش فرار کرده اند. سخنگوی والی این ولایت گفت که احتمال می رود حمله کنندگان افراد نفوذی طالبان در چوکات پولیس محلی باشند و پس از کشتن دو سرباز پولیس محلی دوباره به صفوف طالبان پیوسته باشند.

به روز چهارشنبه 28 می حدود 120 تن از اربکی ها در ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزگان همراه با اسلحه، مهمات و موترهای خویش منطقه را ترک کرده و به مجاهدین پیوستند. گفته میشود که این افراد بعد از درک حقیقت به صف مجاهدین پیوسته اند.

در جریان این ماه بر اساس راپورهای موثق 29 تن در فاریاب، 14 تن در ارزگان، 2 تن در زابل، 14 تن در کندهار، یکتن در وردک، 6 تن در هلمند، 11 تن در سرپل، 7 تن در فراه، 7 تن در هرات، 14 تن در پکتیکا، 3 تن در کابل، 2 تن در لوگر، 8 تن در کندز، 63 تن در ننگرهار، 5 تن در پروان، 2 تن در پکتیا، یکتن در سمنگان و 9 تن در بدخشان به صف مجاهدین پیوسته اند. این علاوه بر 120 تن اربکی یی است که در بالا ذکر شد.

تسلیم شدگان اسلحه و مهمات بدست داشته و موترهای دشمن را نیز با خود به صف مجاهدین آورده اند.

تصرف ولسوالی یمگان:

از یکسو اشغالگران و مزدروان آنان از ضعف مجاهدین و نیرومندی نیروهای شان خبر می دهند و از سوی دیگر اشغالگران پا به فرار نهاده و اجیران نیز توان مقاومت را باخته و میدان را ترک می گویند. به سلسله فتوحات مجاهدین، روز سه شنبه 21 می شاهد تصرف ولسوالی یمگان ولایت بدخشان توسط مجاهدین گردید. مجاهدین علاوه بر فتح این ولسوالی حد اقل 27 تن پولیس بشمول بعضی مقامات این ولسوالی را همچو معاون امنیت، قوماندان اربکی و رئیس محبس اسیر گرفتند که بعدا بعد از تعهد مبنی بر همکاری با مجاهدین و برائت از اجیران و اشغالگران آنان را رها کردند و ولسوالی مذکور تا کنون در تصرف مجاهدین قرار دارد.

به فردای این فتح، مقامات ولایت زابل خبر دادند که ولسوالی نوبهار این ولایت شدیدا تحت حملات مجاهدین قرار داشته و رو به سقوط است.

اظهار نفرت و انزجار:

به سلسله اظهار نفرت و انزجار مردمی در اثر ظلم و ستم اشغالگران و مزدوران داخلی آنان به روز دوشنبه 26 می مردم ولایت بدخشان در مقابل دفتر والی این ولایت جمع شده و خواهان برطرفی مقامات این ولایت شده و نفرت و انزجار خودرا در مقابل آنان اعلان کردند.

در یک رویداد مشابه دیگر به روز شنبه 31 می مردم ولایت لوگر ضمن یک گردهم آیی در پل علم مرکز این ولایت کشته شدن یکتن از افراد ملکی را توسط اربکی ها تقبیح کردند و از ادارهء اجیر خواستار مجازات اربکی ها شدند. اربکی ها نه تنها در این ولایت بلکه در سایر مناطق کشور باعث کشتن، آزار و اذیت مردمی گردیده اند اما ادارهء اجیر هیچ نوع عکس العملی در مقابل درندگی آنان نشان نمیدهد.


موتر حامل قوماندان ظالم و وحشی به نام جاجو بعد از حمله فدایی در شهر کندهار

فرار اشغالگران و اثرات جنگی بر آنان:

در جریان سالهای گذشتهء جنگ دشمن علاوه بر متحمل شدن تلفات و خسارات مالی و جانی مواجه با دیوانگی و افسردگی هزاران افراد در صف اردو و عسکر خود گردیده است. در جریان این سالها دهها راپور مبنی بر افزایش امراض روانی و دیوانگی در صف دشمن نشر گردیده است. و به همین سلسله به روز سه شنبه 13 می بر اساس راپور موسسه" Combat Stress"مشکلات روانی عساکر بریتانیایی که در افغانستان جنگیده اند به 57% افزایش یافته است. بر اساس راپور این موسسه در جریان سال 2013 میلادی حد اقل 358 تن از این عساکر جهت تداوی امراض روانی تنها به این موسسه مراجعه کرده اند. یک موسسه دیگر بنام فشار جنگ نیز خبر داده است که تا کنون 660 عسکر بریتانیایی را مورد علاج روانی قرار داده است.

در راپور این موسسات آمده است که اکنون 20% عساکر بریتانوی که در افغانستان جنگیده اند به امراض روانی و دیوانگی مبتلا اند.

به ارتباط به فرار اشغالگران بارک اوباما بعد از یک سفر دزدی و در تاریکی شب که به افغانستان داشت به روز چهارشنبه 28 می اعلان کرد که تا آخر سال 2016 در حدود ده هزار عسکر خودرا در افغانستان می گذارد و متباقی را تا آخر این سال خارج میسازد. مقامات ملکی و نظامی امریکا از این اعلان وی استقبال کردند مگر امارت اسلامی یکبار دیگر باقی ماندن اشغالگران را برای یک لحظه نیز قابل قبول ندانسته و اعلان کرد که تا خارج شدن آخرین عسکر اشغالگر جهاد ادامه خواهد داشت.

تبادلهء سران مجاهدین:

آخرین روز ماه می شاهد تبادلهء اسیران امارت اسلامی که سیزده سال را در گوانتانامو گذشتاندند با یک اسیر امریکایی نزد مجاهدین صورت گرفت. طی این تبادله پنج تن از بزرگان امارت اسلامی از این زندان رها گردیدند. امارت اسلامی رهایی سران مجاهد خودرا شرط ابتدایی برای آغاز مذاکرات با امریکا دانسته بود. قبلا امریکا از تبادلهء مجاهدین به این سبب ابا ورزیده بود که قانون اساسی این کشور تبادلهء اسیران جنگی را شدیدا ممنوع قرار میدهد. تحلیلگران سیاسی این تبادله را شکست بزرگی در موقف جنگی امریکایی و موفقیت مجاهدین در میدان سیاسی می دانند.

منابع:

سایت های خبری داخلی و خارجی، راپور ماهانهء کمیسیون جلب و جذب امارت اسلامی و راپور ماهانه کشتار افراد ملکی منشورهء سایت امارت اسلامی.

نگاهی مختصر به

عملیاتهای ماه گذشته در

فاریاب

قاری محمد یوسف احمدی

سخنگوی امارت اسلامی افغانستان

رسانه های غربی که در راس آنها از رادیوی آزادی میتوان نام برد، از موقف اندرابی یک مقام ولایت فاریاب راپور و افواهات نادرستی را به نشر رسانید که هیچ حقیقت نداشت.

وضعیت ولایت فاریاب نسبت به هرکس دیگر به باشندگان آن بهتر معلوم است، زیرا هر چیز را از نزدیک و با چشم مشاهده می کنند و بهتر میتوانند قضاوت نمایند، رسانه هایی که میخواهند درچشم مردم خاک بیندازند و به دروغ در حمایت از ادارات رژیم کابل خبرها و مصاحبه های اوباش ها را تهیه و ترتیب کنند، نمیتوانند حقائق را پنهان نمایند و نه هم به مقامات اداره‌ء فاسد کرزی مورال و روحیه داده میتوانند ، یگانه دست آورد آنها از دست دادن باور و اعتبار مردم بر نشرات انها میباشد و بس.

در عملیاتهای موفق و کامیاب مجاهدین در ولایت فاریاب تنها در جریان یک ماه گذشته ۱۲تن از قوماندانان ۴۴ تن از عساکر به هلاکت رسیده و بشمول ٦ عراده وسایط نظامی، چندین پوسته‌ء امنیتی تخریب و از بین رفته و تعداد کثیری از عساکر دشمن به هلاکت رسیدند که تفصیل انرا در ذیل مطالعه نموده میتوانید:

بتاریخ اول ماه مـــی سال جاری ۲۰۱۴ در منطقه‌ء بخار قلعه‌ء ولسوالی الմار ولایت فاریاب دو تن از عساکر به هلاکت رسید.

بتاریخ 4 این ماه در منطقه‌ء کوپروک تیمور ولسوالی المار عبدالمومن مدیر جنائی بل چراغ به قتل رسید. و در منطقه‌ء فـــزاق گرزوان در نتیجه‌ء حمله بر یک پوسته قوماندان عبدالسلام همراه با پدرش که امورات جلب و انسجام اربکی ها را تنظیم میکردند، همراه با 8 تن از عساکر به قتل رسیدند.

بتاریخ ۵ ماه مـــــی در مرکز دولت اباد ولایت فاریاب سیف الله ولد بیدل افسر قول اردوی 215 به هلاکت رسید.

بتاریخ 6 ماه می در منطقه‌ء چهار شنغو ولسوالی دولت آباد 2 تن عسکر به قتل رسیده و دو تن از قوماندانانشان زخمی شدند و در حادثه‌ء دیگر در منطقه‌ء قرغیلک بلچراغ عبدالوهاب ظفر قوماندان امنیه‌ء ولسوالی مذکور به قتل رسید.

بتاریخ ۷ در منطقه‌ء سردهی ولسوالی پشتونکوت قوماندان حبیب الله چپاو به قتل رسید و همچنین در همین روز در منطقه‌ء کوتل گرزوان پائین ، گرزوان 2 تن از قوماندانان بنامهای غلام سخی و قوماندان سخی تخاری قوماندان تولی المار و علاوتا همراه با کیکاووس 5 تن از عساکر دیگر در حمله‌ء مجاهدین کشته شدند و موترشان به غنیمت مجاهدین درامد و در حادثه‌ء دیگر یک رینجر همراه با 3 تن عسکر در مرکز چهلگزی توسط انفجار ماین کشته شدند.

بتاریخ 8 ماه مـــی در مرکز ولسوالی دولت اباد پوستهء نمبر 14 زیر حملهء مجاهدین تخریب گردیده و همچنین در ولسوالی قیصار نیز پوستهء غوره فتح گردید، علاوتا بر مقر ولسوالی قرغان حمله صورت گرفت که در ان یک عراده موتر رینجر طعمهء حریق گردیده و در یک درگیری در مرکز چهلگزی 2 عراده تانک دشمن همراه با 5 تن از عساکر دشمن کشته شدند.



تانک زیر آتش نیروهای اشغالگر— ولایت فاریاب

بتاریخ 9 ماه مـــی در منطقهء آق گذر قــــرمقل یک عراده تانک همراه با 4 عسکر مزدور دشمن در کمین مجاهدین از بین رفتند، و در منطقهء خواجه عثمان ولسوالی المار نیز بر قراره گاه دشمن حملهء مسلحانه صورت گرفت و در یک حادثهء دیگر در قلعهء بخار قومندان عبدالرحمن به قتل رسیده و یک پوستهء دشمن فتح گردید.

بتاریخ 11 ماه مـــی در منطقهء کوپروک تیمور در ولسوالی المار یک تانک همراه با 4 عسکر در نتیجهء انفجار ماین جاسازی شده از بین رفتند.

بتاریخ 12 در منطقهء بین دولینی غور و چهلگزی 3 عسکر دشمن در کمین مجاهدین به هلاکت رسیدند.

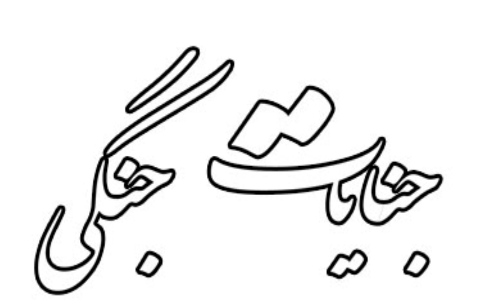
بتاریخ 15 ماه مـــی 11 قــــریه در ولسوالی بـــــندر حمایت خود را از امارت اسلامی اعلام نمودند و همچنین در یک حمله در منطقهء چهارشنبهء چهلگزی یک پوسته فتح گردید، در شیرین تگاب نیز یکتن از جاسوسان بدنام بنام سردار که به ذوالفقار شهرت داشت ، از سوی مجاهدین به قتل رسید.

بتاریخ 17 ماه مــــی 2 تن از عساکر دشمن در مرکز چهلگزی درنتیجهء کمین مجاهدین به قتل رسیدند.

بتاریخ 19 ماه مـــــی در مرکز ولسوالی گرزوان یک تانک دشمن همراه با 5 عسکر در نتیجهء انفجار ماین جاسازی شده از سوی مجاهدین به هلاکت رسیدند.

بتاریخ 20 ماه مــــــی در ولسوالی قیصار 4 تن از راهزنان و چپاولگران تحت امر ذال خان که به حمایت دولت مسلح شده بودند، به قتل رسیدند و دزدان متباقی به نزد ملیشه های دولتی فرار کردند.

بتاریخ 23 ماه مـــــی قومندان ینگتاشی برادر قومندان نجیب در ولسوالی المار به هلاکت رسید.



سید سعید

خوانندگان گرامی همچنانکه می دانید در طول دوازده سال گذشته به این سو، دشمن اشغالگر بطور روز مره بازار قتل ، کشتار و توهین به مقدسات ملت آزاد افغانستان را گرم ساخته است و با تبلیغات مذبوحانه در صدد مخفی کردن این جنایات است و با تمام قدرت مالی و تبلیغاتی و سیاسی خویش مجاهدین را متهم به این جنایت می کند ، بناء ما تلاش کردیم تا گوشه ای از این جنایات را که در طول ماه های فبروری و مارچ توسط این جنایت کاران صورت گرفته است از رسانه های آزاد گرد آوری نموده و خدمت شما تقدیم کنیم تا حقیقت آنچه در افغانستان به وقوع می پیوندند برای همه آشکار شده و چهرهٔ مکروه و زشت این مدعیان حقوق بشر برای همه واضح و عیان شود .

اپریل و می ۲۰۱٤ میلادی

بتاریخ اول ماه آپریل (2014میلادی) ملیشه های اربکی در ولسوالی بالابلوک ولایت فراه چهارتن از مردم ملکی منطقه را شهید و زخمی کردند و تعداد کثیری را شکنجه کردند.

بتاریخ 2 آپریل عساکر اجیر داخلی در ولسوالی شاه جوی ولایت زابل تعداد کثیری از دوکانداران را لت و کوب نموده و 5 تن را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 4 آپریل ملیشه های اربکی در منطقهء شوخی در مربوطات مرکز ولایت کاپیسا، خانه های مردم ملکی را تلاشی کرده و 12 تن ازباشندگان منطقه را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 4آپریل در قریهء سیدان مشان در ولسوالی پنجوائی ولایت قندهار ملیشه های اربکی یک فرد ملکی بنام فیض الله آغا را به شهادت رساندند.

بتاریخ 5 آپریل در منطقهء کوکجر در ولسوالی حضرت سلطان ولایت سمنگان عساکر مزدور داخلی در هنگام تلاشی خانه ها 2 فرد ملکی را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 7 آپریل عساکر اشغالگر در قریهء جاوکو ولسوالی گیرو ولایت غزنی یک فرد ملکی را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 7 آپریل در نتیجهء فیر هاوان عساکر اجیر داخلی در منطقهء گرانی ولسوالی بالابلوک ولایت فراه یک زن شهید و یک زن دیگر زخمی گردید.

بتاریخ 8 آپریل عساکر اجیر داخلی بر موتر 303 در بازار ولسوالی دلارام ولایت نیمروز فیر نموده که در نتیجه یکتن از هموطنان ما شهید و دو تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 8 آپریل در منطقهء انگرک ولسوالی نوزاد ولایت هلمند در نتیجهء فیر مرمی هاوان که بر یک مسجد اصابت نموده است، دو تن از نمازگذاران شهید و دو تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 9 آپریل عساکر اشغالگر در قلعهء بودنهء ولسوالی شولگره ولایت بلخ در نتیجهء چاپه و تلاشی خانه های مردم سه تن از افراد ملکی را دستگیر نموده و با خود برده اند.

بتاریخ 10 آپریل در منطقهء سره بغل ولسوالی میوند ولایت قندهار در نتیجهء بمباران کور کورانهء قوتهای اشغالگر سه تن از افراد ملکی شهید گردیدند.

بتاریخ 11 آپریل نیروهای اشغالگر بر یک خانه در منطقهء گل بازار، باری در ولسوالی نادعلی ولایت هلمند چاپه انداخته و یک فرد ملکی را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ 12 آپریل عساکر اجیر داخلی در منطقهء قلعهء نو ولسوالی چرخ ولایت لوگر در هنگام چاپه بر خانه های مردم، زیانهای سنگینی به انها وارد کرده و همچنین 4 تن را دستگیر کرده و با خود برده اند، که بعد از انتقال انها به مراکز خود ، افراد زندانی را به شدت لت و کوب کرده اند که یکتن بنام علی احمد در نتیجهء شکنجه به شهادت رسید.

بتاریخ 12 آپریل در منطقهء دوشتان کاریز در ولسوالی سنگین ولایت هلمند عساکر اشغالگر خارجی سه تن از افراد ملکی را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ 14 آپریل در ولسوالی شملزو درولایت زابل عساکر اجیر داخلی دو فرد ملکی را مظلومانه به شهادت رساندند.

بتاریخ 14 آپریل عساکر اجیر داخلی در منطقهء سپیر کوندی در ولسوالی سروبی ولایت کابل چاپه زده و در نتیجهء آن یک فرد ملکی رابه شهادت رساندند و علاوتا در هنگام تلاشی خانه ها ، پول نقد و زیورآلات زنان را با خود برده اند.

بتاریخ 15 آپریل قوتهای اشغالگر خارجی یک میزائل را بر منطقهء میرگوری، زنی خیل در ولسوالی نادرشاه کوت ولایت خوست فیر کردند که در نتیجه دو کودک و یک زن به شهادت رسیدند، حادثهء مذکور را (مبارز زدران) سخنگوی والی نامنهاد حکومت کابل نیز تائید کرده است.

بتاریخ 16 آپریل اشغالگران خارجی در منطقهء خاخیل ولسوالی گردی سیری ولایت پکتیا بر خانه های مردم چاپه زده و یک زن و یک مرد را به شهادت رساندند.

بتاریخ 17 آپریل قوتهای اشغالگر بر قریهء لاچی خیل، تنگی دره ولسوالی سید اباد ولایت میدان وردگ چاپه زده و در هنگام تلاشی منازل زیانهای زیادی به مردم وارد کرده و علاوتا یک تن را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ 19 آپریل قومندان اربکی ها بنام ارباب خوشحال در منطقهء سوم لاله میدان در ولسوالی علی اباد ولایت قندوز یک تن از افراد محل بنام محمدشفا را به جرم ارتباط با مجاهدین شب هنگام از خانه بیرون کرده و به شهادت رسانده است.

بتاریخ 21آپریل ملیشه های اربکی در قریه های زغن، قلعهء نیازبیک و آق دره در ولسوالی پشتون کوت ولایت فاریاب تلفات جانی و مالی سنگینی به مردم محل وارد کردند، به استناد گفته های باشندگان محل اربکی ها بخاطر انتقام هلاکت یک قومندان خود بنام عطا محمد ، شانزده (16)تن از مردم ملکی (مفتی محمد اصف و مولوی اسدالله همراه با 4 تن از متعلمین و 10تن از زنان و کودکان و محاسن سفیدان) را به شهادت رسانده و همچنین اربکی ها بیش از 40 خانه را اول چور و چپاول نموده و بعدا به آتش کشیدند.

بتاریخ 21 آپریل عساکر مزدور داخلی در منطقهء قلعهء بابا در ولسوالی چک ولایت میدان وردگ یک فرد ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ 21آپریل قوتهای اشغالگر در سلسلهء عملیات شبانه در منطقهء سیدان در مربوطات مرکزولایت لوگر ملا امام مولوی جلیل را به شهادت رسانده و یک باشندهء قریه را دستگیر کردند، علاوتا اشغالگران در هنگام تلاشی زیانهای مالی را به مردم وارد کرده و تعدادی را لت و کوب کرده اند.

بتاریخ 21 آپریل عساکر اشغالگر در منطقهء قلعهء دلاور در ولسوالی برکی برک یک فرد ملکی را شهید کرده و یکتن دیگر را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 22آپریل قوتهای اشغالگر خارجی در مربوطات پل علم مرکز ولایت لوگر در هنگام چاپه یکتن محصل را شهید و یکتن دیگر را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 23 آپریل در قریهء کامدیش ولسوالی کامدیش ولایت نورستان ماینی که اربکی ها کارگذاشته بودند را انفجار کرده ویک زن شهید گردید.

بتاریخ 24 آپریل در نتیجهء حملهء طیارهء درون اشغالگران خارجی در منطقهء کنجک ولسوالی موسی قلعهء ولایت هلمند یک فرد ملکی (حاجی فیض الله) شهید گردید.

بتاریخ 27 آپریل عساکر اشغالگر در منطقهء قلعهء چهارکلا در ولسوالی زرمت ولایت پکتیا درهنگام چاپه یک فرد ملکی را شهید و یکتن دیگر را زخمی کردند.

بتاریخ 28آپریل در نتیجهء فیر مرمی هاوان عساکر اجیر داخلی که بر منطقهء چوک مجید در ولسوالی سنگین ولایت هلمند اصابت کرد ، دو کودک خوردسال شهید گردیده و دو زن زخمی شدند.

بتاریخ 29آپریل قوتهای اشغالگر خارجی بر قریهء صالح در منطقهء افغانیه در ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا بمباران نموده که در نتیجه خانهء فیض محمد تخریب گردید و بشمول شهادت یک کودک سه ساله ، 5 زن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 29 آپریل عساکر مزدور رژیم کابل به سرکردگی داکتر ابراهیم سه تن از افراد ملکی را در منطقهء اوده تای ولسوالی تیوره ولایت غور به شهادت رسانده و 5تن دیگر را زخمی کردند، آنها همچنین یکتعداد از مردم ملکی را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 29 آپریل ملیشه های اربکی در منطقهء اندر ولسوالی علیشنگ ولایت لغمان دو فرد ملکی را به اتهام ارتباط خویشاوندی با مجاهدین به شهادت رساندند، بعد از ان هنگامی که مردم محل اجساد شهدا را انتقال میدادند، اربکی در کمین بوده و بر مردم فیر نمودند که در نتیجه دو دیگر شهید شدند.



بتاریخ اول ماه مـــی سال 2014 میلادی درنتیجهء انداخت هاوان بر قریهء تورخیل ولسوالی نکی ولایت پکتیکا از سوی عساکر اجیر داخلی 6 تن از کودکان زخمی شدند.

بتاریخ 2 ماه مـــی در نتیجهء انداخت هاوان و گائیز در مناطق مختلف (پردل، بالایر، چمبران و قریه های دیگر ولسوالی گیلان ولایت غزنی که در هنگام جنگ و درگیری با مجاهدین استعمال می کردند، زیانهای سنگین و شدید جانی و مالی به مردم محل وارد کرده و بر اساس راپورهای ارسالی در این انداخت ها 21 تن از مردم ملکی زخمی و 2 تن دیگر شهید گردیده اند.

بتاریخ 2 مـــی اربکی ها ملا امام (مولوی صاحب عبدالرحمن) را در منطقهء خانتیپه ولسوالی قرقین ولایت جوزجان به شهادت رساندند.

بتاریخ 2 ماه مـــی ملیشه های منفور اربکی در قریهء مانکو ولسوالی مقر ولایت غزنی یک فرد ملکی بنام شیراحمد را به شهادت رساندند، بر اساس گفته های مردم محل این فرد که اکنون جسدش یافت شده است ، چندی قبل اربکی ها برای گرفتن پول اختطاف کرده بودند و خواهان دریافت ده لک افغانی در بدل رهایی اش بودند.

بتاریخ 4 مـــی در منطقهء گنج آباد ولسوالی بالابلوک ولایت فـــراه عساکر اجیر داخلی یک کودک را زخمی کردند.

بتاریخ 5 مـــی در منطقهء چهاردهء ولسوالی سنگین ولایت هلمند عساکر داخلی بعد از درگیری با مجاهدین ، 25 تن از مردم ملکی را از خانه هایشان بیرون کرده و آنها را بقدری لت و کوب کرده اند که سرها و دست های بسیاری شکسته اند.

بتاریخ 6 مـــی در منطقهء پای حصار ولسوالی تیوره ولایت غزنی اربکی های وحشی یک فرد ملکی را به اتهام ارتباط با مجاهدین به شهادت رساندند.

بتاریخ 11 مـــی عساکر حوزهء دهم شهر قندهار یک نوجوان که با شخص دیگری دعوا کرده بود، بعد از پولیس اجیر او را از خانه اش در کارتهء معلمین بیرون کرده و بعد چند روز جسدش به خانه اش تحویل داده شد، مردم در اعتراض به این عمل پولیس اجیر، جسد مقتول را به مقابل قومندانی امنیهء برده و خواهان محاکمهء پولیس قاتل شدند. قابل یادآوری است که در این اواخر در مربوطات ولایت قندهار اینگونه حوادث از سوی نیروهای امنیتی و پولیس به شدت افزایش یافته است که باشندگان شهر چندین بار اعتراضات و مظاهرات انجام داده اند، اما مقامات حکومت اجیر کابل کدام واکنشی نشان نداده اند.

بتاریخ 11 مـــی در قریهء شهید عزیزالله ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز در نتیجهء انداخت هاوان از سوی عساکر اجیر داخلی یک زن شهید و دو کودک و یک زن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 12 مـــی در نتیجهء حملهء طیاره درون (بی پیلوت) اشغالگران خارجی در منطقهء تخت منظر ولسوالی فراه رود ولایت فـــراه 4 تن از هموطنان ملکی ما به شهادت رسیدند.

بتاریخ 13 مـــی در منطقهء نانـــی ولسوالی شلگـــر ولایت غـــزنی بر یک مدرسهء بزرگ در سطح منطقه (مدرسهء نورالمدارس) حملات و انداخت های هاوان نموده که در نتیجه یک طالب العلم مدرسه زخمی گردید.

بتاریخ 13 مـــی در ولسوالی قیصار ولایت فاریاب یکی از عساکر پوسته که در حال نشه بود، بر یک موتر مسافرین فیـــر نمود و یک کودک خردسال را به شهادت رسانده و دو تن دیگر را زخمی کرد.

بتاریخ 14 مـــی در منطقهء ساو ولسوالی نـــاری ولایت کنـــر در نتیجهء بمباری اشغالگران خارجی دو فرد ملکی که حال رفتن به قریه بودند را به شهادت رساندند.

بتاریخ 14 مـــی در مناطق ککر و تتنگه ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار در هنگام چاپهء اشغالگران تجاوزگر یک فرد ملکی به شهادت رسیده و سه تن دیگر زخمی شدند، همچنین انها یکتن فرد ملکی را نیز دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ 14 مـــی در منطقهء لوکات ولسوالی علینـــگار ولایت لغـــمان در نتیجهء انداخت و فیر هاوان عساکر اجیر داخلی یک فرد ملکی به شهادت رسیده و یکتن دیگر زخمی گردید.

بتاریخ 15 مــی در نتیجهء حمله و فیر عساکر اجیر داخلی بر مردم ملکی در منطقهء استرب ولسوالی وردوج ولایت بدخشان یک فرد ملکی به شهادت رسید.

بتاریخ 16 مــی اربکی ها یک فرد ملکی بنام غلام سخی را در قریهء کنصف ولسوالی شلگر ولایت غزنی را شکنجه و لت و کوب کردند و بعدا او را در قریهء منار به شهادت رساندند.

بتاریخ 18 مــی مرمی های هاوان فیر شده از سوی عساکر اجیر داخلی بر قریهء گمبیل ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار اصابت نموده است که در نتیجه یک کودک به شهادت رسیده و دو تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 18 مــی در نتیجهء فیرهای عساکر اجیر داخلی در قریهء حاجی نعیم ولسوای دشت ارچی ولایت قندوز یک زن به شهادت رسید.

بتاریخ 18 مــی ملیشه های منفور اربکی در قریهء شبار سیدان ولسوالی شاه جوی والایت زابل یک فرد ملکی بنام سید عالم که در در حال کشت و کار در زمین خود بود، را به شهادت رساندند.

بتاریخ 19 مــی در هنگام چاپهء مشترک عساکر اشغالگر خارجی و عساکر اجیر داخلی تعداد کثیری از مردم ملکی در قریهء جلالــزو ولسوالی نوبهار ولایت زابل شکنجه و لت و کوب شده اند.

بتاریخ 20 مــی یک مرمی هاوان که عساکر اجیر کابل بر قریهء بارکزی در منطقهء ماندهء چرخکیان ولسوالی سنگین ولایت هلمند فیر کرده بودند ، بر یک خانه اصابت کرده و در نتیجه سه تن از هموطنان ما به شهادت رسیدند.

بتاریخ 21 مــی ملیشه های منفور و وحشی اربکی دو تن از مردم ملکی بنامهای فتح محمد و الله نظر را در منطقهء کنصف ولسوالی شلگر ولایت غزنی ، از خانه هایشان بیرون کرده و بعد از لت و کوب به شهادت رسانده اند، بر اساس گفته های مردم محل ، ملیش های اربکی بعد از حادثه ، اعضای خانوادهء این دو تن را از خانه هایشان بیرون کرده و در ان حولی ها برای خود پوسته ایجاد کرده اند.

بتاریخ 21 مــی در نتیجهء بمباری اشغالگران خارجی بر منطقهء پتیگل ولسوالی کامدیش ولایت نورستان 5 تن از شاگردان یک مکتب به شهادت رسیدند.

بتاریخ 22 مــی در منطقهء نوی کوهی ولسوالی زرمت ولایت پکتیا عساکر اجیر رژیم کابل یک کودک را به شهادت رساندند.

بتاریخ 23 مــی عساکر اشغالگر در مناطق ابراهیم زی و قلعهء معاذ ولسوالی شلگر ولایت غزنی 5 تن از هموطنان ملکی را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 23 مــی در مربوطات ولسوالی شاه جوی والایت زابل اشغالگران خارجی 4 تن از کوچی ها را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 24 مــی عساکر اجیر داخلی در قریهء پانکیلی ولسوالی سنگین ولایت هلمند تمامی باشندگان قریه های پیر مولوی صاحب ، حبیب الله و حاجی محمد را بزور از خانه هایشان بیرون کرده و مجبور به کوچ کردن از محل کردند، و بعد از ان تمام خانه هایی که در امتداد سرک این ولسوالی از منطقهء ماندهء چرخکی ها تا پیچ حاجی فتح محمد ساکن بودند را خبر داده اند که تا فردای انروز از این منطقه کوچ کنند و محل را ترک کنند.

بتاریخ 26 مــی در منطقهء سورکی ولسوالی زرمت ولایت پکتیا ، عساکر اجیر رژیم کابل در هنگام چاپه 3 تن از هموطنان ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ 28 مــی عساکر اشغالگر خارجی در هنگام عملیات شبانه در قریهء پردل ولسوالی گیلان ولایت غزنی 9 تن از مردم ملکی قریه را دستگیر و با خود برده اند.

بتاریخ 28 مــی هاوانی که از سوی عساکر داخلی فیر گردیده بود ، در بازار ولسوالی آله سای ولایت کاپیسا اصابت کرد که در نتیجه یک کودک شهید و 6 تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 29 ملیشه های اربکی در انتقام و اتهام به قتل قومندان نصرو (قومندان اربکی ها) در سلطان ناوه ولسوالی خاص ارزگان ولایت ارزوگان 4 تن از مردم ملکی را دستگیر و یکتن از انان در نتیجهء لت و کوب و شکنجه به شهادت رسیده است.

بتاریخ 29 مــی اشغالگران خارجی در سلسلهء چاپه ها در مناطق چهارده بیله و مشوانی ولسوالی بتی کوت ولایت ننگرهار یکتن از افراد ملکی را به شهادت رسانده و در هنگام تلاشی منازل زیانهای سنگین مالی به انها وارد کرده است.

بتاریخ 30 مــی در منطقهء قلب سیل ولسوالی خوگیانی ولایت غزنی در نتیجهء حملات توپخانه ای عساکر اشغالگر امریکائی دو تن از زنان به شهادت رسیدند.

بتاریخ 30 مــی در منطقهء دهزکی ولسوالی بالابلوک ولایت فـــراه، عساکر اجیر رژیم کابل یک کودک دوازده ساله را به شهادت رساندند.

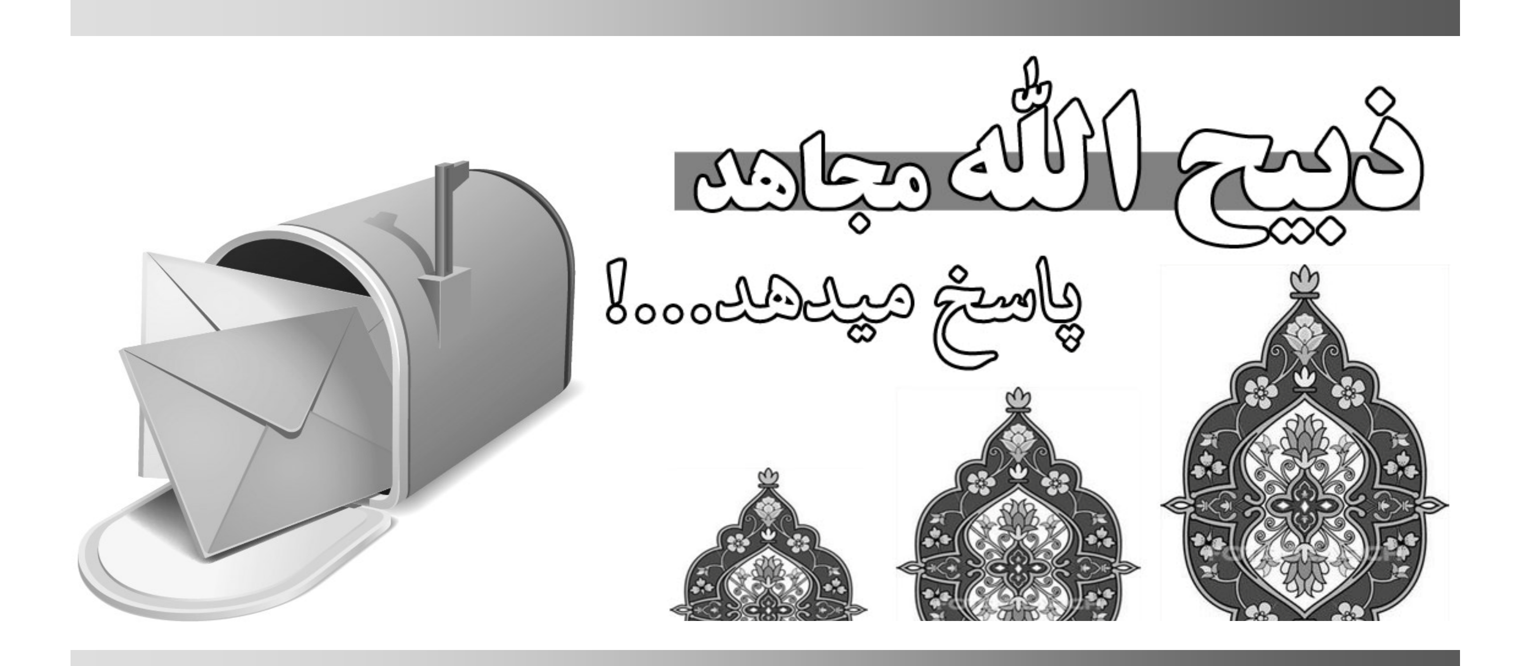
بتاریخ 31 مـــی در مناطق پل نورمحمد خان و ارباب سید رحیم ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز در نتیجهء انداخت و فیر مرمی های هاوان 3 کودک خردسال به شهادت رسیدند.

بتاریخ 31 مـــی در منطقهء آزاد خیل ، هفت آسیاب ولسوالی سید اباد ولایت میدان وردگ بعد از انکه یک تانک نظم عامه بواسطه انفجار ماین از بین رفته و تخریب گردید، این عساکر تعدادکثیری از مردم ملکی محل را دستگیر و لت و کوب کردند که دوتن از هموطنان ملکی بنام های مارزک و ثمر گل در نتیجهء لت و کوب به شهادت رسیدند. همچنین عساکر در هنگام تلاشی منازل ، قران کریم را از یک خانه بیرون اورده و با مرمی پاره پاره کردند.

انا لله و انا الیه راجعون

مراجع :

(رادیوی بي بي سي ،ازادي ، آژانس اسلامی افغان ، پژواک ،ویب سایت خبریال ،لراوبر، نن ټکی اسیا-سایت خبری و بینوا)



السلام علیک ورحمت الله و برکاته برادر محترم ذبیح الله مجاهد سوال من این است که این جنگ افغانستان بزرگترین کشور های دنیا از نگاه اقتصادی را تقریبا به زانو در آورده طالبان چگونه بدون داشتن کدام عاید مستقیم توانستند که تقریبا در این جنگ برنده شوند و بودیجه را که مصرف میکنند از کدام منبع و مرجع بدست می آورند؟

والسلام

برادر شما از ولایت سرپل

پاسخ ـ وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته ! جنگ طالبان ومجاهدین جهاد است ، همه ملتهای مظلوم جهان وملت افغانستان اعم از تاجران کشور ،زمین داران وسائرسرمایه داران کشور با امارت اسلامی افغانستان از لحاظ پولی همکاری می نمایند ، ودر بعضی ازنقاط کشور منابع عایداتي کشورهم تحت تصرف مجاهدین است که این همه جمع میشوند و منبع مالی وحمایوی امارت اسلامی را تشکیل میدهد ، دیگر اینکه مجاهدین مصارف گزاف هم ندارند، درصفوف مجاهدین ضرورت به لوژیستیک نیست زیرا همه مردم مجاهدکشورما هرغذای که برای خوردن خود دارند همان را به مجاهدین هم درمناطق خود میدهند ، همچنان مجاهدین امارت اسلامی ضرورت به البسه ندارند ،زیرا هرمجاهد لباس شخصی خود را به تن دارد،ازآن استفاده میکنند وهمان درجهاد کفایت میکند ، مجاهدین امارت اسلامی دراجرای عملیات های نظامی هم مصار ف زیاد ندارند ، زیرا اسلحه زمان جهاد روسها هنوز هم درهرنقطه کشور وجود دارد ، که قبلا مجاهدین آنرابخاطرهمین جهاد درآغاز تجاوز امریکا ذخیره نموده بودند که فعلاً ازهمان استفاده صورت میگرد ،واکثرماین های زمینی وواسکتهای فدایی یا موترهای حملات استشهادی را مجاهدین درخانه های خود دست ساز می سازند وموادی هم که درآن استفاده میشود به قیمت ارزان به دست مجاهدین می رسد ، پس مصارف مجاهدین به مثابه دشمن ۰,۰۱ فیصد هم نیست ، واین که امارت اسلامی کفار دنیارا با همه اسلحه واقتصاد آنها به زانو در آورده است ،من گفته میتوانم که (هذامن فضل ربي) این مرحمت ونصرت خداوند متعال است که بامجاهدین همراه است وهمه مسلمانان به نصرت خداوندمتعال عقیده وباور دارند.

تشکر

جناب مجاهد صاحب احترامات تقدیم است

محترما سوال من این است که آیا امارت اسلامی افغانستان دربرابرکارمندان ملکی نظام کنونی درکشورموضع مشخص دارند ویاخیر؟ به این مفهوم که اگرشخصی به عنوان کارمند دریک اداره افغانستان کارمیکند و بعدا به دست نیروهای امارت اسلامی دستیگرمیشود درمقابل وی چه کاری صورت خواهد گرفت؟

باعرض حرمت

آزادزوی

پاسخ ـ برادرمحترم ما دراین مورد قبلا هم موقف خویش را ابراز داشته ایم ، اینکه اداره کابل توسط بیگانه ها به زور بمباردمان برملت ما تحمیل گردیده و همه کارکردگی های این اداره به نفع اشغال کشور وضد مجاهدین ومبارزین راه آزادی صورت میگیرد پس کار کردن درچنین نظام روی ملحوظات اسلامی جایز نیست ، البته بازهم اگرکدام کارمند دولتی به اسارت مجاهدین درآمد طبعا که روی فیصله محکمه اسلامی نسبت به ثقل وخفت جرم ،کار وفعالیت آنها در اداره کابل با وی معامله صورت خواهد گرفت ،ما دراین راستا از تأمین عدالت شرعی مطمئن هستیم .

تشکر

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محترم ورور ذبیح الله مجاهد صیب الله دي تاسو ته دیر اجرونه در به برخه کري

وروره زه نه شم کولاي به عملي جهاد کي برخه واخلم زکه جي زه یوم شرعي عذر لرم او نشم کولاي جي ددير وخت لباره به بل زاي کي أوسم زه یوه غوشتنه لرم وروره زما آرزو ده که جیرته به عملي جهاد کي برخه نشم أخیستلاي نو غوارم به إعلامي جبهه کي تاسو سره مرسته وکرم کیداي شي الله تعالی به دا ماته به جهاد کي وشمیري وروره زه به عربي زبه بوهیزم ستاسو د عربي نري خبرونه دیر کم خبروي الله زه کولاي شم جي تاسو ته د عربي نري خبرونه روزمره راجمع کرم او تاسو یي نشر کري أو یا یي زه وکولاي شم نشر کرم وروره زکه جي زه عربي إعلام دیر زیات کورم او زان د هغوي له حاله خبروم وروره که زما به دي غوشتنه لک فکر وکري ستاسو مجاهد

ورور محمد مهاجر

والسلام علیکم

ستاسو د کامیابي په هیله

ځواب ـ محترم ورور محمد مهاجر صیب وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته !

داچې تاسو په اعلامی او مطبوعاتی جهاد کې زموږ سره دمرستې تکل لرې ډیره مننه کوم زه به ستاسو آدرس داسلامی امارت دفرهنګی کمیسیون داړیکو مرکزته راجع کړم او هیله کوم چې هغوي به ستاسو سره دمرستې کولو برخې او شرائط تول شریک کړي او په هره برخه کې چې تاسو ته آسانه وه په هم هغه برخه کې به له تاسو نه مرسته غواړي او همیشنۍ رابطه مو دمطبوعاتی کارکونکو ملګرو سره وي . ډیره مننه

جناب مجاهد صا حب ! طوریکه هر روز از رسانه هاي داخلي و خارجي میشنویم که میگویند طالبان و مجاهدین یکي از مهره هاي آي اس آي پاکستان هستند و به گفته حکومت پاکستان و شبکه جاسوسي آي اس آي کار میکنند و طالبان اصلاً افغاني نیستند بلکه دشمنان افغانستان یعني پاکستاني هستند این حرف تا چقدر واقعیت دارد ؟ از توجه شما سپاسگذارم .

پاسخ ـ برادرمحترم ! ما وشما باید متوجه باشیم که بسیاری از رسانه های که مجاهدین را به کشورهای بیگانه ارتباط میدهند همان رسانه ها در اصل خود یک چینل وابسته به خارجی ها بوده وکوشیده اند که افراد اصیل جامعه ما را به نامهای گوناگون توسط تبلیغات خود بدنام بسازند وبخاطر بدنام نمودن افراد، این کارکه آنهارا آله دست بیگانه ها تلقی کنند درجامعه افغانی وسیله خوبی است ، زیرا مردم افغانستان حساسیت خاصی دربرابر افراد وابسته به استخبارات خارجی دارند ، پس روی همین اصل کوشیده اند که مجاهدین فعلي را وابسته به کشورهای بیگانه بدانند وهمچنان همه دست آوردهای بزرگ ملت مارا محصول دست های بیگانه تلقی نمایندکه این خود یک جفای بزرگ به تاریخ وشهامت ملت مامیباشد،مگرملت ما باید متوجه باشد که تبلیغات سوء ازطرف دشمن به لسان دشمن درعقب انبیاء علیهم السلام هم صورت میگرفت ولی انبیاء علیهم السلام دربرابراین تبلیغات درضمن پاسخهای مثبت خویش شکیبایی راهم ازخود نشان میدادند که درنتیجه ء شکیبای تصویر اصلی مردان حق به همه امت ها واضح میشود ،ماهم من حیث اتباع پیامبربزرگ اسلام صلی الله علیه وسلم باید دربرابر این چنین تبلیغات بدنام کننده شکیبایی داشته باشیم وواقعیت هارا به همه مردم ان شاءالله تاریخ و زمان بسیار خوب واضح خواهد ساخت که کیها دست نشاندهء بیگانه اند وکیها فرزندان اصیل این کشور، واین راهم باید روشن سازیم که امارت اسلامي را فعلاً دوستان ودشمنان آنها به گونه خوب می شناسند وفکرنمیکنم کسانی که مطالعه ء ازدین و دانش اسلامی دارند دراین امرخفایی داشته باشند که طالبان کیها اند .

تشکر



بوبرګډال هغه امریکايي ضابط وو چې پنځه کاله وړاندې دافغانستان په پکتیکا ولایت کې د اسلامي امارت د مجاهدینو د یوه عملیاتي ګروپ له لوري په پوره مهارت سره په داسې حال کې ونیول شو چې له خپلې قرارګاه دباندې را وتلی وو .

برګډال چې دامریکايي وحشي پوځ یو ضابط وو او له نوم سره یې اوس هر څوک آشنا دی له نژدې څخه یې دځان او خپلوملګرو هغه وحشتونه چې پر افغان ولس یې کول په وار وار په خپلو سترګو لیدلي و دا فکر کاوو چې نور مې دژوند یو ستړی پړاو پیل شو .

ځکه دوی له افغان بندیانوسره هغه که په داخل دافغانستان کې ول لکه باګرام او قندهار او که په ګوانتانامو کې ول هغه څه کول چې دانسانیت په تاریخ کې چا نه لیدلي وو او نه یې اوریدلي وو حتی امریکايي سر غنه جورج بوش ، بارک اوباما او پاپانو یې دوی دجنګي بندیانو له لیست نه هم وایستل دا ددې لپاره چې که دوی ور سره هر راز غیر انساني سلوک کاوو نو دوی به یې کولای شي او څوک به ورته دا نه وایي چې ولې ؟

دا ټول هغه څه ول چې دامریکایي ضابط برګډال حواس یې مختل کړل بل داچې هغه چا چې دی یې دافغانستان خاورې ته دناموجهې جګړې په موخه مرش کړی وو هم ورته دا دازادۍ غوښتونکي ځوانان داسي ورښودلي وو چې ده ورته اصلا دانسانانو په ستر ګه نه کتل نو ضرور به یې دیوه سترې تعذیبي ژوند اټکل کاوو، خو...

خودلته هر څه بر عکس وو هغه څوک چې ددوی خلاف یې دخپل هیواد دازادۍ او دیوه سوچه اسلامي نظام دپلي کیدلو لپاره په مبارزه بوخت دي مکمل له هغو سر توپیر لري چې ده ورته دخیال مزي غځولي وو دلته عدالت وو، مینه وه، سړیتوب وو، رحم او عاطفه وه، یو قانون موجود وو ، دلته دیوه داسي دین پیروي کیدله چې ور کي دهر چا او هرشي حقوق ښودل شوی ووؤ دلته یوازي او یوازي دبر تری معیار تقوا وه او بس .

نو همداوو چې برګډال له پنځه کاله تیریدلو هغه څه زده کړل چې په بل ځای کي یې په کلونو کلونو نه شوای اوریدلای څه معنا دا چې یابه یې زده کول او یا به هم ورڅخه متأثر کیده .

دمجاهدینو ژوند او ګوزاره له ده سره پوره داسلامي لارښوونو په چوکات کي وه هیڅ کله یې هم دنومووړي ته دا حساس ورنکړ چې ته یو بندي یې په خوراک ،څښاک، اعاشه او اباته کي یې هم له ټولو هغو امکاناتو برخمن کړی وو چې ده ورته ضرورت درلود حتی چې دځان په نسبت یې ووده ته توجه زیاته وه هم به یې په عامو مجالسو کي ورسره اشتراک کاوو او هم به یې په لوبو او نښه ویشتلو کي .

امریکا چې داسلام له نور نه په ویره کي دي ویریدل چې هسي نه چې برګډال مسلمان شوی وي او دتسلیمي په جریان کي دي داسي څه وکړي چې هغه زموږ په مرګ تمام شي نو یې مخکي له دینه چې والوتکې ته یې وخیژوي ،ښه سم تالاشي کړ چې دا پخپل ذات کي پر هغه نه باور او ورته له قانوني پلوه سپکاوی ګڼل کیږي .

نو هر کله چې له نوموړي سره داسي یو انساني چلند کیدو نو طبعا دده په فکر او اراده کي به بدلون را ځي نور که نوي دا خو به ضرور وایي چې له ماسره دبند په موده کي ډیر ښه انساني چلند شوی دی .

خو دا او دې ته ورته ټول هغه کلمات دي چې امریکا نه غواړي چې ور څخه وایي وري نو یې ددې لپاره چې دپاپانو دتبلیغ په مټ یې له داسي څرګندونو نه ذهن ور ووینځي له امریکا دباندي یې په یوه امریکا اډه کي کي وساتو چې ترڅو ددوی په فکر سم شوی نه وي کورته به یې نه ور ولي امریکایان کوښښ کوي دنوموړي ماغزه په غلطو تبلیغاتو او خبرو سره ورومینځي او له مجاهدینو څخه اخیستی دیني تأثر یې له منځه یوسي ، خو موږ باور لرو چې له ده سره دامارت دمجاهدینو انساني چلند به هیڅ کله هم نه دتبلیغاتو په مټ پیکه کړي نه هم پر(برګډال) باندي دفشارونو له لارې .

پاتې په ۲۰ مخ کې

عملیات خیبر پاسخی

بر آخرین دست و پا زدن های آمریکا

ابو طیب جوزجانی

قرار بود نتایج نهایی انتخابات دروغین ونام نهاد در بیست و چار ثور سال روان اعلام شود اما بگونۀ مرموزی اعلام آن به تعویق افتاد وگزارش شده که تدویر درامه ننگین انتخابات به دور دوم کشیده شده ودر عین حال عبد الله که یکی از نامزدان انتخابات خود ساخته است با سفیر امریکا در کابل به مدت سه ساعت در پشت درهای بسته ملاقات نموده است و از جزییات این نشست هیچ کسی مطلع نشده است ودقایقی بعد از انتشار این گزارش فاضل سنچارکی سخنگوی ائتلاف شمال...... خبر پیوستن زلمی رسول با عبدالله را منتشر ساخت.

اگر عمیقانه نگاهی به واقعیت ها وجریاناتی که در حال حاضر در افغانستان جریان دارند بیفکنیم کاملا متوجه می شویم که این ائتلاف های نامیمون و نامقدس در حقیقت تافته های تارو پود های نا متجانس اند که بافندۀ اصلی آنها، امریکای شکست خورده می باشد و امریکا وهم پیمانانش در حال عبور از آخرین لحظات عمرشان در افغانستان می باشند و با این شیوه های بی رحمی و قساوت قصد دارند سرنوشت ملتی که در طول سیزده سال گذشته تهاجم همه جانبه و زهر آگین غر بی ها را تنفس نموده است و از دست ظلم و جور اشغالگران و اجیران آنها نفس راحتی نکشیده است با تغییر سبک و متد مملوء از جراثیم، رنج واندوه این ملت را همچنان تمدید نمایند و در همین راستا، گاهی اشرف غنی را تبلیغ می کنند که نماد اسلام ستیزی محض است و گاهی هم عبد الله را که در منسلک شدن در بردگی وغلامیت آمریکا شب وروز مصروف است و دشمنان بدین گونه میخواهند شکست فاحش و افتضاح بین المللی شان را جبران نمایند.

ملت شریف افغانستان باید بداند که انتخابات از قبل پلان گزاری شده است و رفتن به دور دوم یک نمایشی بیش نیست همه این کارها دسیسۀ های دشمنان است، و در تمام ابعاد آن دسایس دست پنهان کاخ سفید هویداست؛ از جمله اعترافات واظهارات به اصطلاح وکیل های ادارۀ مزدور بصراحت گواهی میدهند که انتخابات یعنی یک نمایش گاه غربی ها که در آن، به اعمال منافی ارزش های انسانی ومعیارهای ضد اخلاقی توسل می جویند؛ حتی مسؤلین ادارۀ که بنام کمسیون مستقل انتخابات در خدمت غربی ها قرار دارد بخاطر راه یافتن وکیل ها در پست های شوراهای ولایتی از هیچ جنایتی دریغ نکردند، تا جاییکه شنیده شد توسط پرسنل کمسیون نامستقل انتخابات، از وکیلهای مرد در خواست پول شده و از کاندیداهای زن مطالبۀ رابطۀ جنسی را نموده اند؛ در پس منظر این چنین انتخابات که عناصر آن، چنین انسانهای رذل و پست، دون فطرت، و فسادکاران اخلاقی و مالی می باشند چگونه می شود انتظار یک آینده خوب را داشت؟

اما نباید فراموش کرد که با این وجود بازهم جای نگرانی نیست چرا که اگر ملت شریف افغان واقعا بخواهد بازهم برای ملت درد دیده ورنج کشیدۀ افغان یک دریچه وروزنۀ وجود دارد که آن همان عمل به پالیسی و رفتن بر نقش قدم فرزندان اصیل و آزاده وطن است که همچون گلهای نوشکفته در بوستان مکتب نبوت تربیت یافته اند و از چشمه زلال شریعت محمدی (صلی الله علیه وسلم) سیراب گردیده اند و تحت یک قیادت واحد (عالیقدر امیرالمومنین حفظه الله) به جهاد و مبارزه ادامه می دهند و با قربانی های زیاد، آبرو وحیثیت از دست رفتۀ افغان ها را در سطح جهان اعاده نموده و به قیمت پاره های گوشت و قطره های خون شان این پیکر زخم برداشته را بار دیگر به سمت پیروزی و عزت هدایت می کنند!

بقیه در صفحه (۳۳)

اعلامیهٔ

شورای رهبری امارت اسلامی
در مورد آغاز عملیات جدید
به نام
"خـــیبر"



الله اکبر الله اکبر الله اکبر و لله الحمد

إنفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (41 التوبه)

ملت مجاهد و دین دوست افغانستان !

به برکت جهاد ۱۳ساله ، فداکاری ها و قربانی های شما دیگر ان شاء الله آن لحظات بسیار نزدیک شده است که اشغالگران وحشی از حریم مقدس کشور ما پا بفرار بگذارند و الله تعالی نعمت آزادی کامل و استقلال کشور اسلامی را بر ما ارزانی نماید .

ولله العزة ولرسوله وللمؤمنين .... الله اکبر الله اکبر و لله الحمد وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنصُرُ مَن يَشَاءُ....

ملت مسلمان و مجاهد!

این عملیات بهاری به نام " خیبر " در سطح تمام کشور در روز دوشنبهٔ آینده تاریخ ۱۳ رجب المرجب سال ۱۴۳۵ هجری قمری مصادف با ۲۲ ماه ثور سال ۱۳۹۳ هجری شمسی که برابر است با 12 ماه می سال 2014 میلادی در ساعت ۵صبح با نعره های الله اکبر آغاز می گردد. (ان شاء الله)

الله اکبر الله اکبر الله الکبر و لله الحمد

بخاطر اینکه بازهم برای رضای الله متعال و در راه دفاع از کشور اسلامی، مسئولیت ایمانی خویش را بطور کامل بسر- برسانیم اینک بار دیگر با فرا رسیدن سال جدید، برعلیه اشغالگران و همکاران بی مروت شان عملیات بهاری خویش را به نام " خیبر " اعلان می نماییم .

غزوهٔ خیبر که از طرف پیغمبر بزرگ اسلام – صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم – در سال هفتم هجری با دشمنان اسلام انجام گرفت و در نتیجهٔ آن، قلعه های مستحکم دشمن و مراکز بسیار بزرگ آنان فتح گردید ، کفار بطور کامل از منطقه خارج شدند و غنایم بسیار زیادی به دست مسلمانان افتاد، ما نیز امسال از همین نام فال نیک گرفته و از الله تعالی امید داریم که دیگر کشور ما را از دست کفار آزاد نموده و مراکز کلان شان را نیز به دست ما فتح نماید. ان شاء الله تعالی

همانند گذشته در عملیات جهادی خیبر نیز از تجربه های پیشرفتهٔ محاربوی کار گرفته می شود، عملیات کفر شکن استشهادی ، حملات مجاهدین نفوذی درداخل صفوف دشمن ، هدف قرار دادن مراکز کلان و نسبتا امن دشمن با سلاح های سنگین، موشک های دور برد و حملات هجومی و تعرضی بالای مراکز و تجمعات دشمن از تاکتیک های مهم این عملیات بهاری خواهد بود .

نقاط عملی نمودن عملیات سالانهٔ جهادی " خیبر " تجمعات نظامی اشغالگران خارجی ، مراکز دیپلوماتیک مربوط به آنها، کاروان های سیار و همچنین مراکز نظامی همکاران مزدور آنان ، تاسیسات ثابت وکاروان های سیار وزارت های دفاع ، داخله ، امنیت ملی و ملیشه های اجیر اربکی خواهد بود .

از آنجاییکه امسال ازلحاظ اهمیت زمانی خاص خود، در تاریخ ۱۳ سالهٔ جهادی ، مهم ترین سال به حساب می آید به همین خاطر مجاهدین نسبت به سال های گذشته در عملیات بهاری امسال ، برای پلان های شان از تاکتیک های پیچیدهٔ محاربوی کار خواهد گرفتند، تاکتیک هایی که از یک طرف تأثیربیشتر بر شکست و در هم کوبیدن دشمن اشغالگر داشته باشد، از طرف دیگر در آن از وارد شدن تلفات مالی و جانی به مردم ملکی بطور جدی جلوگیری گردد.

طراحی عملیات بهاری " خیبر " از طرف ماهرین جهادی و مسلکی امارت اسلامی و قومندانان دلاور سنگر های جهادی صورت گرفته است که تمام شرایط محیطی و موسمی همه مناطق کشور در آن بطور دقیق مورد توجه قرار داده شده و طبق پلان تعیین شده در هرجا به تاریخ دقیق خویش آغاز خواهد شد .

مجاهدین امارت اسلامی که فقط بخاطر کسب رضای الله متعال، برای دفاع از حریم کشور و برای تحفظ هموطنان خود سرهای خویش را قربان می کنند، از تمام هموطنان مسلمان خود با احترام می خواهند که در ضربه زدن به دشمن با آنان همکاری بیشتر نمایند، از کار کردن در صف دشمن خود داری کنند، از تجمعات و مراکز نظامی و استخباراتی آنان نیز دور باشند وبرای رضای الله تعالی ، دفاع از کشور خود و در راه تعاون دینی با برادران مجاهد خود، مسئولیت شان را ایفاء نمایند .

همچنین بار دیگر به تمام کارمندان ادارهٔ از هم گسیختهٔ کابل اعلان می داریم که با دست برداشتن از همکاری با کفار، کنار و دوشا دوش مجاهدین ایستاد شوند، از صفوف دشمن جدا شوند، در صورت جدا شدن از صف دشمن ، امارت اسلامی به شما اطمینان گذراندن زندگی عزت مندانه، پرسکون و پرامن را می دهد و حمایت از شما را فریضهٔ اخلاقی خود میداند.

امارت اسلامی در حالی که با نصرت خداوند بزرگ جل جلاله و همکاری بی مثال ملت مجاهد خود بر شکست کامل تمام اشغالگران در افغانستان باور کامل دارد ، بر خروج بلا قید و شرط تمام اشغالگران از کشور اسلامی ما تاکید می کند و برای رسیدن به این هدف، تداوم جهاد مسلحانه را ضروری می پندارد .

باید یک بار دیگر خاطر نشان سازیم که با موجودیت اشغالگران کافر ، دین و مراجع فقهی ما ، در مقابل اشغالگران به ما امر به جهاد مسلحانه می کنند و جهاد را فرض عین می داند، بناء آن عده از اشغالگران و همکاران داخلی شان که فکر می کنند با کم شدن تعداد اشغالگران خارجی ، ارادهٔ جهادی ما تضعیف خواهدشد، باید بدانند که روی اساسات اسلامی همانگونه که موجودیت هزاران اشغالگر در دارالاسلام جواز ندارد، حکم اشغالگران محدود و کم از لحاظ تعداد، نیز همان است که بیرون راندن آنها از سرزمین اسلامی وجیبهٔ تمام مسلمانان میباشد .

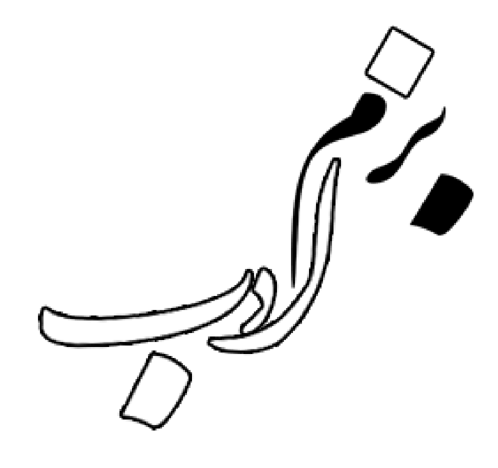
بناء امارت اسلامی افغانستان تعهد دارد که با همکاری ملت مسلمان خویش ، تا خارج شدن آخرین عسکر وتا استحکام نظام اسلامی فریضهٔ جهاد مقدس را ادامه خواهد داد، ان شاءالله . الله اکبر الله اکبر الله اکبر و لله الحمد.

والسلام

شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان

۱۴۳۵/۷/۹هـ ق

۱۳۹۲/۰۲/۱۸ هـ ش



غزل

ملا محمد داود همت

***

کړه چي مي يار له خپله ښاره ځـي

څړيکي مي دخوږ زړه له پر هاره ځي

غم دبيــلتانه مي خوب ته نه پريږدي

اوښکې مي له ستر ګو تر سـهاره ځي

بـوی دی دبـارودو تور دودونــه دي

تـوږم د بلبـلو لــه ګلــزاره ځـــي

خــدايه دا مر ګونی انقـلاب به مـو

کــله له شهـيد شهـيد ديـاره ځي

وژاړم را ياد شي ځـواني مرګ آشـنا

څه زلمي غازيان پر دغــه لاره ځـــي

ويـاړ او کــامـيابي آخــر دهـغو ده

لار بانــدي چي څـوک درب دپاره ځي

زړه درقيــبانو په مـوږ ښـه سوړ شو

ښـکلي چـي پـناه لــه قــندهاره ځي

ګـــوره ليونــی غونـدي داود (همت)

ستــا دمحـبت په تـور تـر داره ځي !!



پیام آزادی

مولوی عبدالرقیب جهید

بکام ماست سرانجام کام آزادی

بنوش آب حیاتی ز جام آزادی

بریم یکسره حلقوم و دام استعمار

کشی چو تیغ جهاد از نیام آزادی

به بر کنیم قبای برشوق و استغناء

برهنه ایم چو عمری ز نام آزادی

چو حریت یکی نعمت بزرگ خدا است

دمیده طلعت هستی ز بام آزادی

ضرورت است کنون وحدتی برای جهاد

کشی ز خصم جبون انتقام آزادی

هزار شکر و سپاس خدای عزوجل

فرار لشکر باطل مرام آزادی

بزیر سایه قرآن و رایت توحید

بریز طرح دگر از نظام آزادی

کنیم عدل الهی بر سرزمین حاکم

جهاد ماست همی تا قیام آزادی

شعار ملت ما لااله الا الله

که جمله ایم از نیرو خدام آزادی

جهید رسم ادب بود گفتن و تحریر

رساننده مژده به یاران پیام آزادی



بزم ادب

با چنین مستکبری کس را توان جنگ نبود

جمـله دنیا از مصافش می گـریخت ومی رمید

قوم بی ابزار و مظلوم همین مرز کهن

ا نقلابی کرد بپا کز جمله عالم سرکشید

صبح پیروزی

شهید سلحشور

صبح پیروزی افــق را کرده روشن از امید

زلـزله افتـــاده اندر لنــــدن وکـــاخ سفید

چشم امت باز گشـــته بهـــر احیـــای دیگر

اهتــــزاز پرچـــم ایمـــان جهـــان درهـم کشید

ملت محمود واکـبرخـان چنـان بار دیگر

دشمن ایمـــان و دین را زیر پای خـود لهـید

مـــردم آزاده افغـــان به عـــون ذوالجلال

لشکـر غــرب صلیبی را سروسامـــان ودرید

لشکری کز وحشتش دنیا هراسان گشته بود

ملـتی مظلـوم مـــا از اوج به اهــزامش کشید

هندوکش وپامیرو اسپین غر ش بار دیگـر

عرصه را تنگ کرده بر فوج خـون آشام پلـید

نعــره الله اکبر بیخ دشمــن کــنده اســت

صبح پیروزی طلـوعش کـرده عـالـم را سپید

لشکرآراسته ظاهر خوار ومهزوم گشته است

قـــله هـای فتح وپیروزی به اوج خـــود رسـید

امـــت مسلمه از ایثـار این ملـت شد ست

شـادمان وسـرفراز و غصـه ها از وی پرید

زما شمله او ستا شین خال

مشفق حریتمل

که دا نیمچه مسلمانان په همدې حال پاتې شي

نو اندېښنه ده چې دوستان به د دجال پاتې شي

دخپل دښمن په ملګر تیا کې دومره وشرمیږي

چې ترې د پلار نیکه د ننګ توره او ډال پاتې شي

چې اسلامیت او صلیبیت کړي سره وروڼه

دپاپ په عشق کې ترې سجدې د ذوالجلال پاتې شي

که مونږه وژني یرغلګر او مونږ یې ونه وژنو

نه به زما شمله او نه به ستا شین خال پاتې شي

راځه شم زه به اکبر خان ته دمیوند ملاله

چې انګریزان رانه یوځلې بیا ملال پاتې شي

ته دناقوس کړنګا ته سر خوځوه پرې یې نږدې

زما په غوږ کې دې ښایسته غږ دبلال پاتې شي

دحق باطل په معرکه کې هرڅوک ښه مالوم شي

څوک اسلام تېښتي شي او څوک بیا اسلامپال پاتې شي

تاریخ په خپله حافظه کې ثبتوي کارنامې

څوک شاه شجاع شي دچانوم ورکې ابدال پاتې شي

دوی دې مشفقه په سندرو عزازیل خوشال کړي

له مونږ سره دې تل ویاړمن حماسي خیال پاتې شي

به مناسبت رمضان المبارک

رمضان ماه آشتی است ؛ آشتی با احکام الله جل جلاله ، آشتی با سنت های ناب پیامبر عزیز ، محمد مصطفی - صلی الله علیه و سلم - ، آشتی با معنویات ، آشتی با تلاوت قرآن شریف ، آشتی با مقدسات ، آشتی با دعاهای سحری و نمازهای نیمه شب ، آشتی با قیام لیل ، آشتی با توبه و استغفار ، آشتی با معنویات فراموش شده و تجدید بندگی با ذات یگانه الهی ؛ رمضان ماه رسیدن به خداست و فرصت طلایی پاک شدن از گناهان ، رمضان ماه محبت و اخلاص است ؛ ماه دلسوزی و همیاری با ایتام و مساکین ، فقراء و مسلمانان خوار و بار شکسته ، رمضان ماه یادآوری انسانیت از انسانیت است ، ماه پر کشیدن انسان فرش نشین به سوی خالق عرش نشین !

رمضان ماه زیبایی هاست ؛ رمضان نسیم و شمیم ایمان است از جنس رحمت های خاص الهی که بر قلوب و جوارح مومنین وزیدن می گیرد ؛ رمضان فرصت بازیابی و خودیابی است ؛ لحظه لحظه رمضان سرشار از برکات و معنویات است ، رمضان فصل کاشت حسنات است ؛ رمضان بهار جلای قلوب در تجلی گاه ایزد منان است ؛ رمضان ماه پاکی و پاکیزگی است ؛ رمضان ماه متخلق شدن به اخلاق خالق و رنگین شدن به رنگین کمان "صبغه الله" است !

رمضان ماه شور است و شعور ، ماه نور است و سرور ، ماه فخر است و حضور ، ماه عشق است و فروغ ، ماه فخر است و عروج ، ماه راز است و نیاز ، ماه عز است و ناز ، ماه وصل است و وصول ، ماه طاعت و عبادت ، ماه اخلاص و ارادت ، ماه شوق است و شهامت ، ماه هدایت و صداقت ، ماه خیر است و سعادت .

رمضان ؛ ماه تفکر در خودی تا رسیدن به خدا ، ماه تدبر در آیات حق تا رسیدن بر فراز حقیت ، ماه تامل در اندیشه های ناب تا رسیدن به اسلام ناب ، ماه اندیشیدن در هدف هستی تا رسیدن به یکتا پرستی ، ماه پیدا کردن خود از ناخودی و نجات از بی خودی !

رمضان ؛ ماه ایثار است و اکرام ، فضل است و بخشش ، ماه جود است و سخاء ، ماه احسان است و اخلاص ، ماه غمخوری و مساوات ، ماه دلجویی و دلداری ، ماه خیر خواهی و دلسوزی ، ماه نیکی و کریمی ، ماه الطاف و ترحم ، ماه عزت و کرامت ، ماه پر فیض و اجابت ، ماه دعاء و نیایش ، ماه تمجید و ستایش ، ماه تقدیس است و تسبیح ، ماه سجاده و محراب ، ماه تهلیل و تراویح ، ماه تحمید و نماز است و ...

Haqiqat

Islamic, Political, Cultural & Jihadi Bimonthly Magazine



بدخشان!
آری، بدخشان' سرزمینی که آغوش سر سبز خود را بر روی مجاهدین
و فتوحات پی در پی باز میدارد



عیدگاه در شهر کندهار:
که از شهکارهای عمرانی و تمدنی دوران امارت اسلامی افغانستان بشمار میرود!